

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

نام درس: اصول و روش ترجمه

تعداد واحد 2

نام منبع: اصول و روش ترجمه

مؤلف دکتر لطفی پور

تهیه و تنظیم: مینا عباسی بنابی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

# هدف کلی کتاب

هدف کتاب حاضر آشنا سازی دانشجویان رشته مترجمی زبان انگلیسی با مقدمات ترجمه است.

برای رسیدن به این هدف ، در تالیف آن به چهار جزء آموزش مترجمی توجه شده است .

1. زبانشناسی ترجمه

2. نظریات ترجمه شناسان مختلف درباره مسائل ترجمه

3. ارزیابی نمونه هایی از آثار ترجمه شده

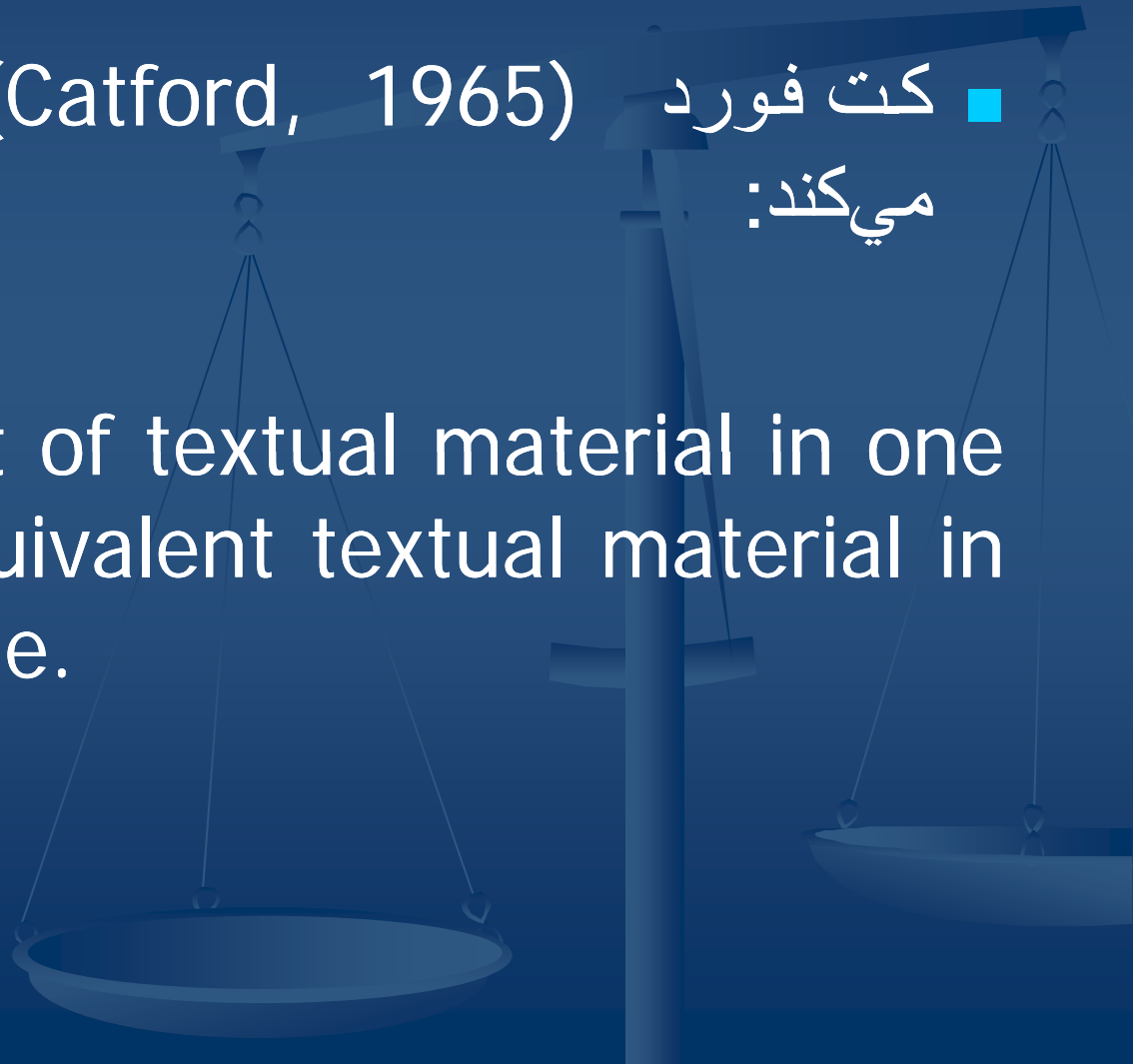
4. ترجمه عملی

# درس 1

## تعريف ترجمه

■ کت فورد (Catford, 1965) ترجمه را چنین تعريف مي‌کند:

The replacement of textual material in one language by equivalent textual material in another language.



■ از جمله مفاهیمی که در تعریف کت مورد نیازمند بحث است عبارت اند از:

“جایگزینی” (replacement) ، “مواد متنی”  
(textual material) ، “معادل” (equivalent) ،  
“معنا و پیام”.

# متن (text)

- با توجه به گرایش‌های نوین در زبان‌شناسی، متن زبانی (text) حامل يك "پیام" یا "معنای" آماده و ساخته و پرداخته قبلی نیست، بلکه هر متن ارائه دهنده فرایند سخن (discourse process) متکلم به مخاطب است.

# فرایند سخن (discourse process)

■ منظور از فرایند سخن فرایندی ذهنی و پیش‌زمینه‌ای است که در آن متکلم با توجه به یک هدف ارتباطی معین شروع به سبک و سنگین کردن کلیه عوامل حاکم بر موقعیت کلامی مربوط می‌کند.

# معنا (meaning)

■ معنا و پیام چیز از پیش ساخته و آماده‌ای نیست که در قالب متن به مخاطب عرضه شود، بلکه عوامل بسیاری در تبلور آن ایفای نقش می‌کنند که متن تنها یکی از این عوامل است.



■ گاه ممکن است معنای متکلم (speaker meaning) و معنای مخاطب (receiver meaning) با هم تفاوت داشته باشند. یعنی آن چه مورد نظر متکلم است با آنچه که مخاطب برداشت می‌کند فرق داشته باشد.

■ عوامل بسیاری در دادوستدهای زبانی حاکم‌اند که متون و ابزارهای نظام زبانی (اصوات، دستور و واژگان) تنهایی از آنهاست. ولی متن، عرضه‌کننده فرایند سخن و عوامل حاکم بر آن است.

■ تفاوت‌های صوری و سبکی در نظام متن بی‌تأثیر در پیام نیست و برخلاف باور پاره‌ای از مکاتب زبانشناسی، در زبان، مطلبی را نمی‌توان عیناً و بدون اینکه تغییری در محتوای آن ایجاد شود «به عبارت دیگری» (paraphrasing) بیان کرد.

## درس 2

# انواع ترجمه

### ■ کت فورد و انواع ترجمه

کت فورد (Catford/1965) ترجمه را در سه محور به انواع مختلف تقسیم می‌کند:

الف) میزان (extent) ترجمه

ب) سطح (level) توصیف زبانی

ج) ردیف (rank) ساختمان زبانی

# میزان (extent) ترجمه

■ یعنی چه میزان یا مقدار از متن مورد نظر به زبان مقصد ترجمه یا با «مواد متنی» آن جایگزین می‌شود. در این محور ترجمه به دو نوع کامل (full) و غیر کامل (partial) تقسیم می‌شود.

# ترجمه کامل

■ در ترجمه کامل کلیه عناصر متن مبدأ بدون استثنا با عناصر زبان مقصد جایگزین می‌شود. ولی در ترجمه غیر کامل قسمتی از متن زبان مبدأ «جایگزین» نشده باقی می‌ماند.

# سطح (level) توصيف زباني

■ زبانشناسان نظام هر زباني را به سطوح مختلف از جمله آواشناسي (phonology) ، تکواژشناسي (morphology) ، رسم الخط (graphology) ، نحو (syntax) و معناشناسي (semantics) تقسيم مي کنند.

## ترجمه كلي (total) و ترجمه محدود (restricted)

■ در محور سطح توصيف زبانی، کتفورد به دو نوع ترجمه كلي (total) و محدود (restricted) اشاره مي‌کند.





## ترجمه كلي (total)

■ در ترجمه كلي امر جاگزيني متن زبان مبدأ در همه سطوح اعمال مي شود، مانند:

SL: Translation is a branch of contrastive linguistics.

TL: ترجمه شاخه‌اي از زبانشناسي مقابله‌اي است.

## ترجمه محدود (restricted)

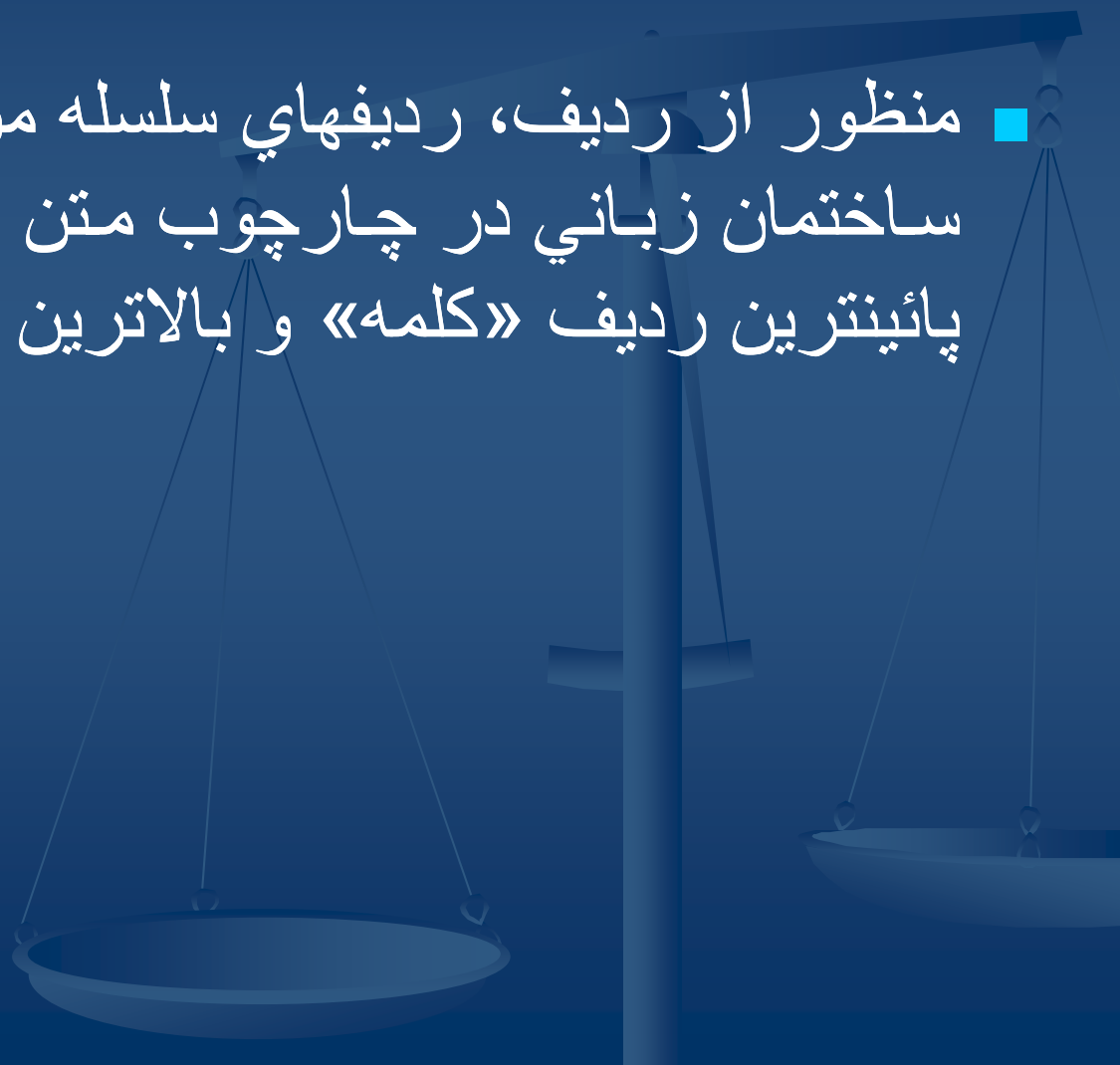
■ در ترجمه محدود امر جایگزینی در همه سطوح اعمال نمی شود.

SL: Phonology is the study of the sound system of a language.

TL: آواشناسی عبارت است از مطالعه سیستم صوتی زبان

# ردیف (rank) ساختمان زبانی

- منظور از ردیف، ردیفهای سلسله مراتبی است که عناصر ساختمان زبانی در چارچوب متن در آنها آرایش می‌یابند. پائینترین ردیف «کلمه» و بالاترین ردیف «متن» است

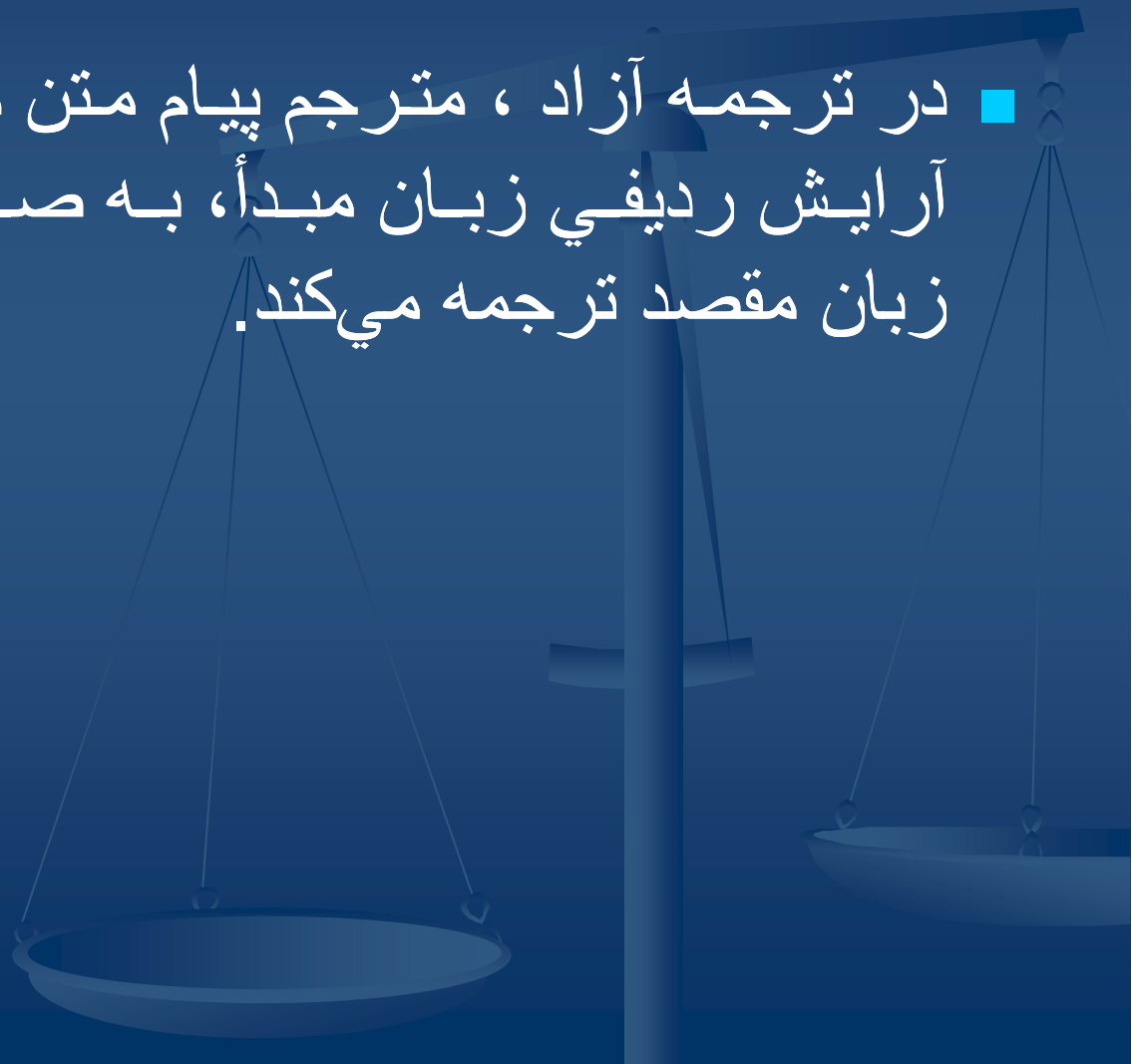


# ردیف ساختمان زبانی و انواع ترجمه

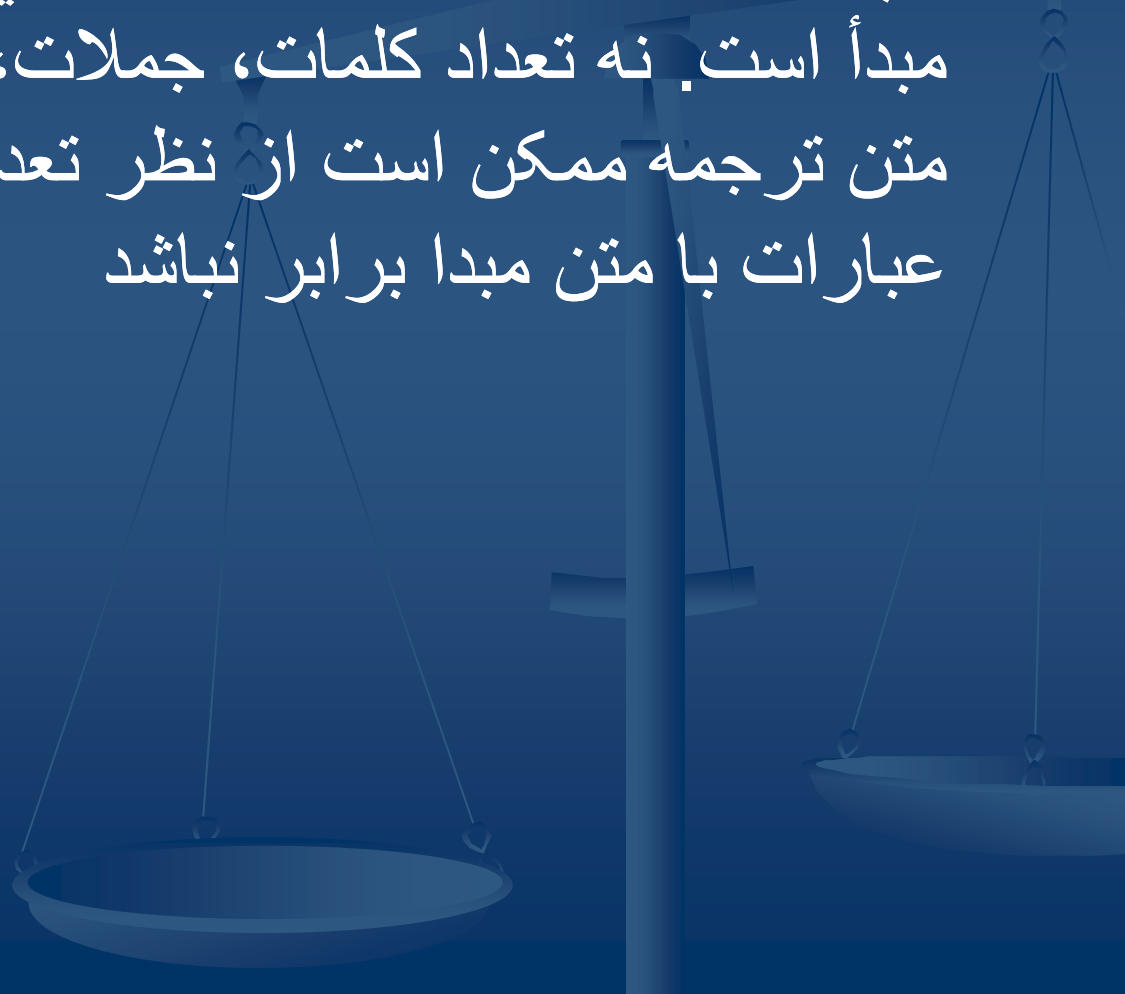
- کت فورد در چارچوب ردیفهای ساختمان زبانی، ترجمه را به سه نوع آزاد (free) وابسته به ردیف (rank-bound) و تحت اللفظی (literal) تقسیم می‌کند.

# ترجمه آزاد

■ در ترجمه آزاد ، مترجم پیام متن مبدأ را، صرف نظر از آرایش ردیفی زبان مبدأ، به صورت آزاد در چارچوب زبان مقصد ترجمه می‌کند.

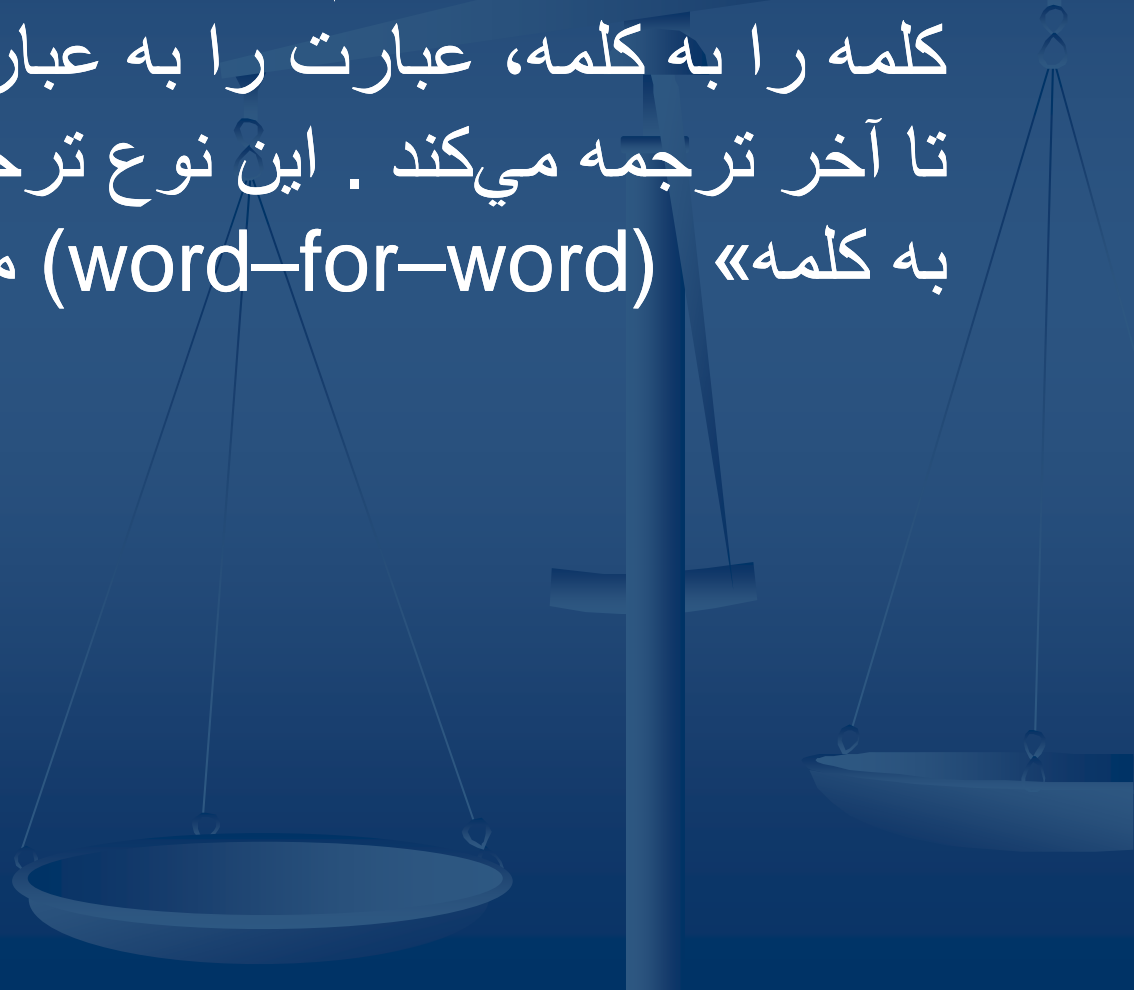


■ آنچه در ترجمه آزاد معیار قرار می‌گیرد پیام و معنای متن مبدأ است. نه تعداد کلمات، جملات، عبارات و مانند آنها. متن ترجمه ممکن است از نظر تعداد کلمات، جملات و عبارات با متن مبدأ برابر نباشد



## ترجمه وابسته به ردیف

■ در این ترجمه مترجم آرایش ردیفی متن مبدأ را حفظ و کلمه را به کلمه، عبارت را به عبارت، جمله را به جمله و تا آخر ترجمه می‌کند. این نوع ترجمه کلاً به ترجمه «کلمه به کلمه» (word-for-word) مشهور شده است.



# ترجمه تحت اللفظي

■ ترجمه تحت اللفظي ترجمه‌اي است که مترجم تا حدودي کلمه به کلمه عمل مي‌کند ولي گاهي براي بهتر رساندن پيام، کلمات يا عناصرري به زبان مقصد اضافه مي‌کند

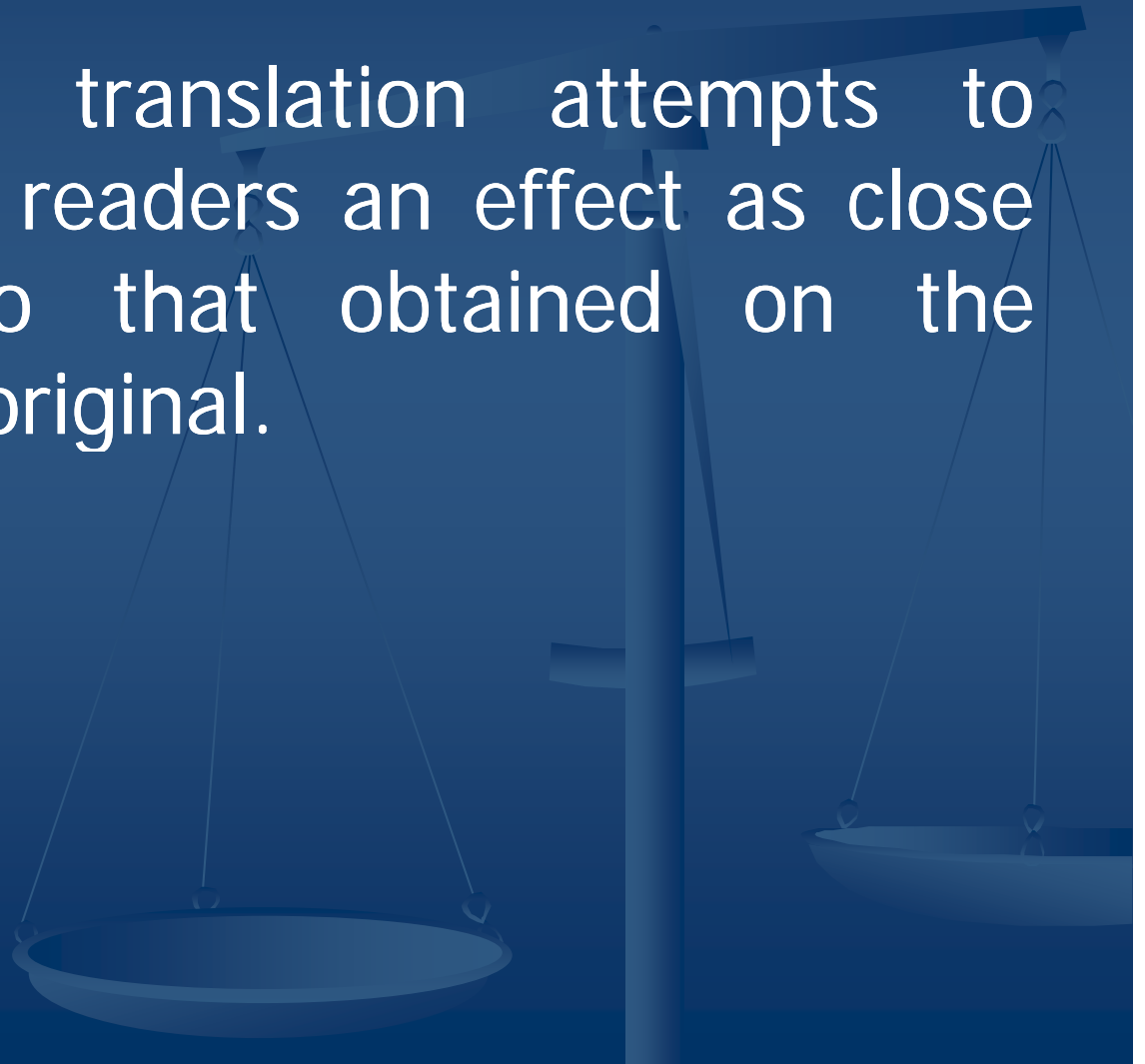


# نیومارک و انواع ترجمه

■ نیومارک در بحث از انواع ترجمه به دو نوع ترجمه اشاره می‌کند: ترجمه معنایی (semantic translation) و ترجمه پیامی (communicative translation) که می‌توان آنها را تا حدودی به ترتیب با ترجمه کلمه به کلمه و «ترجمه آزاد» کت فورد متناظر دانست.

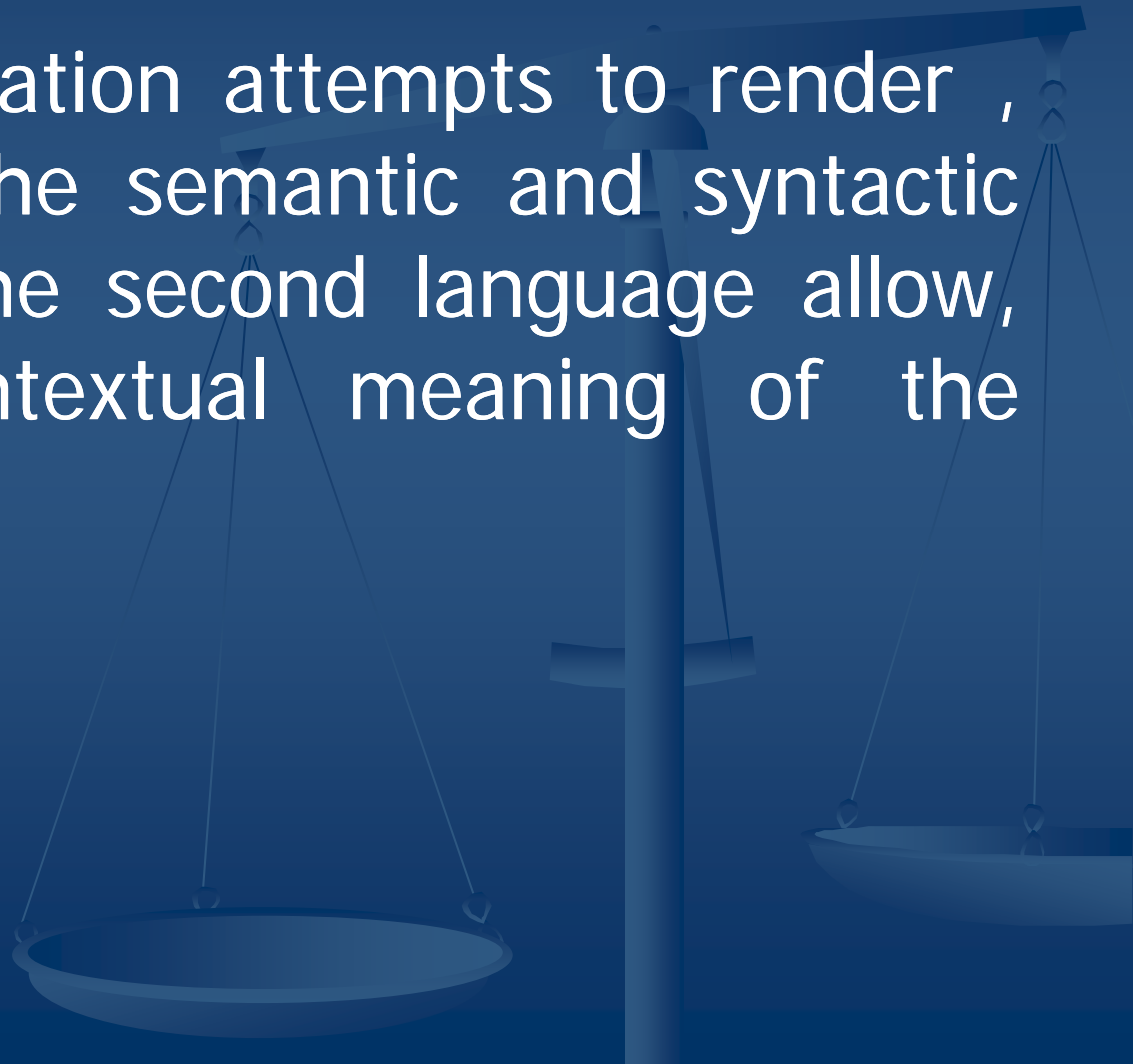
# Communicative translation

- Communicative translation attempts to produce on its readers an effect as close as possible to that obtained on the readers of the original.



# Semantic translation

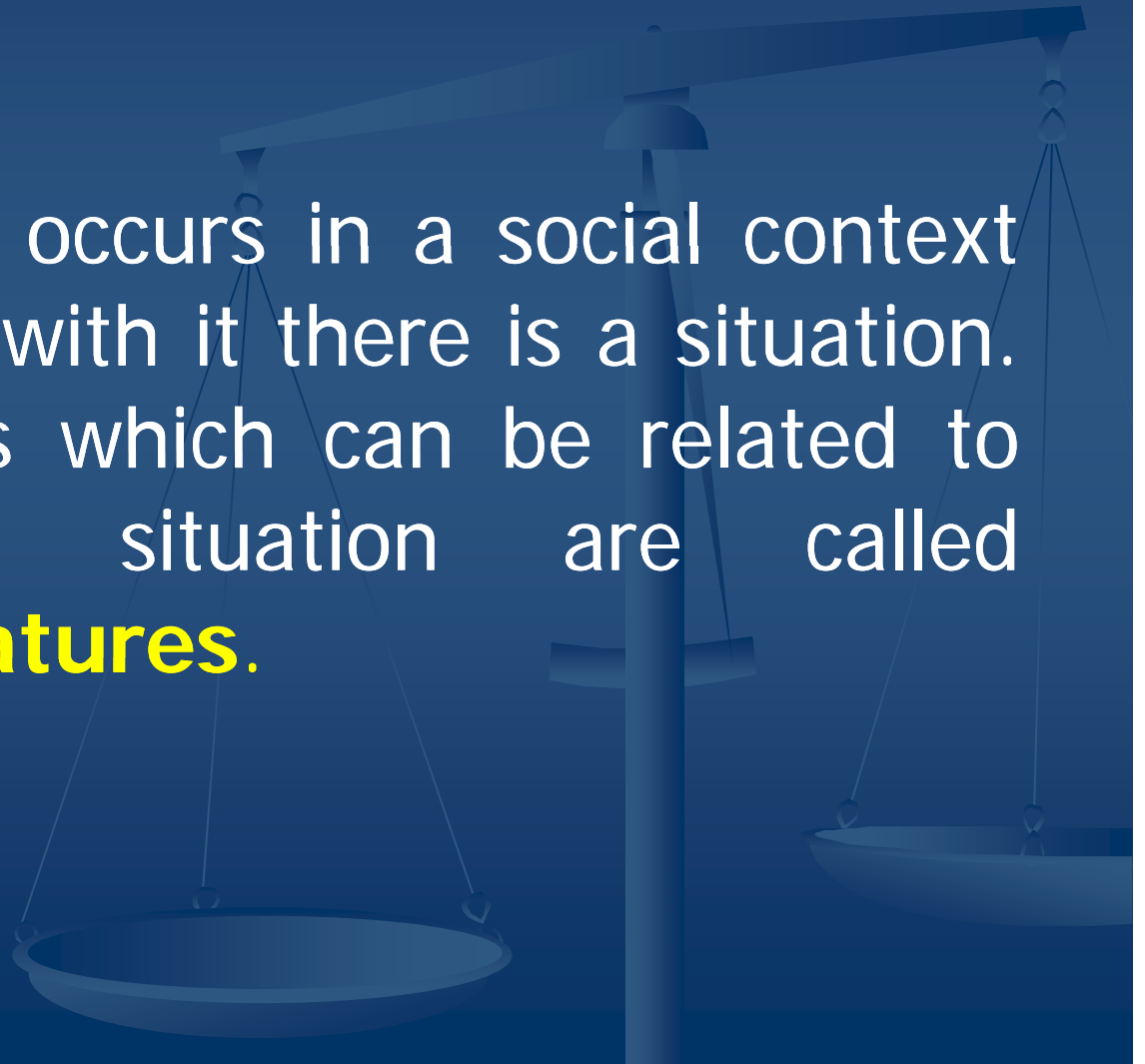
- Semantic translation attempts to render , as closely as the semantic and syntactic structures of the second language allow, the exact contextual meaning of the original.'



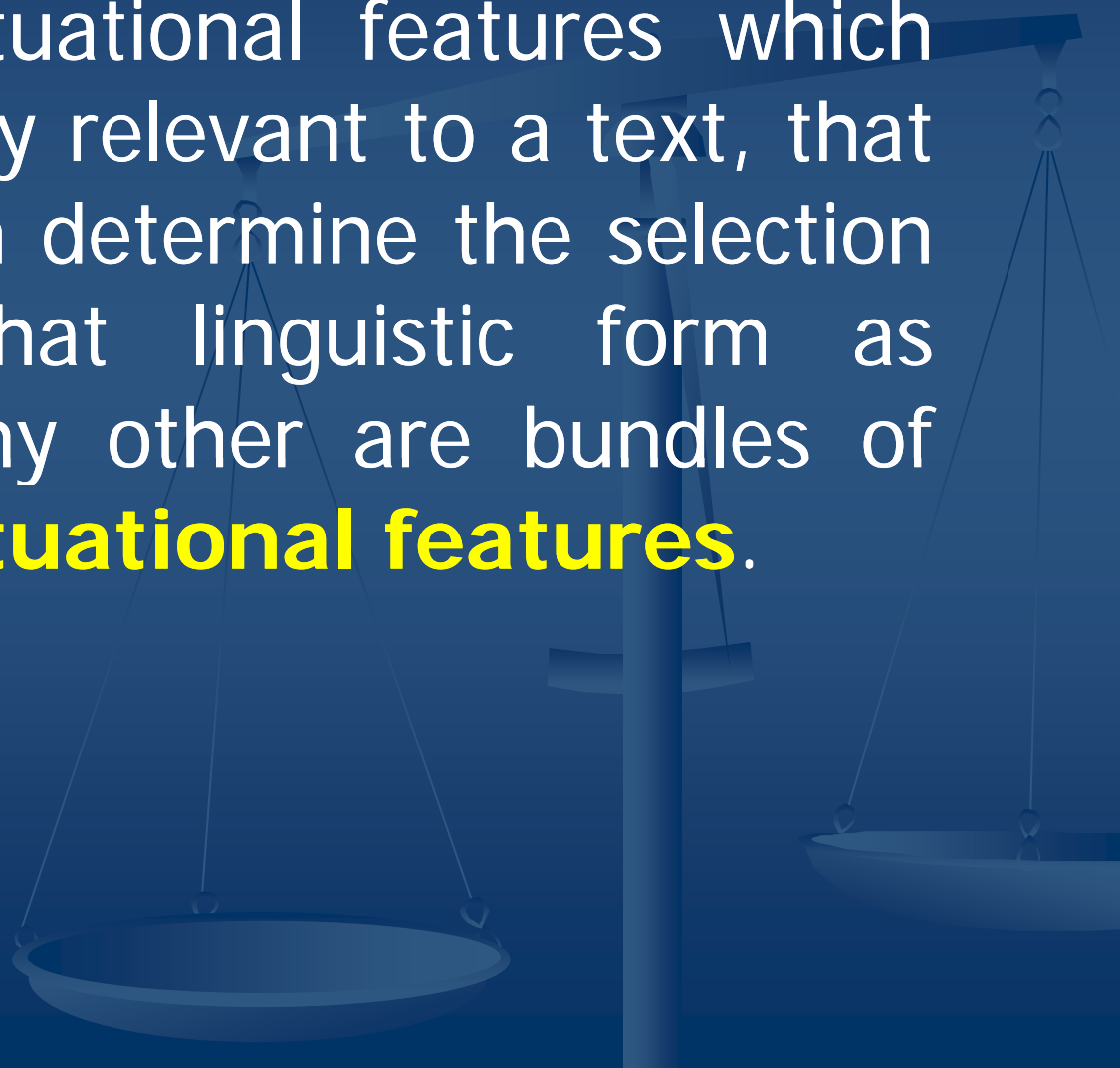
# درس 3

## ویژگیهای موقعیتی و ترجمه

- Every sentence occurs in a social context and associated with it there is a situation. All the features which can be related to any sentence situation are called **situational features.**



- The set of situational features which are contextually relevant to a text, that is, those which determine the selection of this or that linguistic form as opposed to any other are bundles of **distinctive situational features**.



■ کت فورد ویژگیهای موقعیتی را به دو دسته تقسیم می‌کند.

«ویژگیهای مهم زبانی»

(linguistically relevant features)

و «ویژگیهای مهم نقش‌ی»

(functionally relevant features)

# ویژگیهای مهم زبانی

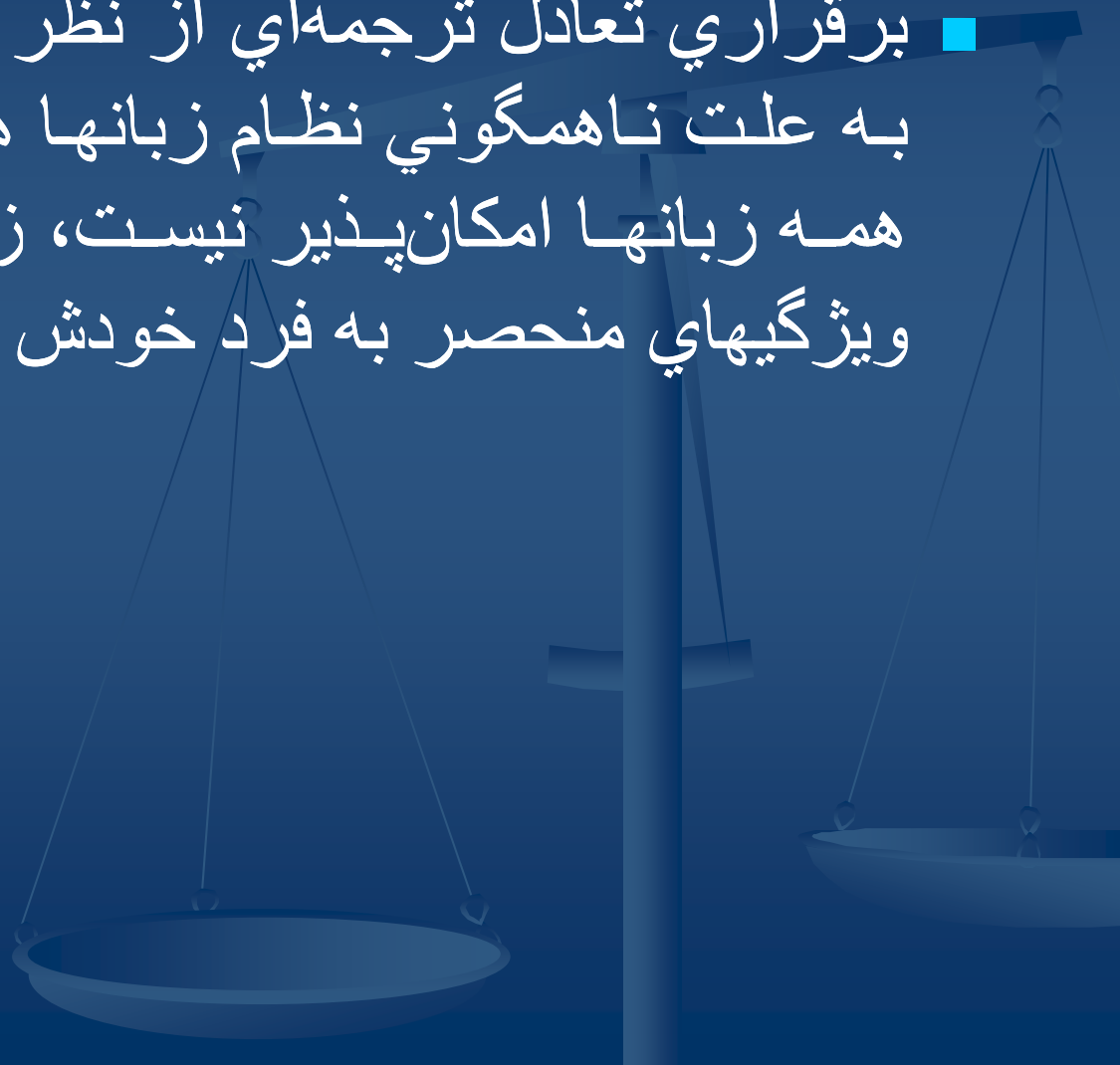
■ منظور از ویژگیهای مهم زبان آنهایی است که در نظام یکی از زبانها مؤثرند و مهم شمرده می‌شوند ، ولی تأثیری بر نقش ارتباطی متن مربوط در موقعیت ارتباطی یاد شده ندارند.

# ویژگیهای مهم نقشی

■ منظور از ویژگیهای مهم نقشی آنهایی هستند که تأثیر مستقیمی بر نقش ارتباطی متن یا جمله مربوط در موقعیت ارتباطی خود دارد.



■ برقراري تعادل ترجمه‌اي از نظر ويژگيهاي مهم زباني  
به علت ناهمگوني نظام زبانها همیشه در ترجمه بين  
همه زبانها امکان‌پذير نيست، زيرا نظام هر زبان  
ويژگيهاي منحصر به فرد خودش را دارد .



# ترجمه پذيري و ترجمه ناپذيري

■ گاه اتفاق مي افتد يك متن از زبان (الف) قابل ترجمه به زبان (ب) نيست. كت فورد اين حالت ترجمه ناپذيري را به دو نوع تقسيم بندي مي كند :

«ترجمه ناپذيري زباني»

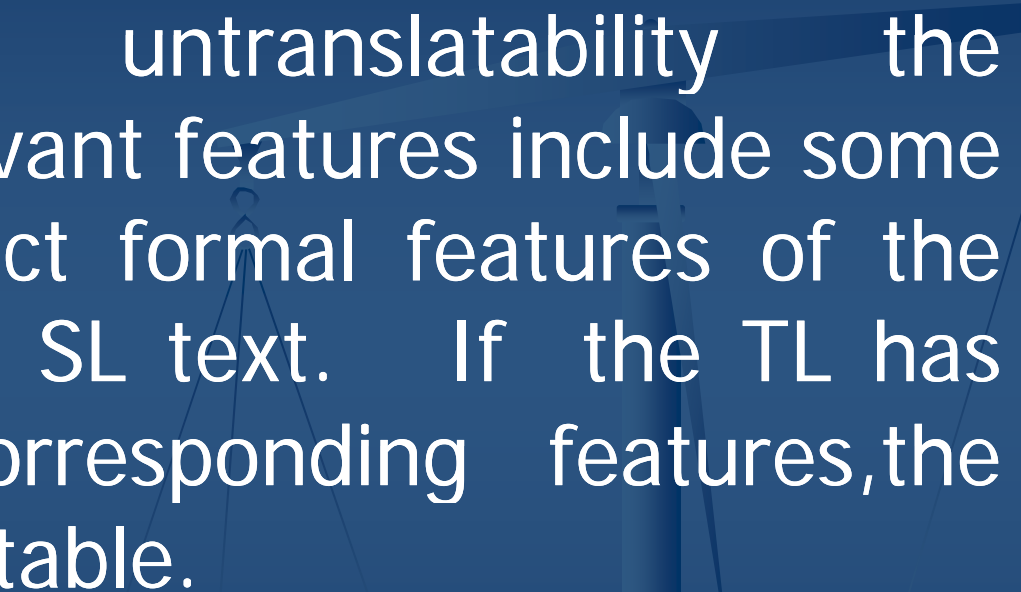
(linguistic untranslatability)

و «ترجمه ناپذيري فرهنگي»

(cultural untranslatability)

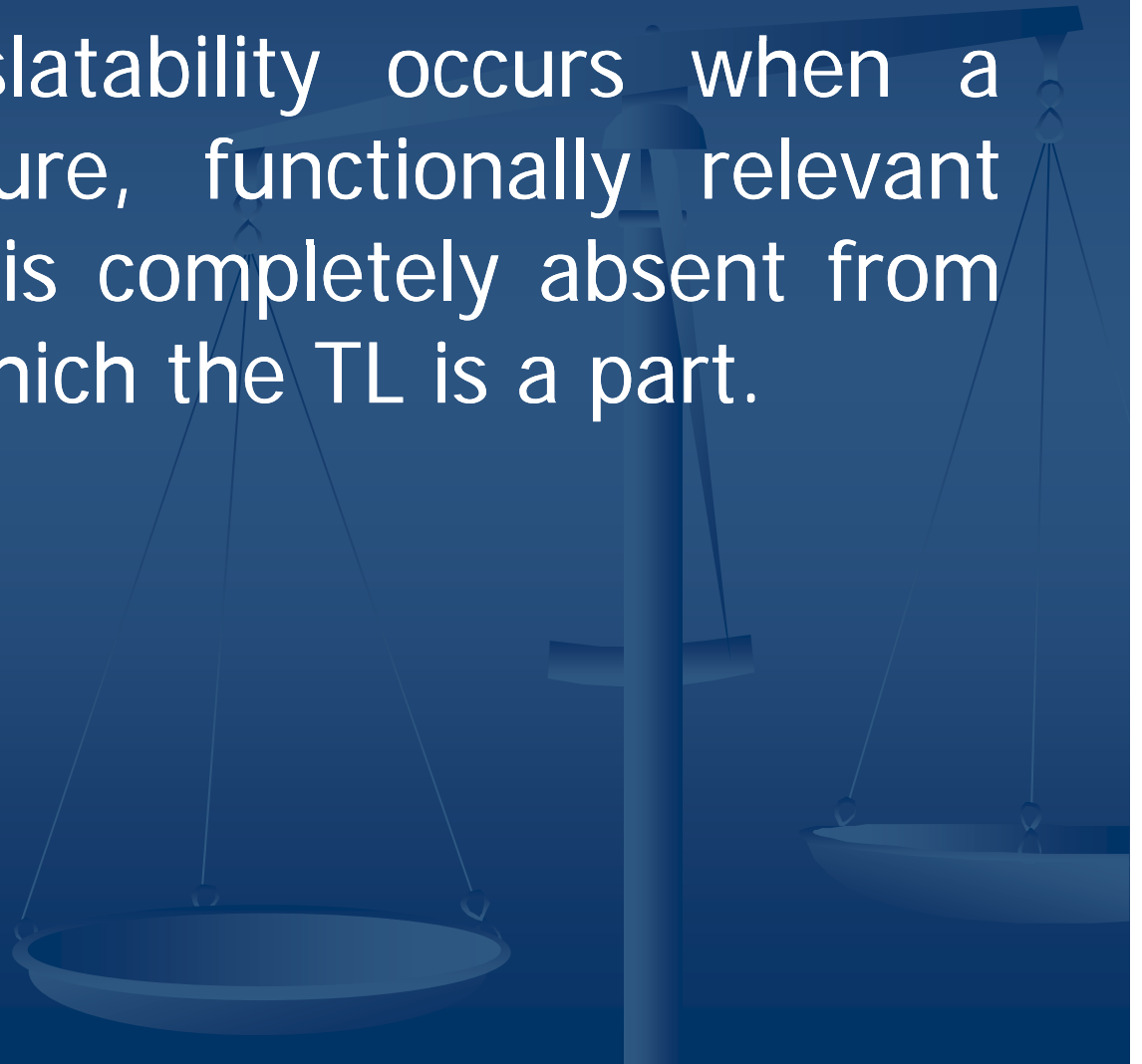
# linguistic untranslatability

In linguistic untranslatability the functionally relevant features include some which are in fact formal features of the language of the SL text. If the TL has no formally corresponding features, the text is untranslatable.



# Cultural untranslatability

Cultural untranslatability occurs when a situational feature, functionally relevant for the SL text is completely absent from the culture of which the TL is a part.



■ برای مثال در متن فارسی زیر:

مرجان لب لعل تو مر جان مرا قوت  
یا قوت نهم نام لب لعل تو یا قوت

■ کلمات «مرجان» و «مر جان»، «یا قوت» و «یا  
قوت» تشکیل جناس می‌دهند و جزو ویژگی‌های مهم  
نقشی محسوب می‌شوند.

■ به علت تفاوت نظام آوایی و معنایی زبانهای فارسی و انگلیسی ترجمه شعر فوق با حفظ معانی و تصاویر آن و رعایت تشابه‌های آوایی یا جناس‌های آن غیر ممکن است. این حالت ترجمه ناپذیری را **ترجمه ناپذیری زبانی** می‌گویند.

■ متن فارسي «امشب در مسجد جامع شهر مراسم دعاي  
كميل برگزار مي شود» را در نظر بگيريد. چون  
مفهوم «دعاي كميل» در فرهنگ زبان انگليسي وجود  
ندارد اين متن غير قابل ترجمه است. اين ترجمه  
ناپذيري را «ترجمه ناپذيري فرهنگي» مي نامند.

## درس 4

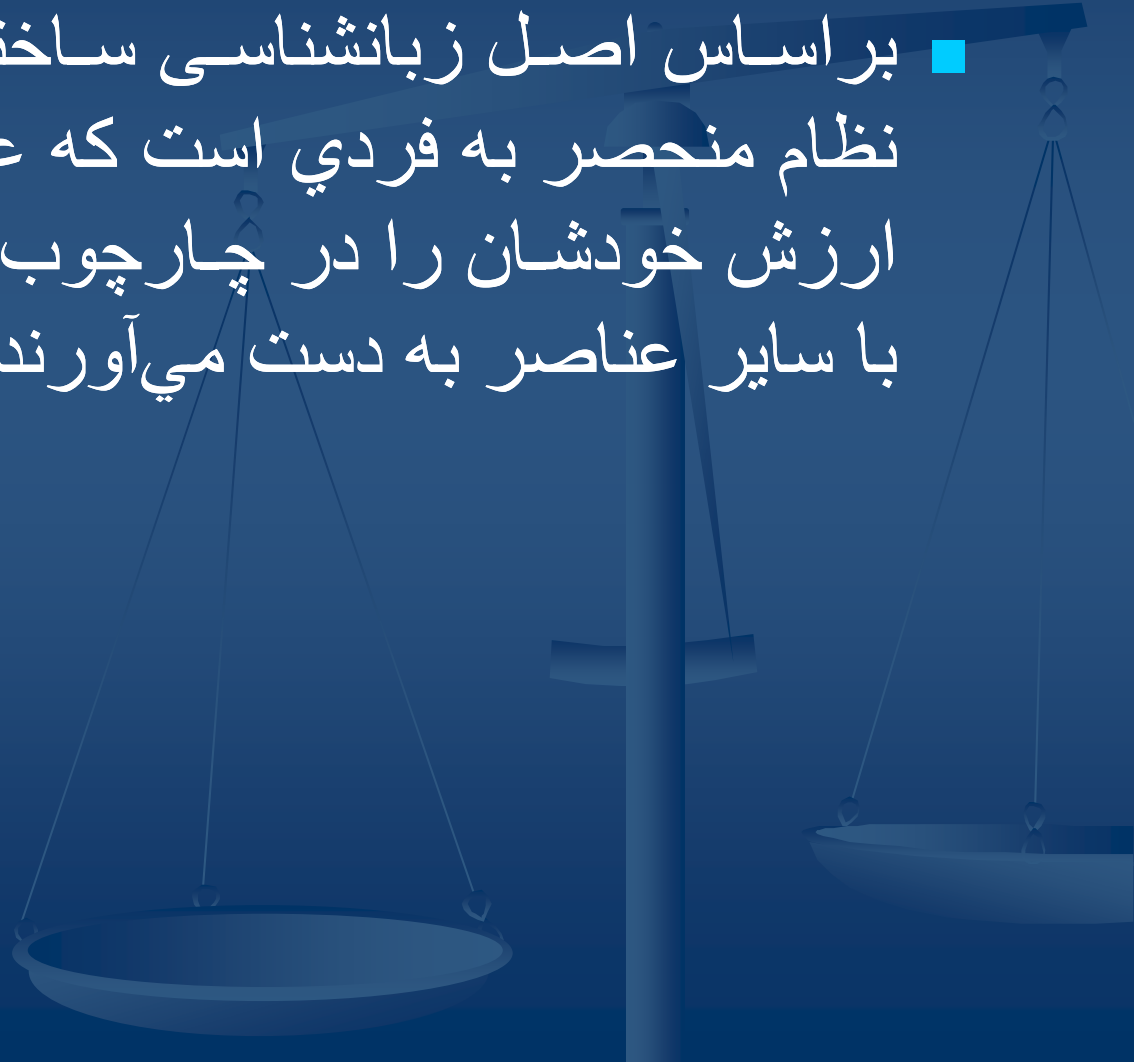
# زبان‌شناسی ساختاری و ترجمه

■ جان لاینز زبان‌شناسی ساختاری را چنین تعریف می‌کند:

" ... every language is a unique relational structure, or system, and that the units derive both their essence and their existence from their relationships with other units in the same language-system..."



■ براساس اصل زبانشناسی ساختاری هر زبان داراي  
نظام منحصر به فردي است که عناصر آن موجوديت و  
ارزش خودشان را در چارچوب اين نظام و در رابط  
با ساير عناصر به دست مي آورند.



# اصل زبانشناسی ساختاری و ارتباط آن با ترجمه

■ بنابراین اصل ، در انتخاب معادلهای ترجمه‌ای ، مترجم نمی‌تواند برای عناصر زبان مبدأ بدون در نظر گرفتن نظام مربوط معادل پیدا بکند. آنچه برای مترجم مهم است «ارزش و نقش» عناصر زبانی است نه صورت آنها.

# Can one translate word-for-word across languages?

- A word-for-word translation is not always possible because languages are different in their lexicalization strategies. That is to say, languages may employ different strategies to lexicalize the same concepts.



# تمايزات دوگانه سوسوري

- تمايز بين صورت (form) و ماده اوليه (substance)
- تمايز بين روابط همنشيني (syntagmatic) و جانشيني (paradigmatic) عناصر زباني.

## ساختار معنایی (semantic structure)

- ساختار معنایی یک زبان عبارت است از انواع رابطه‌های معنایی موجود بین واحدهای مجموعه‌های جانشین در سازه‌های آن زبان.

# مجموعه جانشینی

■ در سازه «برادر من معلم است» به جای واحد «برادر» می‌توان واحدهایی نظیر «مادر»، «پدر»، «خواهر»، «دایی»، «پسر عمو»، «دختر عمو»، «عمه»، «مادر بزرگ» را به کار برد که این مجموعه را «مجموعه جانشینی» می‌نامند.

■ جان لاینز (Lyons 1977) روابط معنایی را چنین تقسیم بندی می‌کند:

synonymy

■ (الف) هم معنایی

hyponymy

■ (ب) شمولیت (عام و خاص)

complementarity

■ (ج) تقابل : تقابل تکمیلی

antonymy

■ تضاد

incompatibility

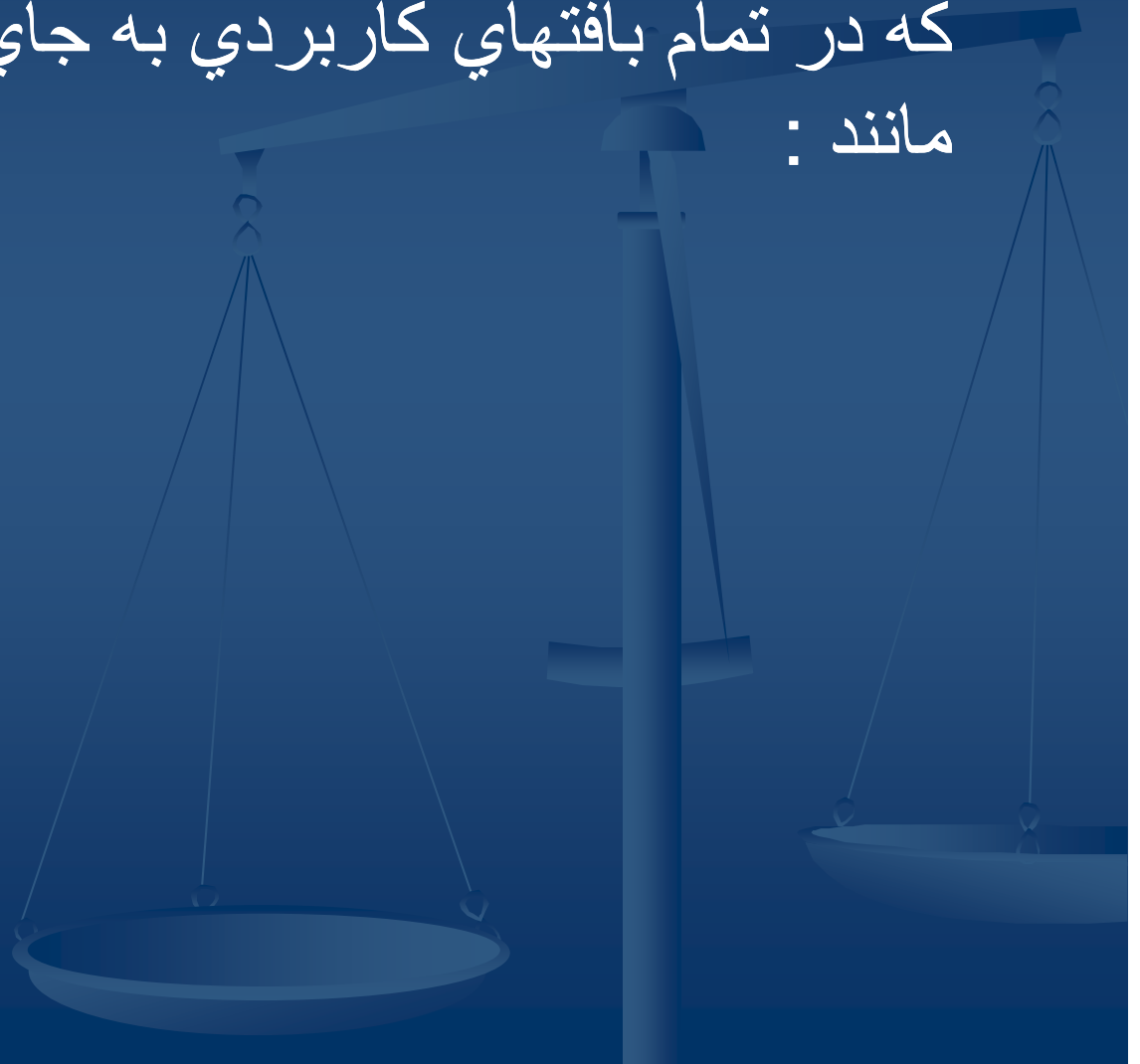
■ تقابل تناقضی

converseness

■ تقابل معکوس

■ **رابطه هم معنایی** دو واحد لغوی وقتی هم معنا هستند که در تمام بافت‌های کاربردی به جای هم به کار بروند،  
مانند :

- conception
- idea





■ **رابطه شمولیت** موقعی بین دو واحد لغوی برقرار است که یکی شامل دیگری بشود، مانند:

Vehicle: car, bus, truck

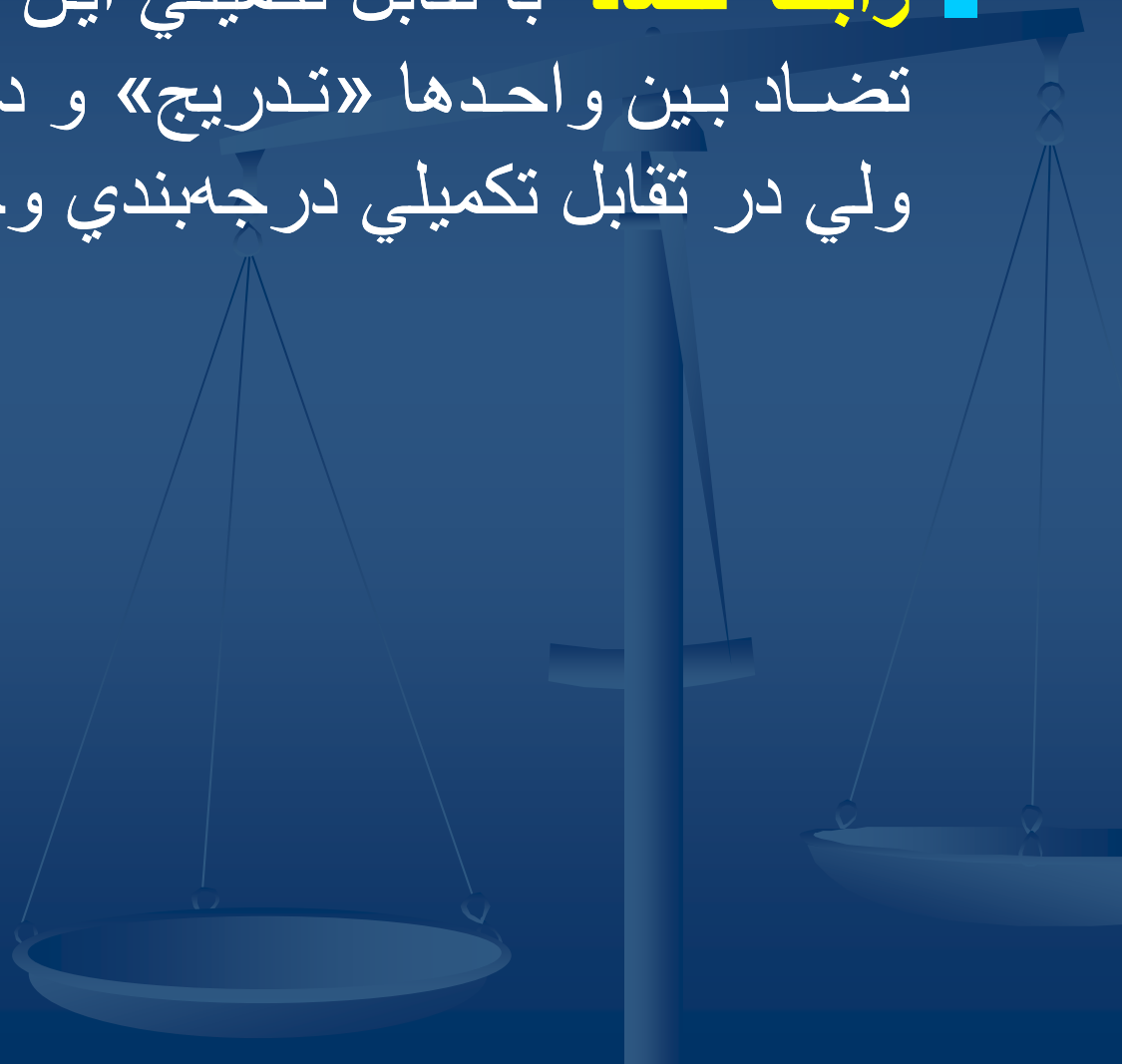
■ گفته می شود هر يك از این سه کلمه، مشمول vehicle ، و این سه با همدیگر «**رابطه هم شمولی**» (Co-hyponym) دارند.

■ **رابطه تقابل تکميلي** رابطه‌اي است که در آن با اسناد قرار دادن يکي از کلمات کلمه ديگر نقض شود. مانند :  
/single- married/ يا /dead-alive/

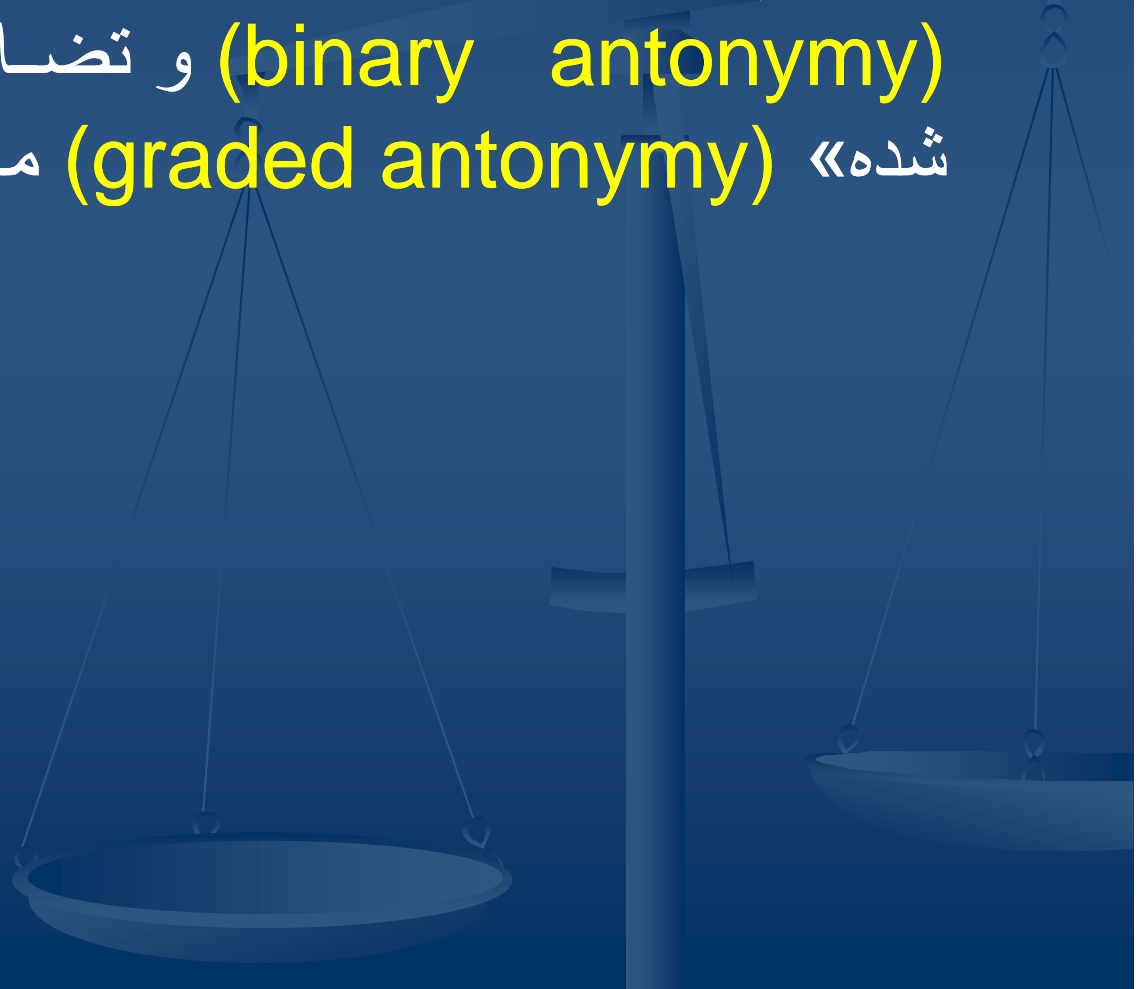
■ که با اسناد قرار دادن يکي (يعني گفتن اينکه مثلاً «Ahmad is single» ديگري نقض مي‌شود [يعني گفته مي‌شود که

(Ahmad is not married)

■ **رابطه تضاد** با تقابل تکمیلی این تفاوت را دارد که در تضاد بین واحدها «تدریج» و درجه‌بندی وجود دارد ولی در تقابل تکمیلی درجه‌بندی وجود ندارد.

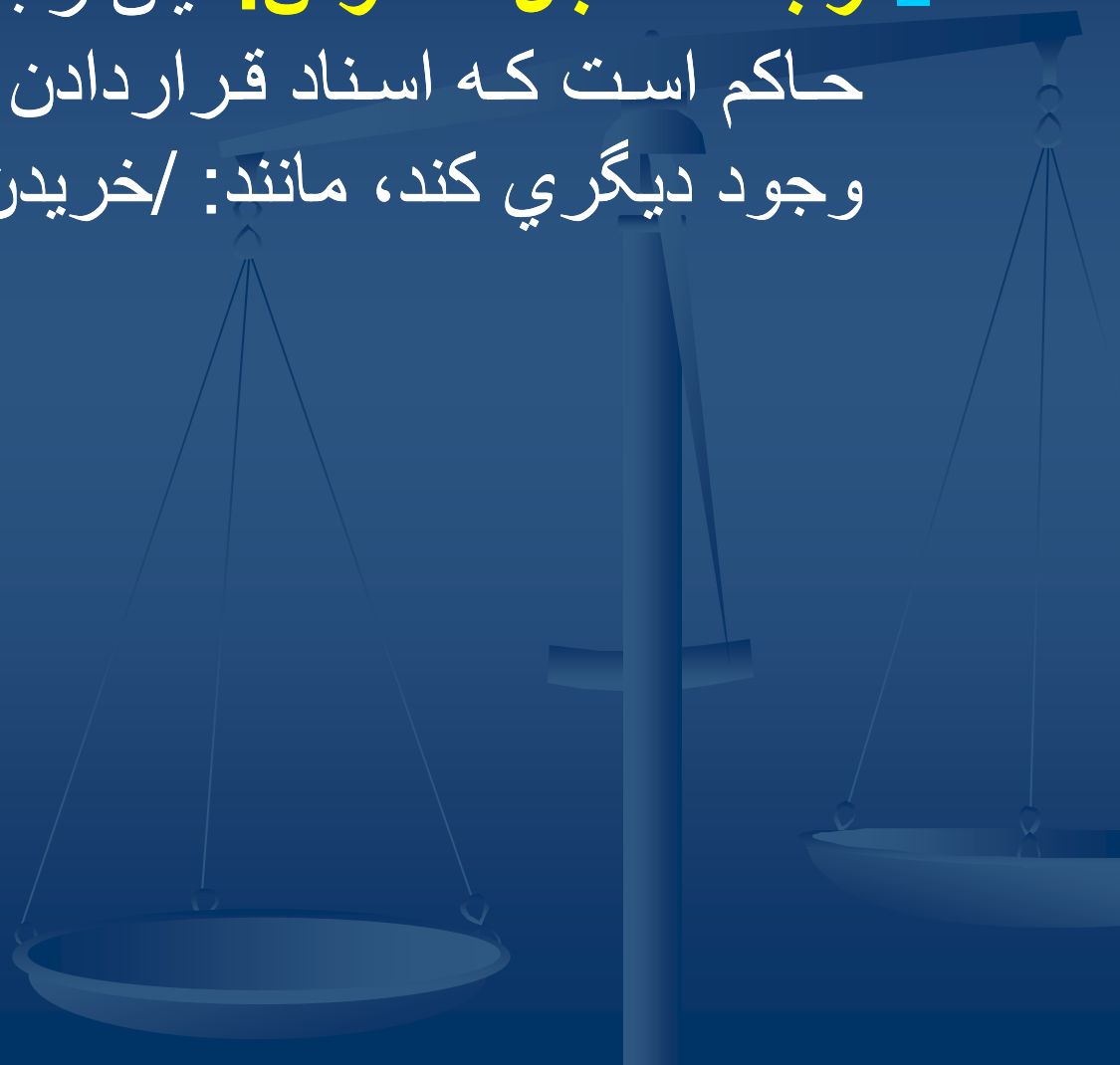


■ پارهاي از معاشناسان، تقابل تکميلي را تضاد دو گانه  
(binary antonymy) و تضاد را «تضاد درجه‌بندي  
شده» (graded antonymy) مي نامند.



■ **رابطه تقابل تناقضی** رابطه میان عناصر هم شمول است، مانند : / سگ و گربه/ که با هم دارای رابطه تقابل تناقضی هستند، زیرا وقتی گفته می‌شود «این سگ است» دیگر نمی‌توان گفت «این گربه است».

■ **رابطه تقابل معکوس:** این رابطه وقتی بین دو کلمه حاکم است که اسناد قراردادن یکی از آنها دلالت بر وجود دیگری کند، مانند: /خریدن و فروختن/.



## درس 5

# عناصر واژگانی و ترجمه

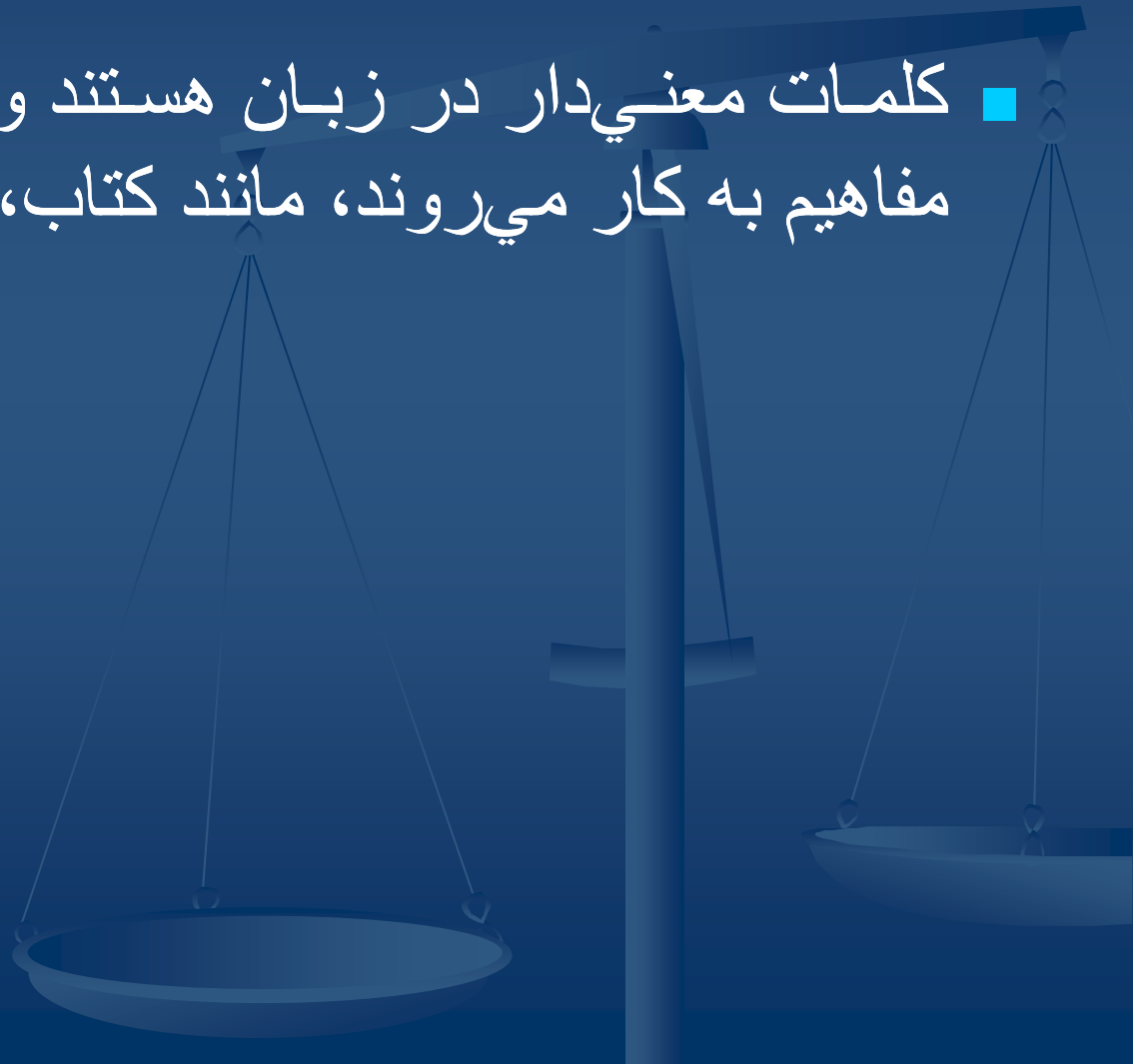
■ دو یا چند کلمه‌ای که همواره با هم به کار می‌روند و یک لغت یا عنصر واژگانی تشکیل می‌دهند یک مجموعه «همایشی» (collocation) نامیده می‌شوند.

■ مجموعه هاي همآيشي به دودسته تقسيم مي‌شوند ،  
«اصطلاح» و «غير اصطلاح». اگر معنای يك  
مجموعه همآيشي از معنای كلمات تشكيل دهنده آن قابل  
درک نباشد آن مجموعه همآيشي را «اصطلاح»  
(idiom) مي‌نامند.



# کلمات قاموسي

■ کلمات معني دار در زبان هستند و براي اشاره به اشيا و مفاهيم به کار مي روند، مانند کتاب، قلم ، نوشتن.



# کلمات دستوري

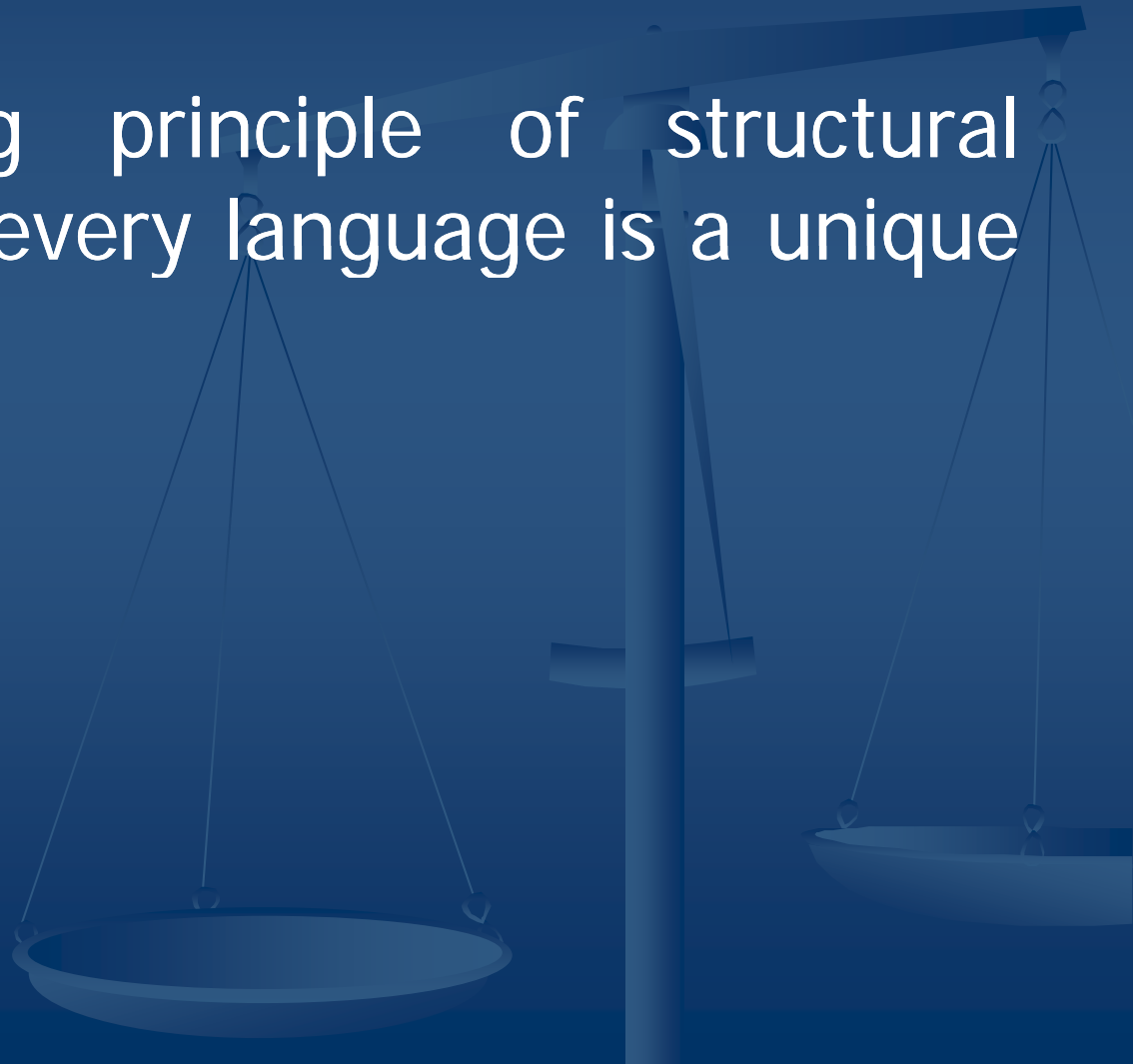
■ کلمات دستوري داراي معنای مستقلي نيستند و تنها براي مربوط ساختن کلمات قاموسي در داخل سازه‌هاي زباني (syntagms) ايفاي نقش مي‌کنند، مانند: «به»، «از»، «را»، «براي».

■ تعداد کلمات قاموسی در زبان نامحدود است. ولی تعداد کلمات دستوری محدود است. از این رو این دو دسته را به ترتیب (open list) و (closed list) یا فهرست باز و بسته می نامند



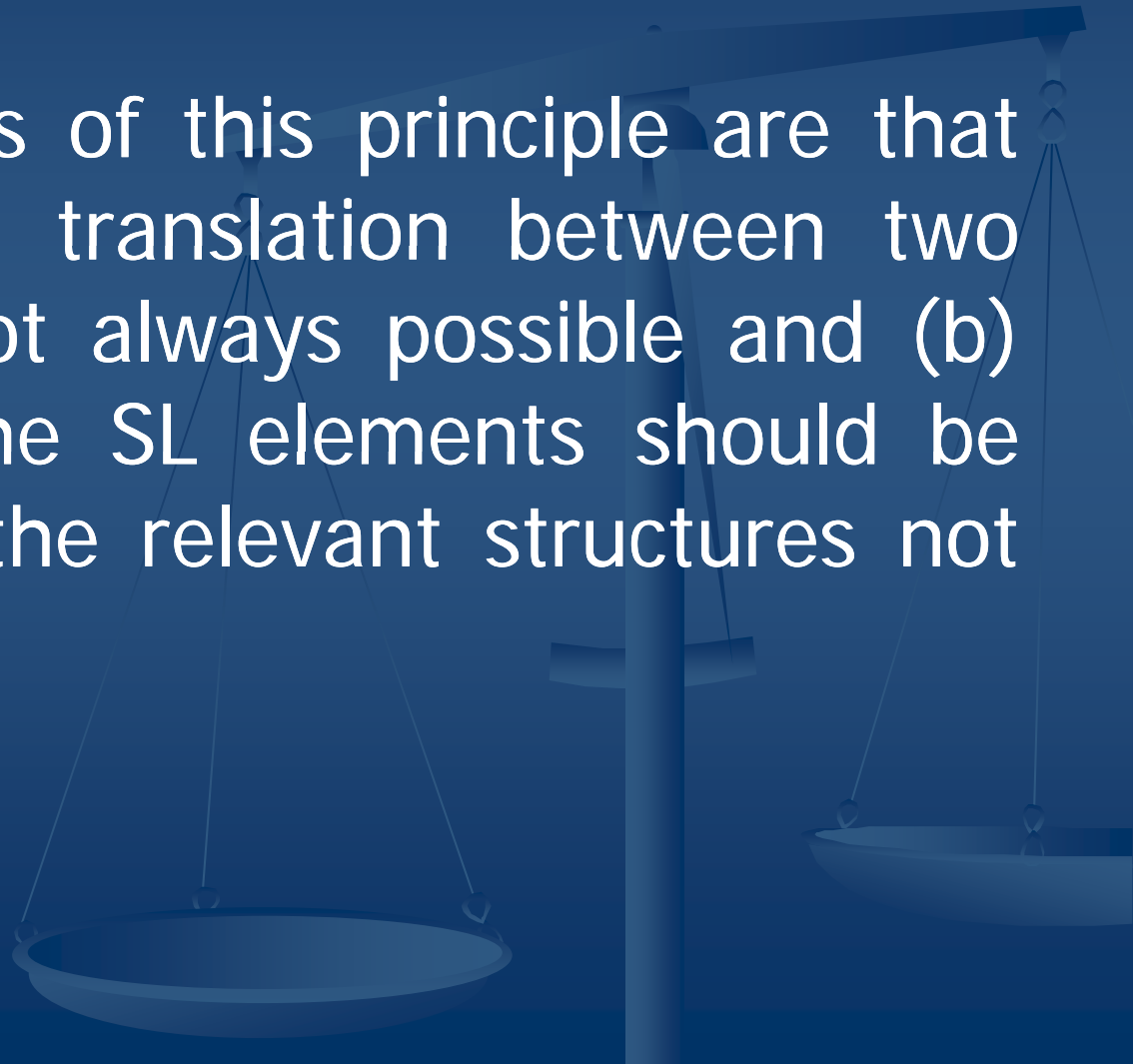
# ○<sup>28</sup> What is the underlying principle of structural linguistics?

- The underlying principle of structural linguistics is : "every language is a unique system."

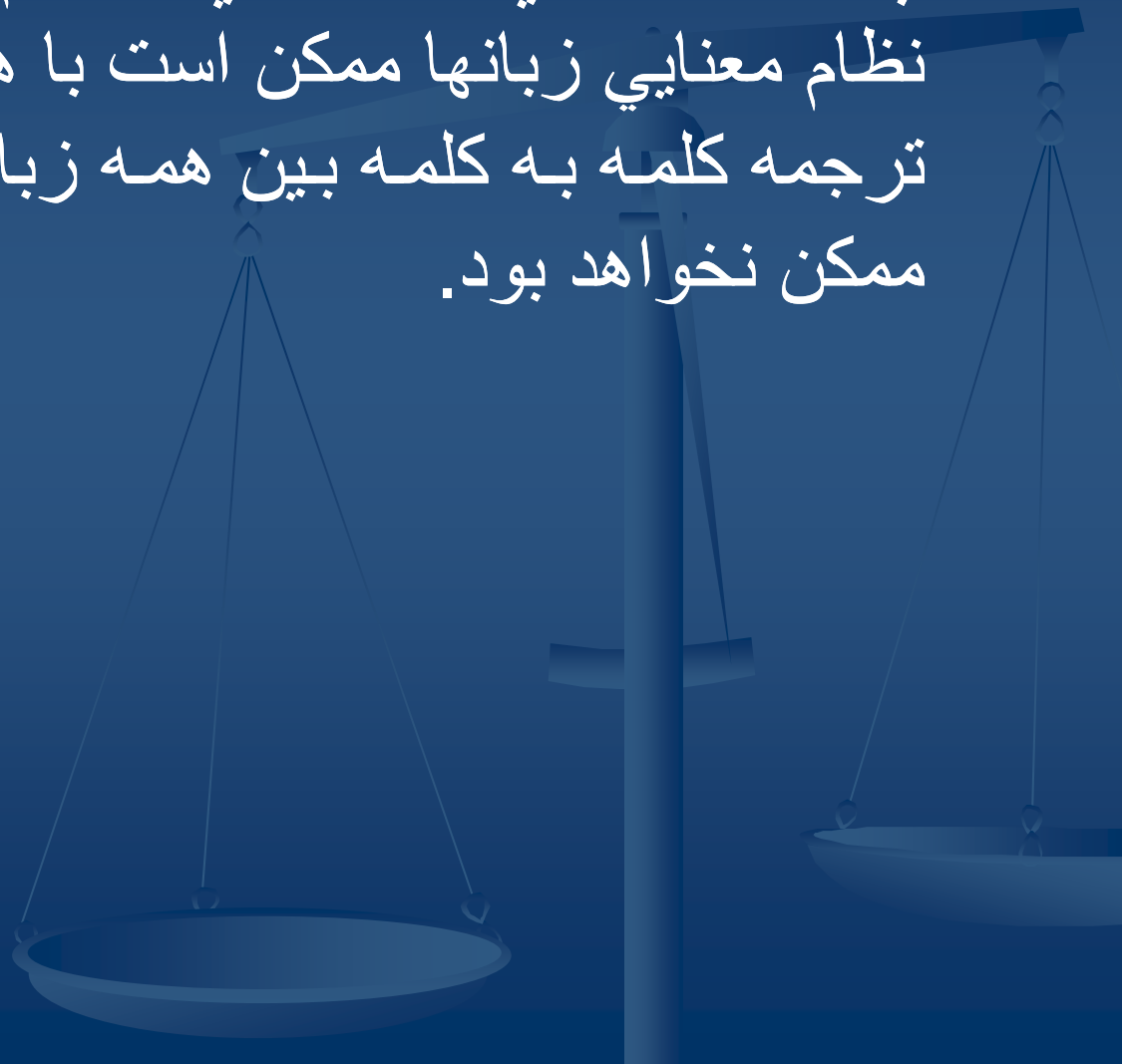


# Implications for translation

- The implications of this principle are that (a) rank-bound translation between two languages is not always possible and (b) the value of the SL elements should be determined in the relevant structures not in isolation.



■ چون طبقه بندی و رده‌بندی مفاهیم زیر بنایی در درون  
نظام معنایی زبانها ممکن است با هم تفاوت داشته باشد،  
ترجمه کلمه به کلمه بین همه زبانها و در همه موارد  
ممکن نخواهد بود.



«تجزیه و تحلیل اجزای معنایی لغات»  
یا **componential analysis** بر این  
نظریه استوار است که معنای هر لغت را می‌توان بر  
حسب یک سلسله اجزای معنایی تجزیه و تحلیل کرد.

## درس 6 انواع معنا و ترجمه (1)

### معنای ارجاعی (referential meaning)

- این لایه معنایی ملموسترین و بنیادینترین لایه معنایی عناصر واژگانی محسوب می‌شود و عبارت است از ارتباط موجود بین کلمات و اشیا و فعالیت‌های جهان فیزیکی .

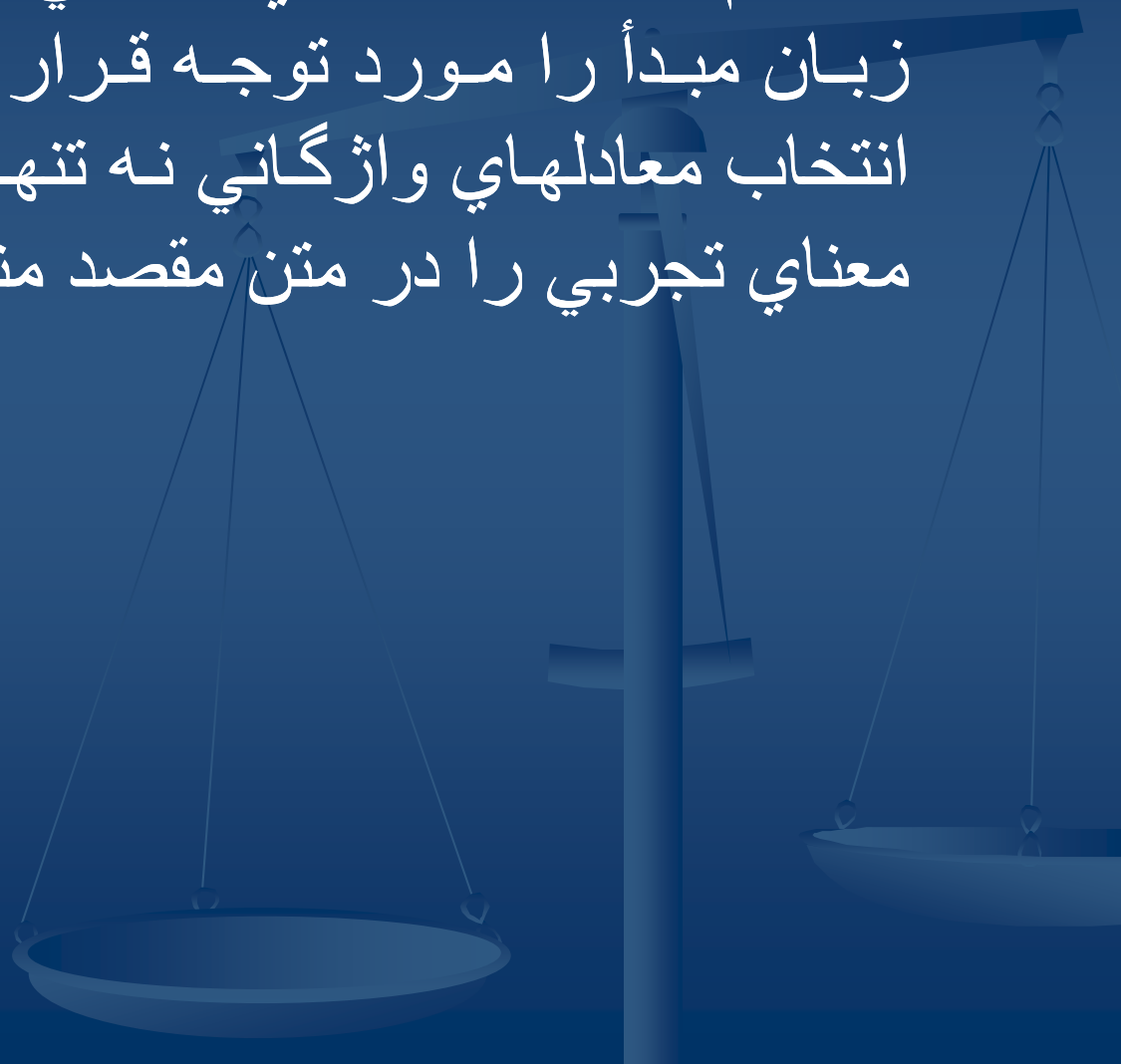


■ حتی در چارچوب معنای ارجاعی عناصر واژگانی که  
ملموسترین لایه معنایی محسوب می شود ممکن است  
ناهمگونی‌هایی بین زبانها موجود باشد و این امر  
مشکلاتی را در تعیین معادلهای ترجمه‌ای برای عناصر  
واژگانی يك زبان به وجود می‌آورد.

## معنای تجربی (connotative meaning)

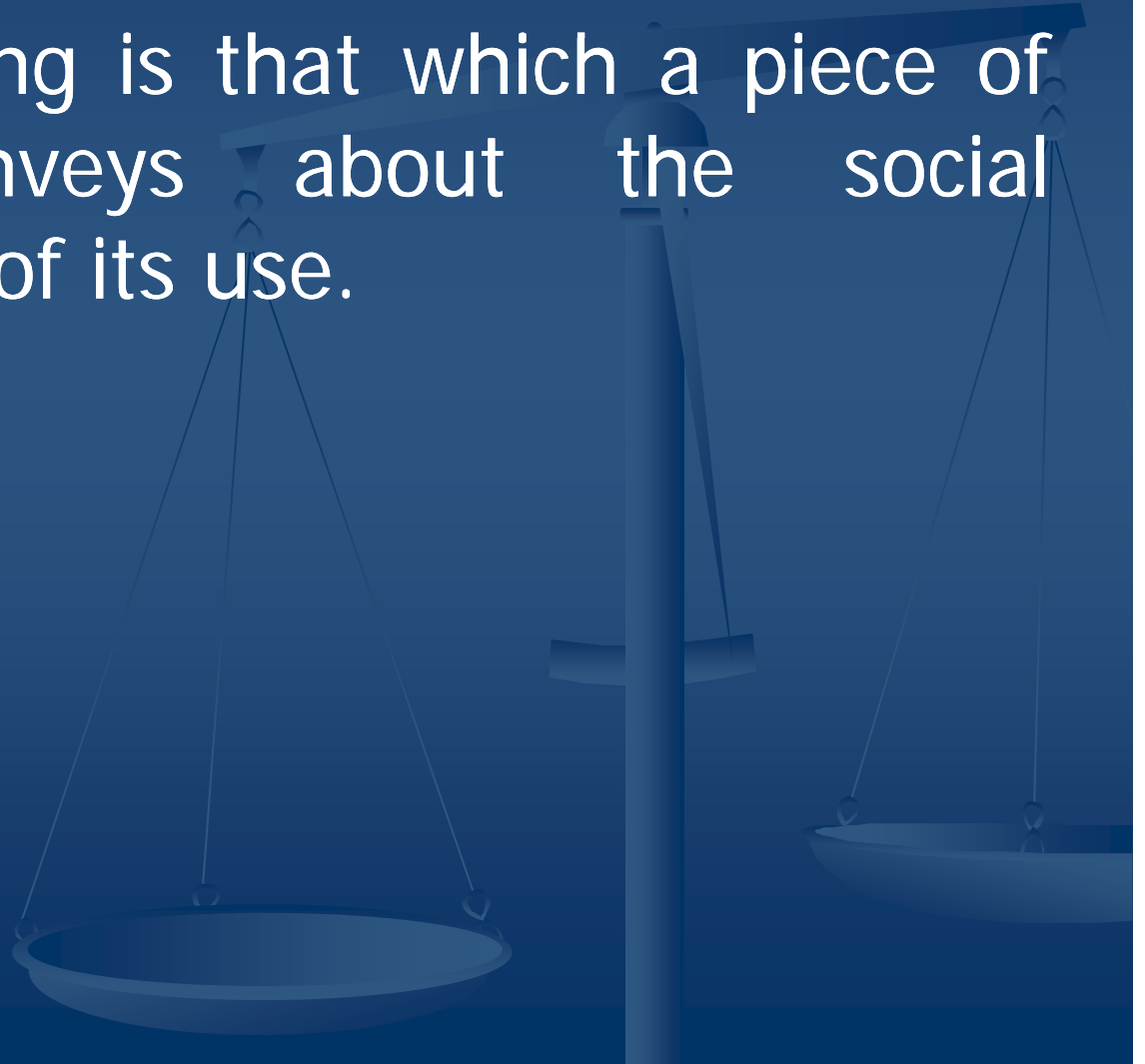
■ عناصر واژگانی بر اثر کاربرد و تجربه با پاره‌ای از ویژگی‌های معنای ارجاعی خود ارتباط مشخص‌تر و محکم‌تری برقرار می‌کنند. مثلاً واژه «زن» با ویژگی «زیبایی». این ارتباط تجربی به «معنای تجربی» (connotation) معروف شده است.

■ مترجم باید لایه معنای تجربی عناصر واژگانی متن زبان مبدأ را مورد توجه قرار بدهد و سعی کند در انتخاب معادلهای واژگانی نه تنها معنای ارجاعی بلکه معنای تجربی را در متن مقصد منعکس بسازد.

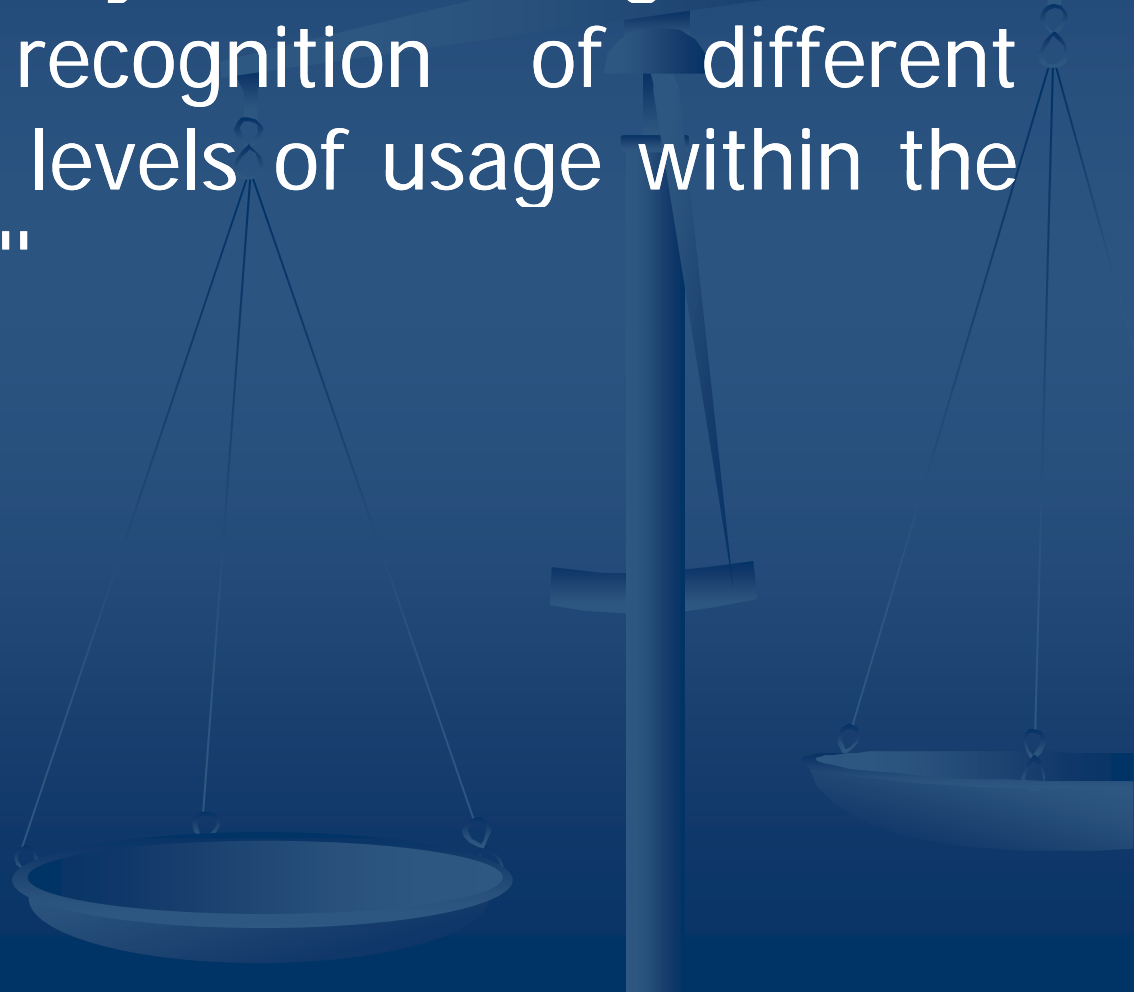


# معنای سبکی (stylistic meaning)

- Stylistic meaning is that which a piece of language conveys about the social circumstances of its use.



- We 'decode' the stylistic meaning of a text through our recognition of different dimensions and levels of usage within the same language."



# معنای سبکی

■ معنای سبکی منعکس کننده شرایط اجتماعی و موقعیت کاربردی کلام از قبیل مقام اجتماعی گویشور و مخاطب او، میزان آشنایی و صمیمیت موجود بین آنها و ... است.

■ براي مثال عناصر واژگانی زیر :

Gentleman

Man

Chap

از نظر معنای ارجاعی یکسان ولی از لحاظ معنای سبکی متفاوت اند .



# معنای احساسی (affective meaning)

■ «معنای احساسی» عبارت است از لایه‌ای از معنای عناصر واژگانی که منعکس کننده احساسات و نگرش گویشور نسبت به مخاطب و موضوع سخن باشد.

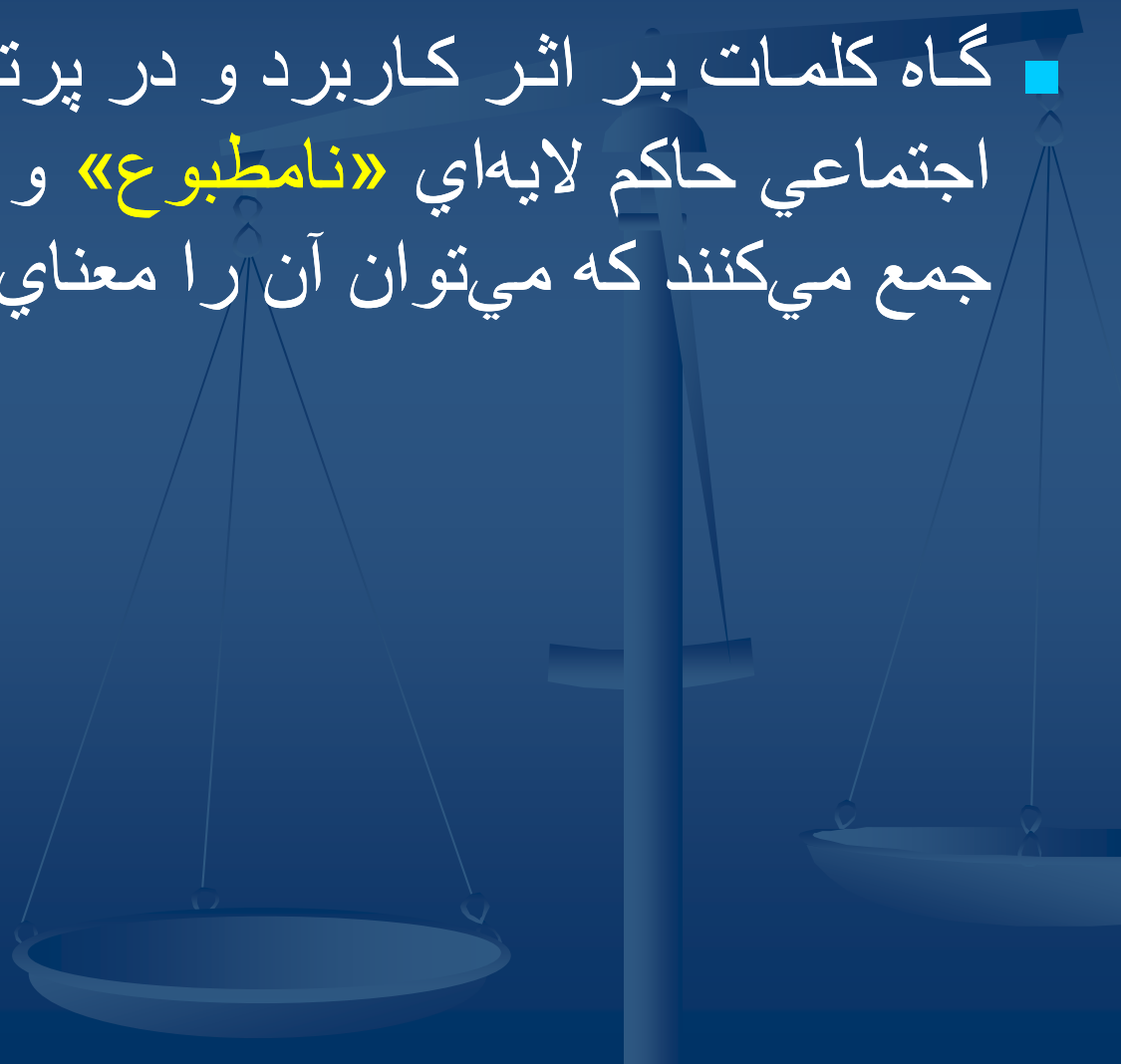


# مترجم و معنای احساسی

■ مترجم در انتخاب معادلهای ترجمه‌ای نباید معنای احساسی ایفاد شده در متن مبدأ را نادیده بگیرد. البته معنای احساسی موجود در متن ممکن است دقیقاً قابل انعکاس در متن مقصد نباشد.

## معنای انعکاسی (reflected meaning)

■ گاه کلمات بر اثر کاربرد و در پرتو نگرشها و باورهای اجتماعی حاکم لایه‌های «نامطبوع» و یا «مطبوع» در خود جمع می‌کنند که می‌توان آن را معنای انعکاسی نامید .



# «حسن تعبیر» یا (euphemism)

■ مثلاً کلمه «توالت» که به تدریج لایه نامطبوعی در خود جمع کرده است و اکثراً برای اجتناب از این لایه نامطبوع کلمات است که در زبان از ترفندی به نام «حسن تعبیر» (euphemism) استفاده می شود.

# درس 7

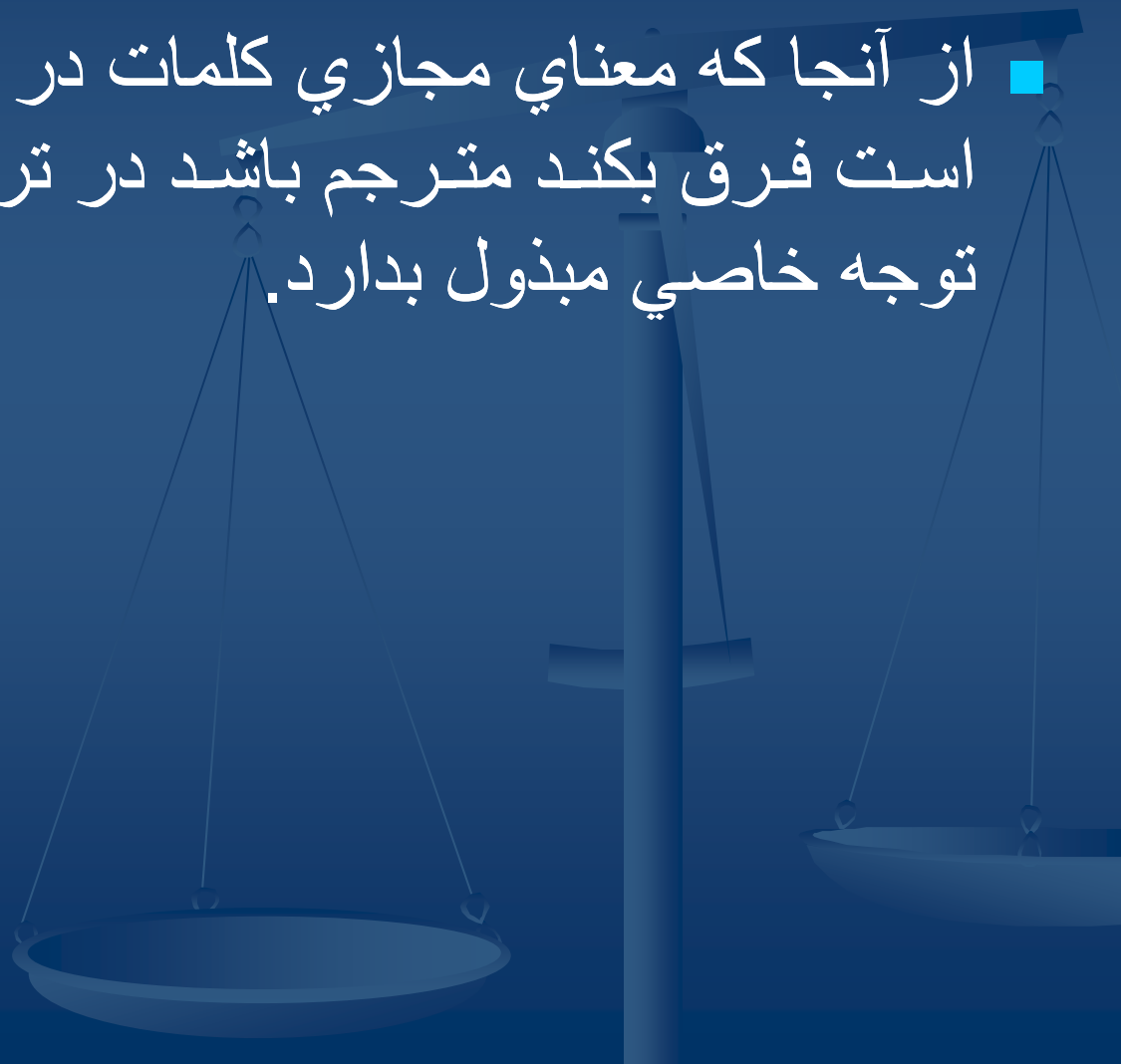
## انواع معنا و ترجمه (2)

■ معنای مجازی (figurative meaning)

■ این لایه معنایی در مقابل معنای «تحت اللفظی» (literal) کلمات قرار دارد. معنای تحت اللفظی معنای زیربنایی و اصلی و یا به عبارت دیگر معنای ارجاعی کلمات است.

■ معنای مجازی کلمات لایه‌ای از معناست که از «نماد» یا «سنبل» مرتبط با آن کلمات گرفته می‌شود. مثلاً کلمه «جغد» در زبان فارسی دارای معنای مجازی «شومی و نحوست» است.

■ از آنجا که معنای مجازی کلمات در میان ملل مختلف ممکن است فرق بکند مترجم باشد در ترجمه این لایه از معنا توجه خاصی مبذول ندارد.



■ لایه ای از معنا را که کلمات در همنشینی یا «همایی» با کلمات به خصوص کسب می‌کنند «معنای همایشی» می‌نامیم.

■ مترجم در انتخاب معادله‌های ترجمه‌ای کلمات متن مبدأ نباید این ویژگی‌های همایشی و تفاوت‌های احتمالی موجود بین زبانها را نادیده بگیرد.

## معنای دلالتی (signification) کلمات

■ معنای دلالتی عبارت است از معنایی که عناصر و اثرگانی بدون توجه به عوامل حاکم بر بافت متنی و اجتماعی زبان دارا هستند. «معنای دلالتی» اصطلاحاً «معنای لغتنامه‌ای» نیز نامیده می‌شود.

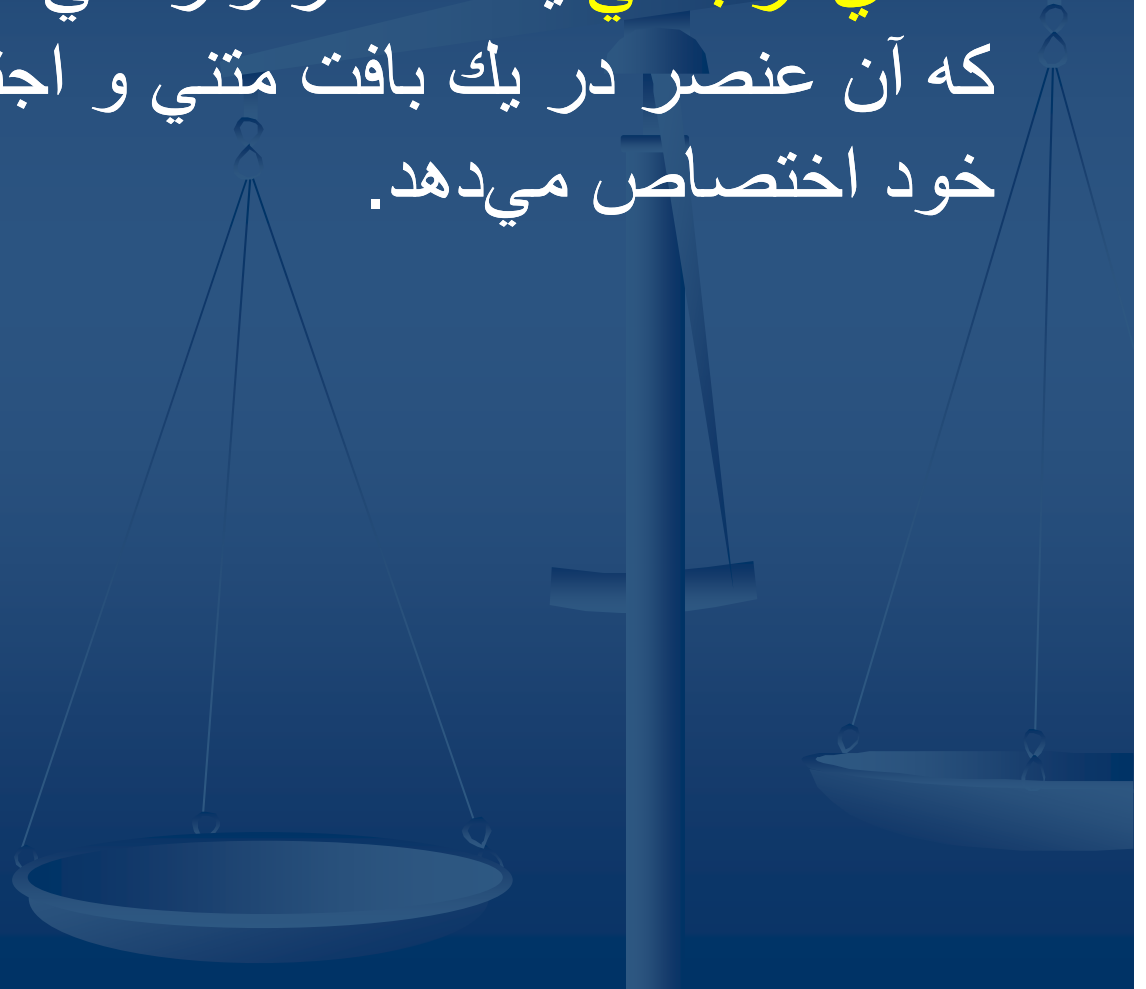


## معنای لغتنامه ای

■ معنایی که در لغتنامه‌ها برای عناصر واژگانی ارائه می‌شود معنایی است «بافت آزاد» ، (context-free) که بدون مشخص بودن بافت متنی و اجتماعی مربوط در مقابل آنها نوشته می‌شود.

## «معنای ارتباطی»

■ **معنای ارتباطی** یک عنصر واژگانی عبارت است از معنایی که آن عنصر در یک بافت متنی و اجتماعی به خصوص به خود اختصاص می‌دهد.



معناي دلالتی

+

بافت متنی و اجتماعی

↓

معناي ارتباطی يك عنصر و اژگانی

## درس 8

### جمله در ترجمه (1)

■ با توجه به گرایشهای نوین در زبانشناسی ، واحد پیام در داد و ستدهای زبانی متن (text) است. ولی جمله (sentence) نیز در این رابطه دارای اهمیت به خصوصی است.

■ جمله در زبان انگلیسی به طور کلی از عناصر زیر تشکیل می‌شود.

Subject – Verb – Object – Complement –  
Adverbial

■ ساختار دستوری جمله را با استفاده از علائم اختصاری عناصر فوق می‌توان به صورت زیر نوشت.

(S) (V) (O) (C) (A)

■ در هر گروه يك كلمه به عنوان عنصر اصلي (head) و بقيه به عنوان عناصر «معرف» عمل مي‌کنند. پاره‌اي از عناصر معرف قبل از عنصر اصلي و پاره‌اي بعد از آن قرار مي‌گیرند.

## «پیش معرف» و «پس معرف»

- پاره ای از عناصر معرف قبل از عنصر اصلی قرار می گیرند که به آنها اصطلاح **پیش معرف (pre-modifier)** گفته می شود.
- و پاره ای از عناصر معرف بعد از عنصر اصلی قرار می گیرند که به آنها اصطلاح **پس معرف (post-modifier)** گفته می شود.

## • «پیش معرف» بر پنج نوع است:

- .1 حروف تعریف (determiners) مانند : an, a, the
- .2 صفت (adjective) مانند : important,
- .3 اسم (noun) مانند : brain
- .4 فعل حالت وصفی با -ing (present participle)  
مانند: learning
- .5 فعل حالت وصفی با -ed (past participle) مانند :  
related



# انواع پس معرفیها

■ «پس معرفیها» نیز بر دو گونه‌اند:

(الف) گروه اسمی + حرف اضافه  
مانند:

Of learned information

(ب) شبه جمله + موصول  
مانند:

that individuals have acquired

## عنصر قیدی در جمله

■ قید در زبان انگلیسی به یکی از چهار شکل دیده می شود:

■ (الف) عناصری که ذاتاً قید محسوب می شوند و کار قید را انجام می دهند، مانند:

Tomorrow, always

■ (ب) عناصری که با آوردن *-ly* به آخر صفت نقش قیدی بازی می کنند، مانند:

Quickly, finally, slightly

■ (ج) عناصری که دارای ساختمان حرف اضافه به علاوه یک گروه اسمی هستند، مانند:

Preposition + Noun Group

a. My brother works in a factory.

(د) عناصر قيدي که از يك جمله تشكيل يافته و با رابطي

به نام «نشانه سخن»

(discourse marker) به بدنه جمله اصلي مرتبط

مي شود، مانند:

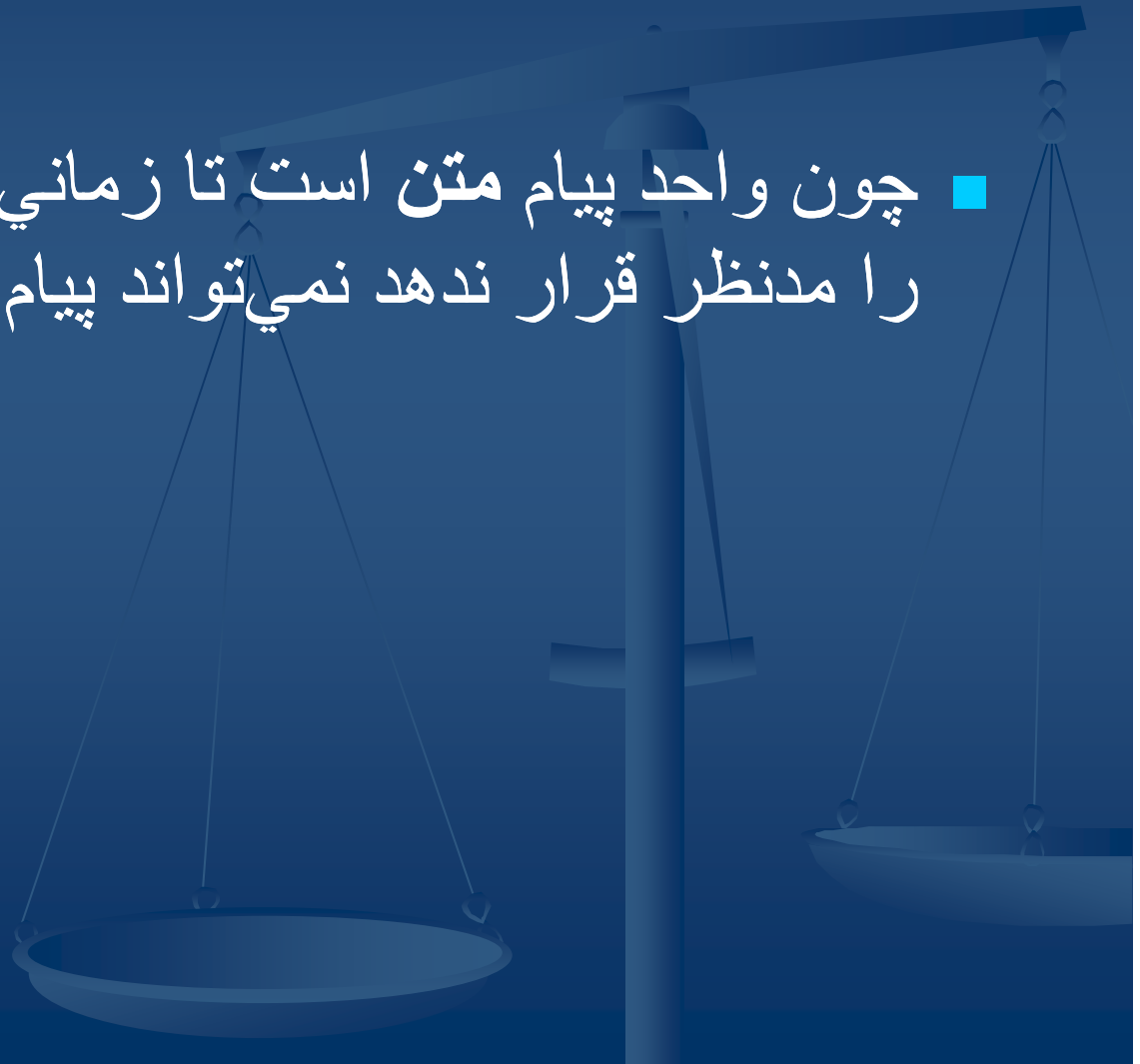
a. As they begin to use language, they may answer with one word.

'as نشانه سخن و جمله مشخص شده قيد است.

# درس 9

## جمله در ترجمه (2)

- چون واحد پیام متن است تا زمانی که خواننده تمامی متن را مدنظر قرار ندهد نمی‌تواند پیام مورد نظر را درک کند.



# ساختار متنی در جمله

■ عناصر ساختمانی هر جمله طوری آرایش می‌یابد که این نیاز به تجسم قسمتی از اجزای معنایی متن در پردازش هر یک از جملات برآورده بشود. چنین آرایشی را آرایش متنی یا «ساختار متنی» جمله می‌نامیم.

## « موضوع » (theme) و « خبر » (rheme)

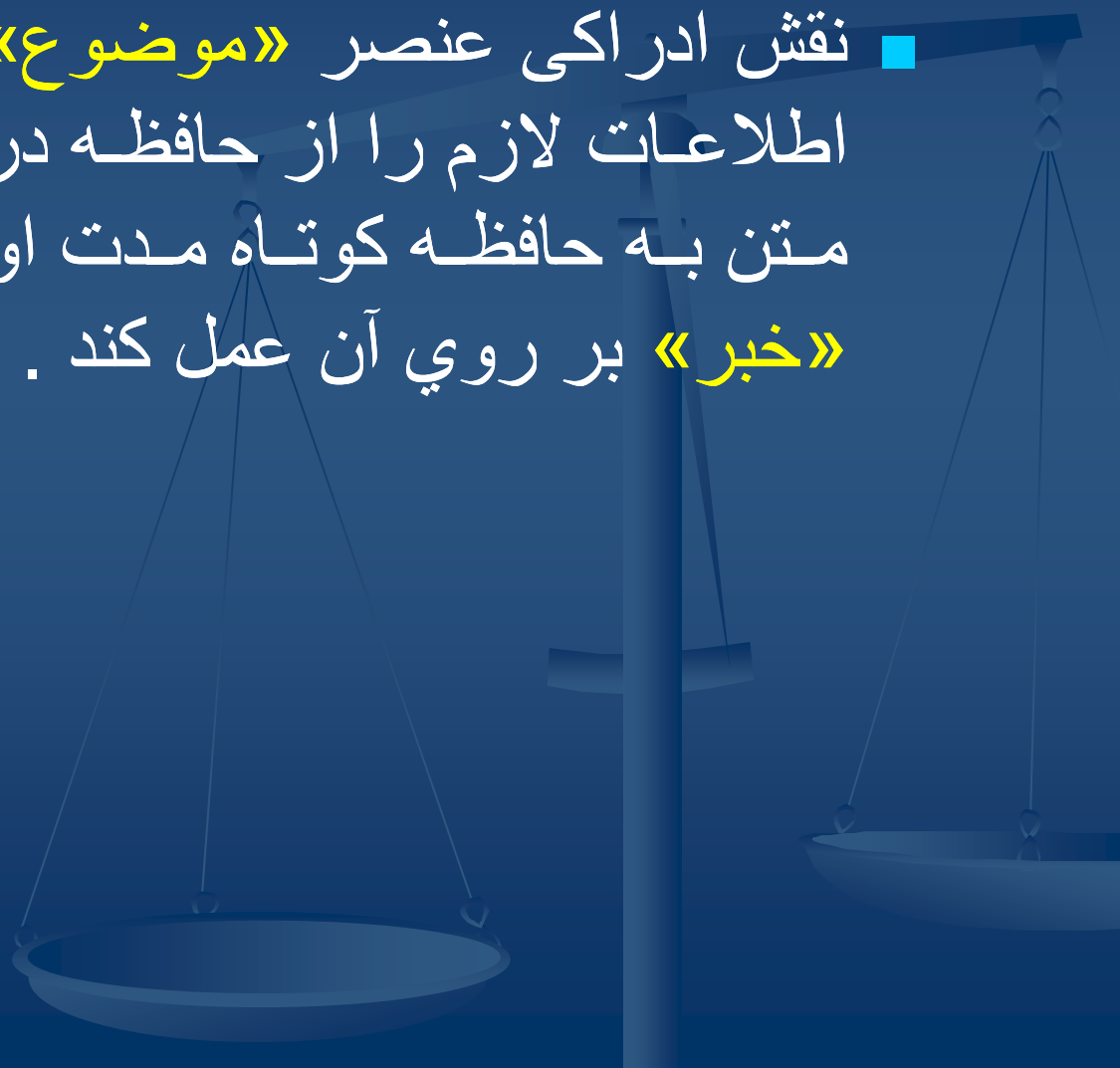
■ هر جمله به دو عنصر « موضوع » (theme) و « خبر » (rheme) تقسیم می شود. « موضوع » تکیه گاهی است که پیام جمله بر آن متکی است، و « خبر » پیامی است که درباره « موضوع » داده می شود.

■ از لحاظ صوري از میان عناصر ساختمانی جمله  
-SVOCA- هر کدام که در موضع آغازین جمله  
قرار بگیرد نقش «موضوع» و بقیه عناصر نقش  
«خبر» را ایفا می‌کند.

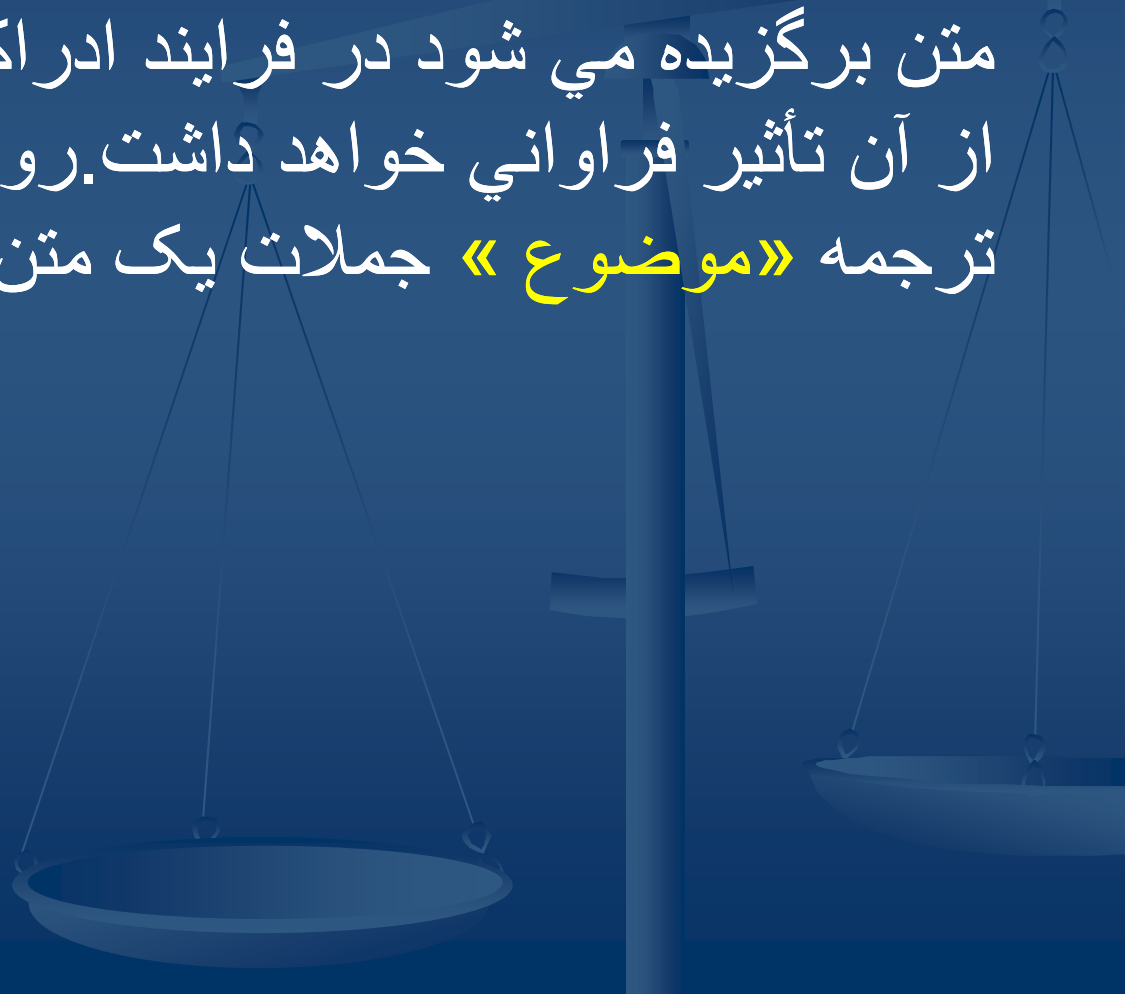


■ «متن» در ارائه خطی فرایند سخن نقش عمده‌ای ایفا می‌کند در ایفای این نقش، آرایش جملات تشکیل دهنده متن دارای اهمیت است. عنصر «موضوع» در هر جمله از نظر نوع اطلاعات، جزو اطلاعات «آشنا» و قدیمی و عنصر «خبر» جزو اطلاعات «تازه» است.

■ نقش ادراکی عنصر «موضوع» هر جمله این است که اطلاعات لازم را از حافظه دراز مدت دریافت کننده متن به حافظه کوتاه مدت او برانگیزاند تا عنصر «خبر» بر روی آن عمل کند .



■ تصمim اينكه چه عنصرى به عنوان «موضوع» جملات يك متن برگزيده مي شود در فرايند ادراكي متن و پيام دريافتي از آن تاثير فراواني خواهد داشت. روى اين اصل در جريان ترجمه «موضوع» جملات يك متن را نبايد تغير داد.



■ هالیدی (Halliday, 1985) در چارچوب دستور زبان نقشی می‌گوید هر جمله ساده دارای سه لایه معنایی یا سه نقش است :

■ الف) معنای ارجاعی (ideational)

■ ب) معنای بین شخصی (interpersonal)

■ ج) معنای متنی (textual)

■ «معنای ارجاعی» مربوط می شود به معنای زیربنایی و منطقی جمله. «معنای بین شخصی» نشان دهنده طبقه اجتماعی گوینده و نوع رابطه اجتماعی شخصی او با شنوده و «معنای متنی» منعکس کننده آرایش «موضوع - خبر» جمله است.

■ جملات دوگانه زیر داراي معنای زیر بنایي یکسان ولي معنای متنی متفاوت است :

a1. The door was opened by Ali.

a2. Ali opened the door .

b1. My mother gave me this apple.

b2 This apple my mother gave.

■ دو جمله زیر دارای معنای ارجاعی یکسان و معنای بین شخصی متفاوت اند.

c1. Could you open the door please?

c2. Open the door please.

■ مترجم در جریان ترجمه باید:

- 1 ( معنای ارجاعی جمله را رعایت کند .
- 2 ( معنای بین شخصی را مورد توجه قرار بدهد .
- 3 ( معنای متنی جمله را مبني بر اینکه چه عنصری در آن به عنوان «موضوع» قرار می‌گیرد در ترجمه حفظ کند.



■ به نظر هالییدی (Halliday, 1985) هر جمله سه نوع فاعل دارد.

■ فاعل دستوری، فاعل روانشناختی و فاعل منطقی، که به ترتیب با لایه‌های سه گانه معنایی جمله، یعنی بین شخصی، متنی و ارجاعی متناظرند.

| فاعل          | لايه معنایي |                             |
|---------------|-------------|-----------------------------|
| logical       | منطقي       | ideational ارجاعي 1         |
| grammatical   | دستوري      | بين شخصي 2<br>interpersonal |
| psychological | روانشناختي  | textual متني 3              |

■ منظور از فاعل منطقي همان انجام دهنده منطقي فعل جمله است. در پاره‌اي از جملات هر سه فاعل در يك جزء ساختماني جمله جمع مي‌شود، مانند:

a. My mother gave me this apple.

در جمله:

**My mother** gave me this apple.

My mother هم انجام دهنده منطقي فعل جمله  
(فاعل منطقي)، هم عنصر اوليه جمله (فاعل  
روانشناختي) و هم فاعل دستوري جمله است .

■ در پارهای از موارد این سه نوع فاعل بین اجزای مختلف ساختمان جمله پخش می‌شوند، مانند:

This apple, my mother gave me.

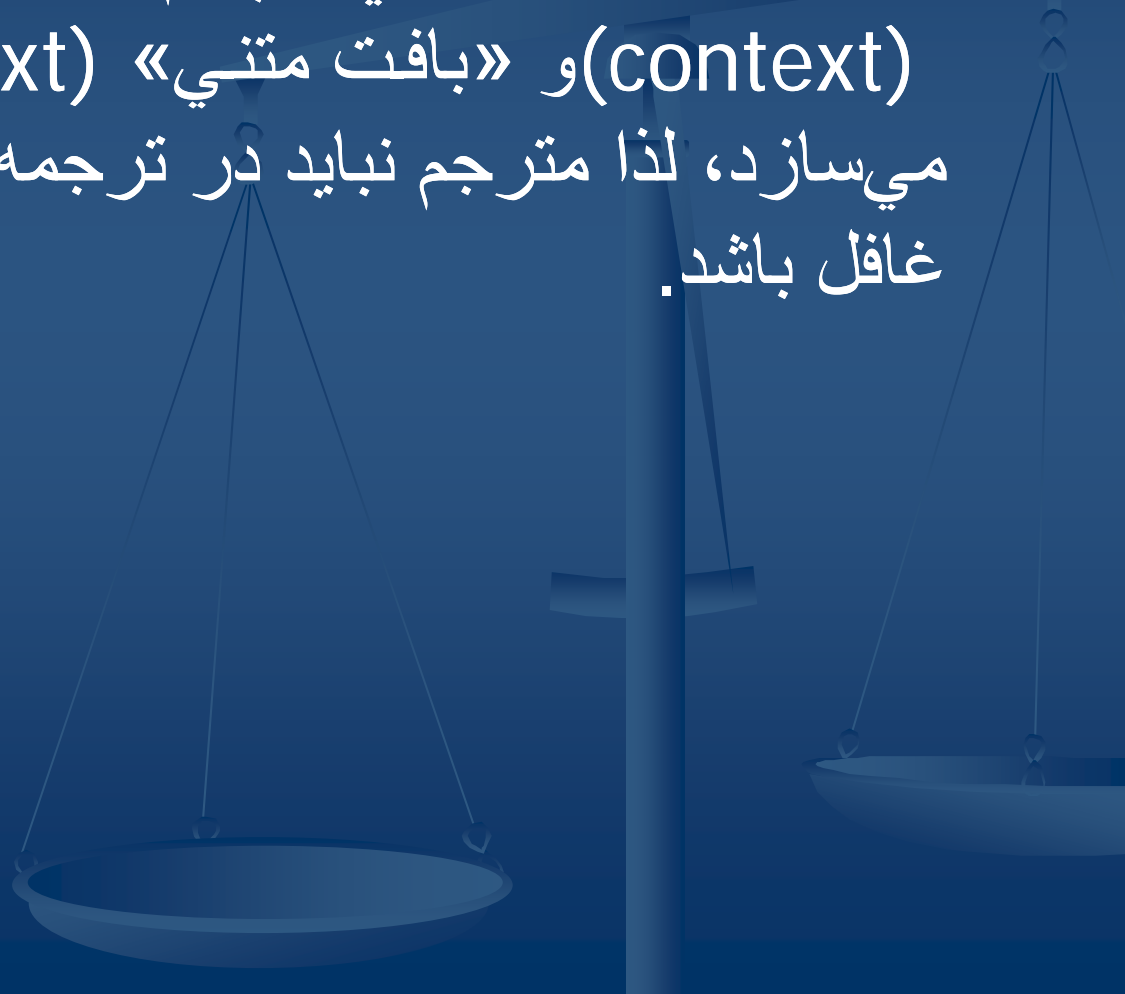
■ در جمله فوق ، this apple فاعل روانشناختی و my mother فاعل دستوری و فاعل منطقی است.

■ This apple, I was given by my mother.

■ در جمله فوق this apple فاعل روانشناختی ، ا فاعل دستوری و my mother فاعل منطقی است.

## جمله و ترجمه آن

■ جمله ارزش ارتباطی و پیام خود را در «بافت اجتماعی» (context) و «بافت متنی» (co-text) مربوط متبلور می‌سازد، لذا مترجم نباید در ترجمه جملات از این دو بافت غافل باشد.



# درس 10

## ساختار و ترجمه

■ «ساختار» به معنای بسیار ساده آن عبارت است از رابطه اجزای ساختمانی جمله . مسائلی که می‌توان با عنوان ساختار بررسی کرد عبارت‌اند از: مطابقت فعل با فاعل ، شخص، مفرد یا جمع بودن، وجه فعل ، معلوم یا مجهول بودن فعل، ترتیب عناصر در عبارات و ترتیب عناصر در جمله .



■ هر زبان داراي سه نوع ابزار است: آوا، ساختار و معنا. در مقایسه زبانها می‌توان گفت که همه زبانها از نظر «جوهر» (substance) در این سه نوع ابزار با هم یکسان هستند ولی قالب‌بندی این ابزارها ممکن است از زبانی به زبان دیگر فرق بکند.

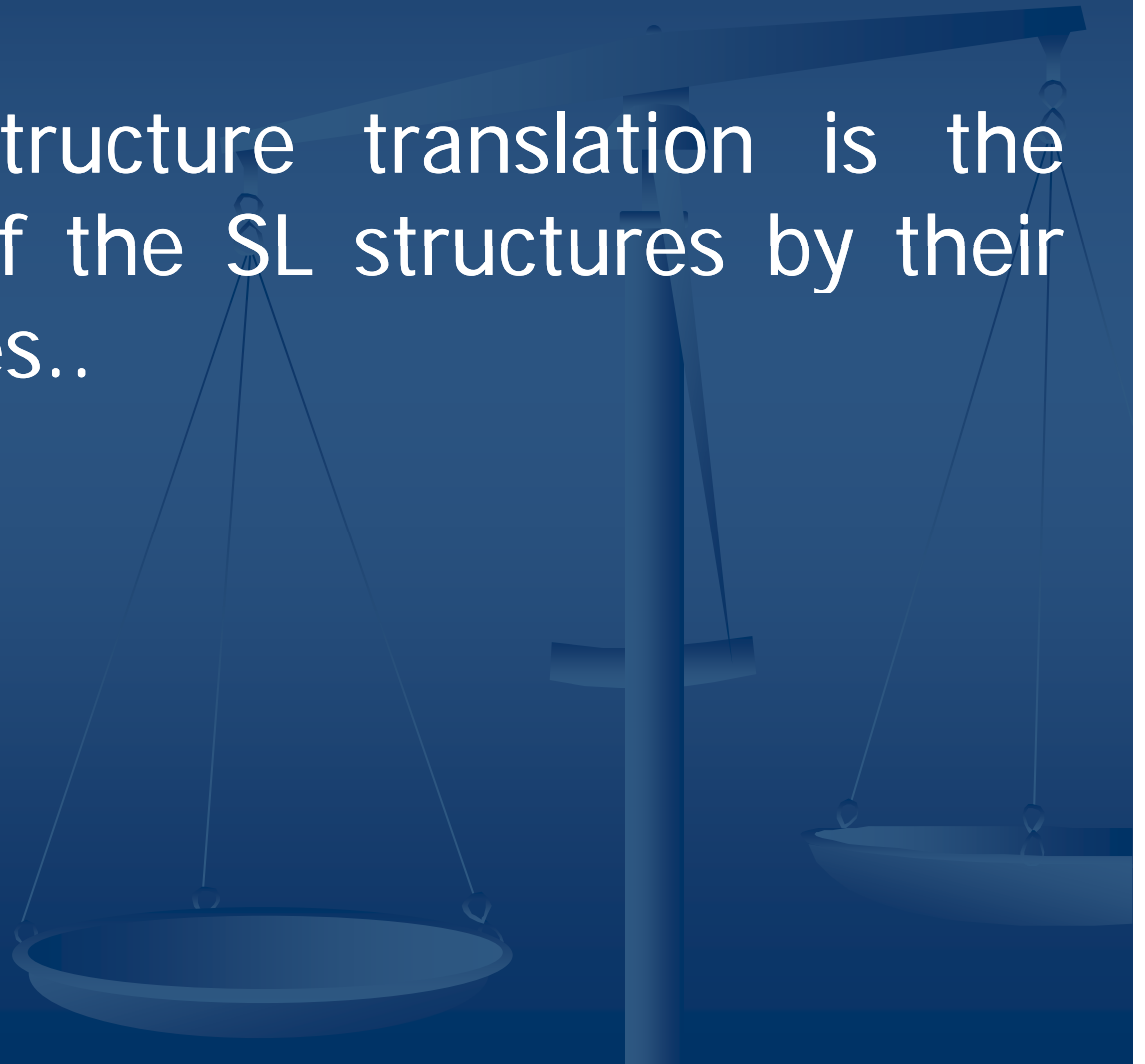
■ باتوجه به اینکه ممکن است قالبهاي ساختاري به ظاهر همگون در دو زبان مختلف داراي ارزش و نقش ارتباطي متفاوت باشند، مترجم نبايد و نمي تواند روش «ساختار -به- ساختار»

(structure-for-structure) را مبناي کار ترجمه قرار بدهد .

■ منظور از ترجمه «ساختار-به-ساختار» ، آن است که مترجم ساختارهای زبان مبدأ را با ساختارهای متناظرشان در زبان مقصد جایگزین کند بدون اینکه ارزش و نقش ارتباطی آنها را مد نظر قرار بدهد.

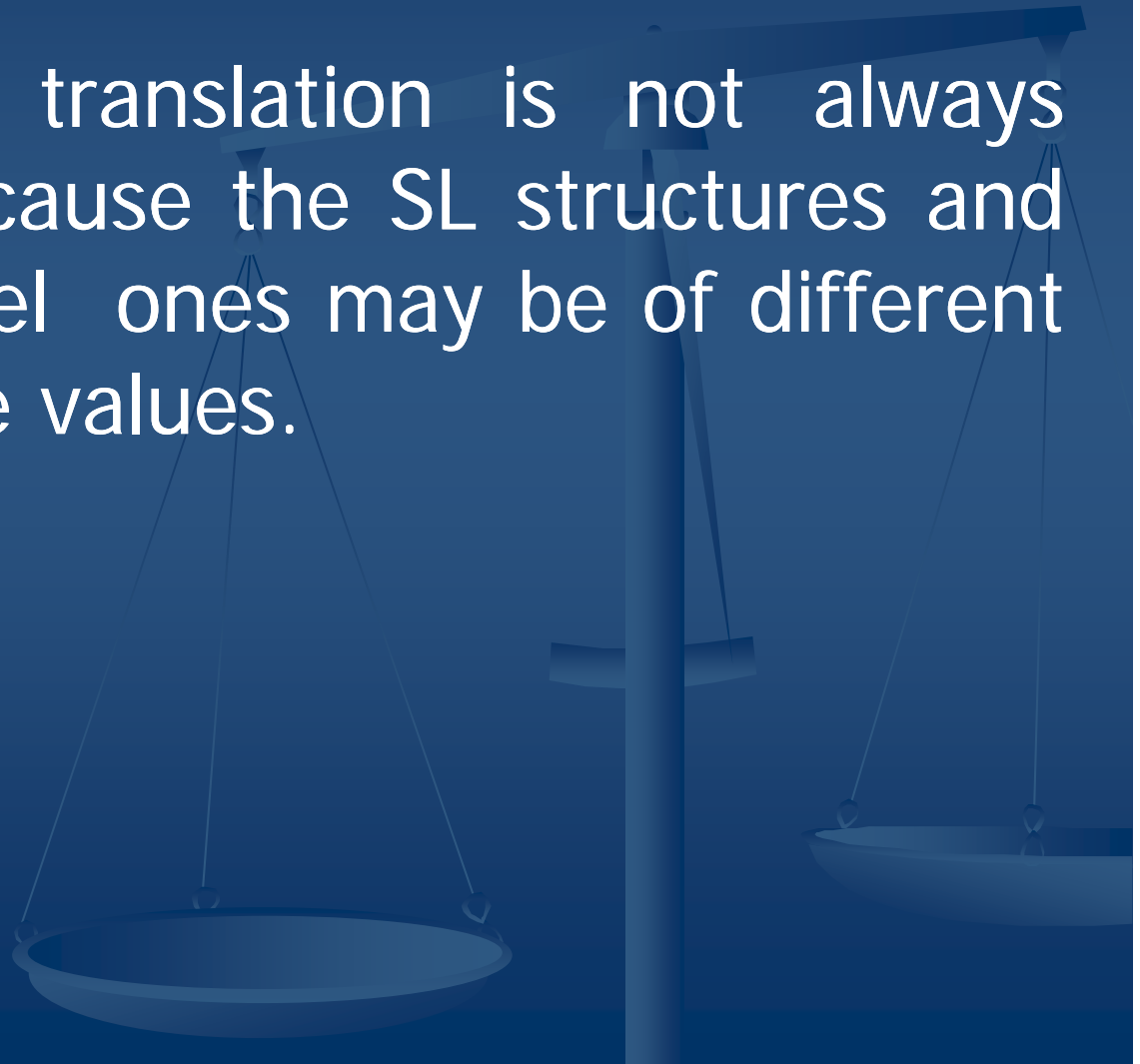
# What does structure-for-structure translation mean?

- Structure-for-structure translation is the replacement of the SL structures by their parallel TL ones..



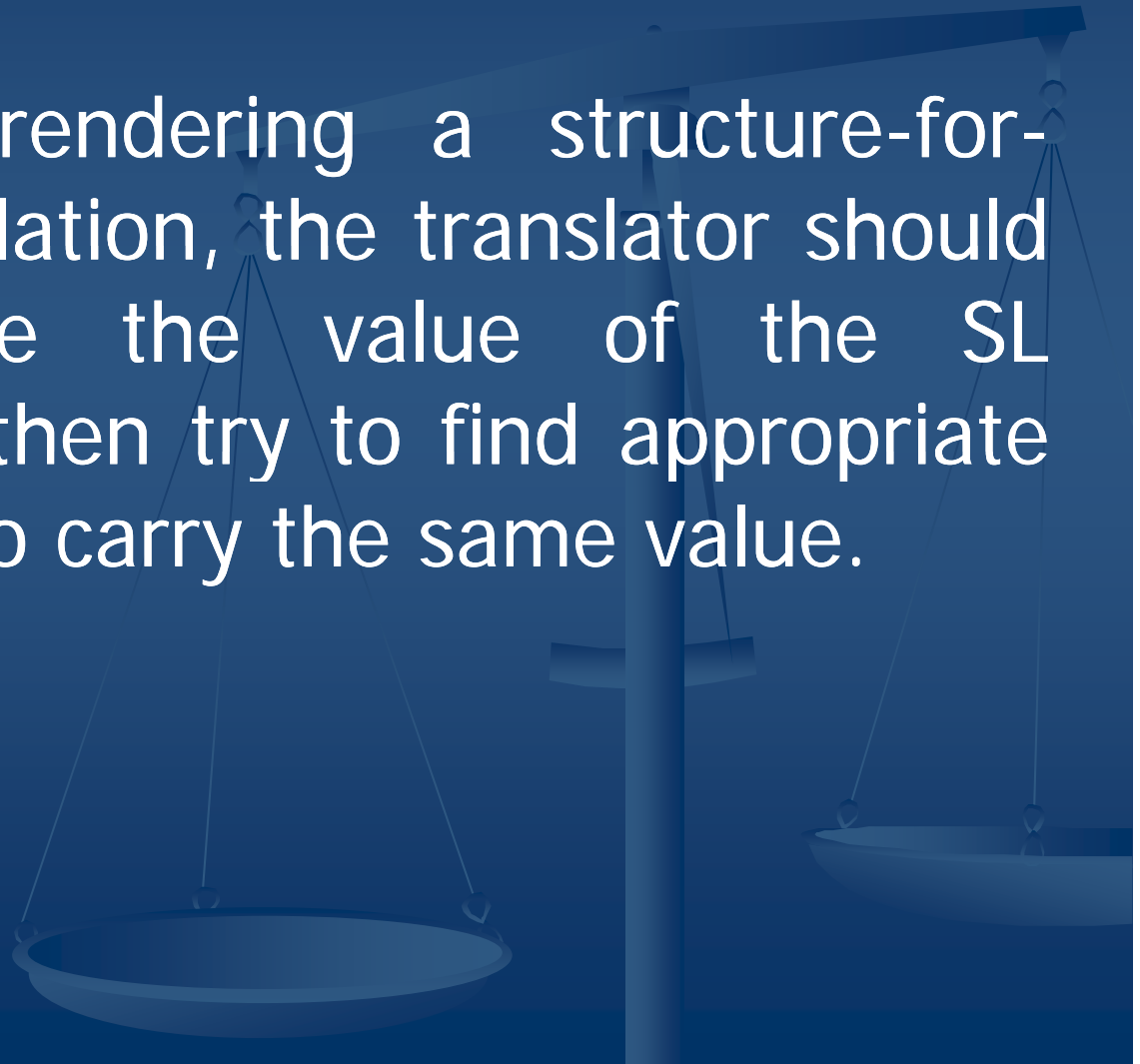
# Is structure-for-structure translation always acceptable?

- This type of translation is not always acceptable because the SL structures and their TL parallel ones may be of different communicative values.



# How should the translator deal with the SL structures?

- Rather than rendering a structure-for-structure translation, the translator should first determine the value of the SL structure and then try to find appropriate TL structures to carry the same value.



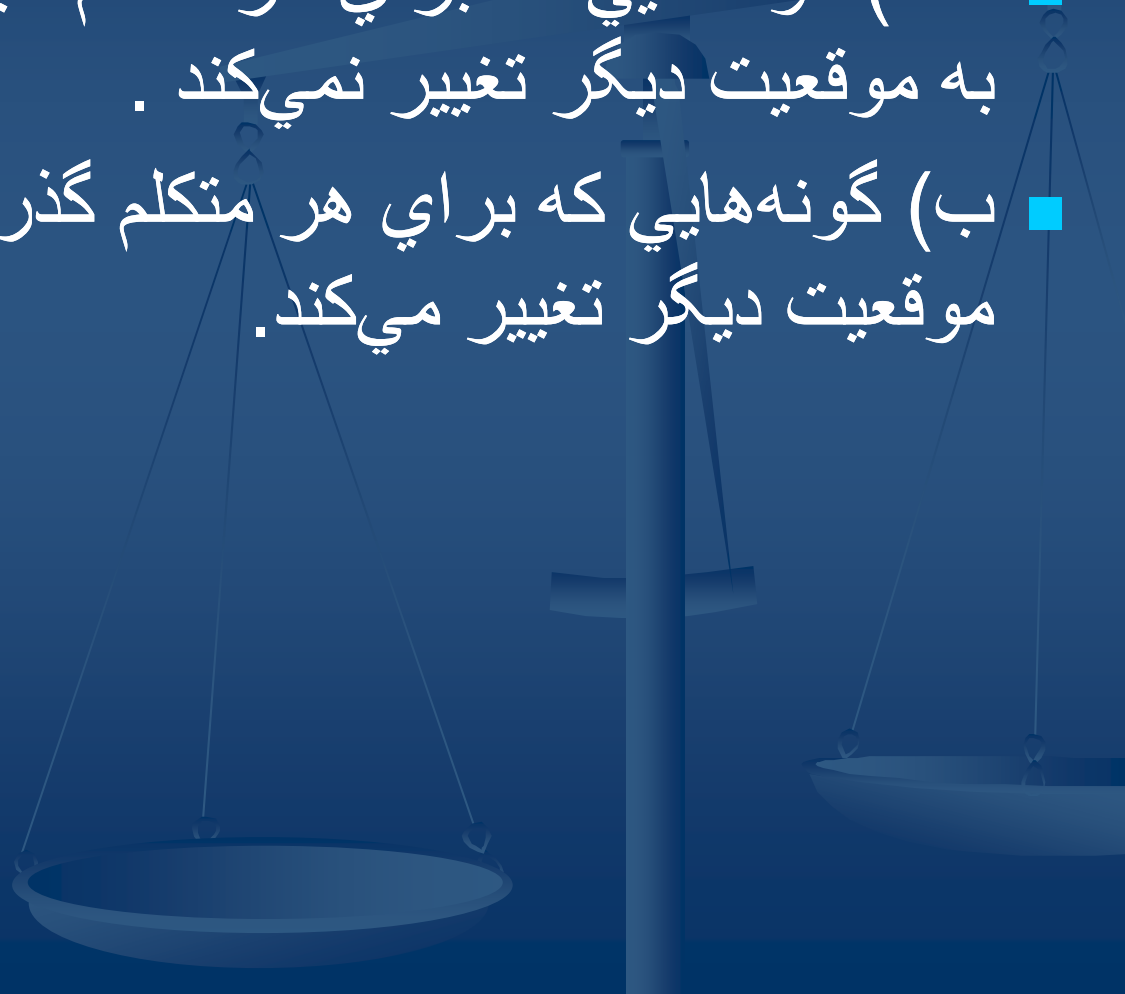
# درس 11

## گونه های زبانی در ترجمه

■ هر زبان مجموعه‌ای همگون و همشکل نیست، بلکه از گونه‌های متعددی تشکیل شده است انواع گونه‌های مختلف هر زبان به دو دسته تقسیم می‌شود.

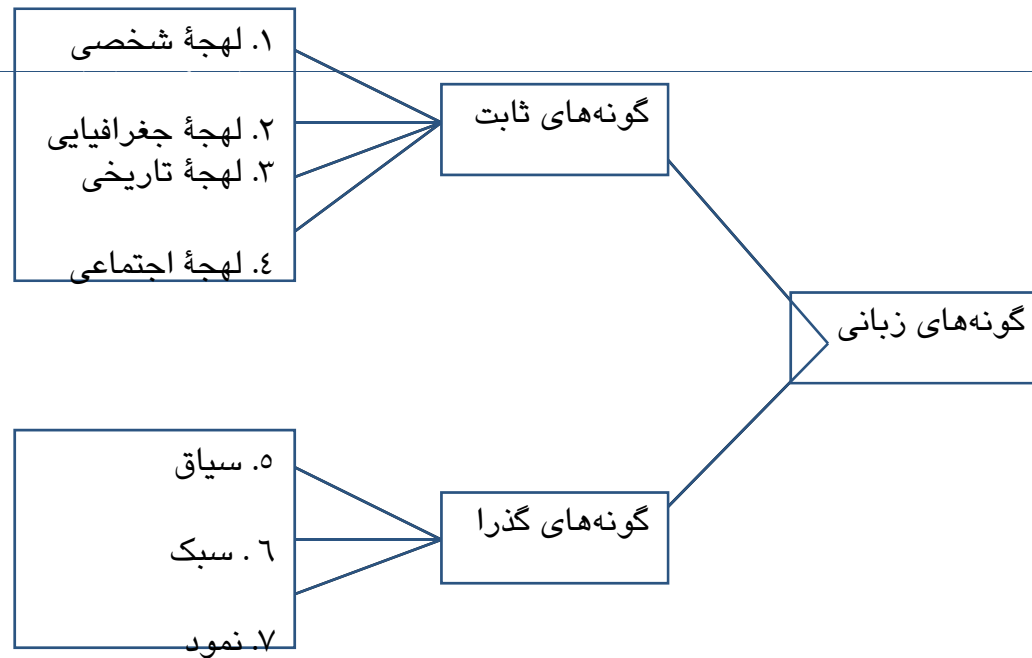
# گونه‌های مختلف زبان

- الف) گونه‌هایی که برای هر متکلم ثابت است و از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر نمی‌کند.
- ب) گونه‌هایی که برای هر متکلم گذراست و از موقعیتی به موقعیت دیگر تغییر می‌کند.





# چارت گونه های زبانی



## گونه های ثابت

### لهجه شخصی (idiolect)

■ منظور از «لهجه شخصی» مجموعه ویژگی‌هایی است که هر شخص در به کار بردن زبان مادریش از خود بروز می‌دهد. مثلاً، بعضی افراد پاره‌ای از اصوات زبانی را به طور مخصوص تلفظ می‌کنند.

# لهجه جغرافيايي (geographical dialect)

■ به مجموعه ويژگيهاي كه در کاربرد يك زبان از ناحيه‌اي به ناحيه ديگر ديده مي‌شود به لهجه جغرافيايي معروف است. مثلاً فارسي كرمان، فارسي اصفهاني و فارسي تهрани .

## لهجه تاريخي (temporal dialect)

■ به مجموعه‌اي از ویژگیها اطلاق مي شود که دوره‌هاي زماني مختلف کاربرد يك زبان را از همدیگر متمایز مي‌سازد. مثلاً، فارسي باستان، فارسي میانه (دري) و فارسي معاصر.

**(social dialect)**

**لهجه اجتماعي**

- پاره‌اي از تفاوتهاي کاربردي زبان که عیناً مربوط به طبقه‌بنديهاي اجتماعي فوق هستند به «**لهجه اجتماعي**» معروف شده‌اند. مانند: لهجه طبقات بالاي جامعه.

# سياق (register)

■ «سياق» به گونه‌اي از زبان اطلاق مي‌شود كه جمعي از مردم با علايق يا حرفه‌هاي مشترك آن را به كار مي‌گيرند. مثلا، سياق ورزش، سياق علمي، سياق مذهبي و مانند آن.

## سبك (style)

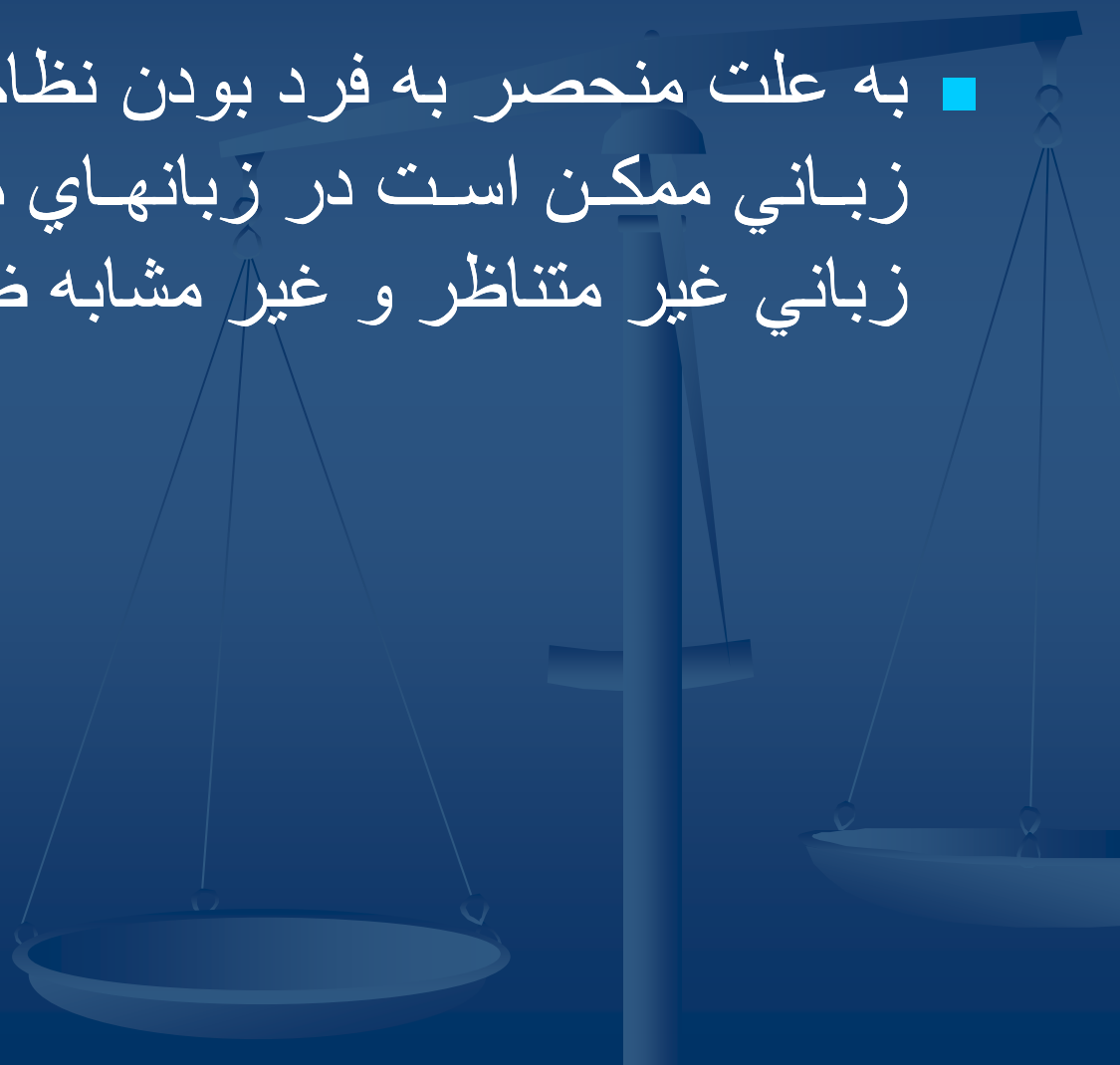
■ «سبك» معمولاً به مجموعه ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که منعکس کننده میزان آشنایی و صمیمیت متکلم با مخاطب خود است، مانند سبك رسمي (formal)، غیر رسمي (informal)، محاوره‌اي (colloquial) و عامیانه (slang).

## نمود (mode)

- منظور از «نمود» گونه های نوشتاری یا گفتاری است . یعنی، يك متن با توجه به موقعیتهای کاربردی ممکن است به یکی از این نمونها بیان شود.



■ به علت منحصر به فرد بودن نظام هر زبان، يك گونه زباني ممكن است در زبانهاي مختلف در ابزارهاي زباني غير متناظر و غير مشابه ظاهر شود



■ یکی از نمودهای رفتار مؤدبانه در زبان فارسی کاربرد ضمیر و فعل دوم شخص جمع حتی در صورت مفرد بودن مخاطب است. در حالی که در زبان انگلیسی معاصر تفاوتی بین دوم شخص مفرد و جمع کاربرد ضمائر شخصی و افعال وجود ندارد.

■ مطالعات انجام گرفته در جامعه شناسی زبان ، کاربرد  
نفي دوگانه، مانند :

(we haven't got no water)

در زبان انگلیسی منعکس کننده گونه اجتماعی مخصوص  
است .

# گونه‌های زبانی و مترجم

■ در زمینه منعکس کردن گونه زبانی متن مبدأ در متن زبان مقصد سه سؤال مطرح می‌شود:

1. میزان اهمیت گونه زبانی متن مبدأ در ترجمه

2. آیا همه انواع گونه‌های زبانی یاد شده را باید و می‌توان در ترجمه رعایت کرد؟

3. برای رعایت گونه‌های زبانی در ترجمه می‌توان همیشه «ابزار به ابزار»، «کلمه به کلمه» و یا «ساختار به ساختار» ترجمه کرد؟

# میزان اهمیت گونه زبانی متن مبدأ در ترجمه

- چنانچه قبلاً بحث شد عوامل متعددی در تبلور پیام يك متن مؤثرند و هرگونه تغییر در یکی از آنها منجر به تغییر در ابعاد مختلف پیام موجود در متن مربوط خواهد شد.

# آیا همه گونه‌های زبانی را باید و می‌توان در ترجمه رعایت کرد؟

■ اولاً به علت تفاوت بین نظام زبانها رعایت همه گونه‌های زبان مبدأ در زبان مقصد ممکن است به يك اندازه میسر نباشد.

■ درثانی همه گونه‌ها در همه انواع متون دارای نقش ارتباطی یکسانی نیستند

# گونه‌های اجتماعی و سبکی

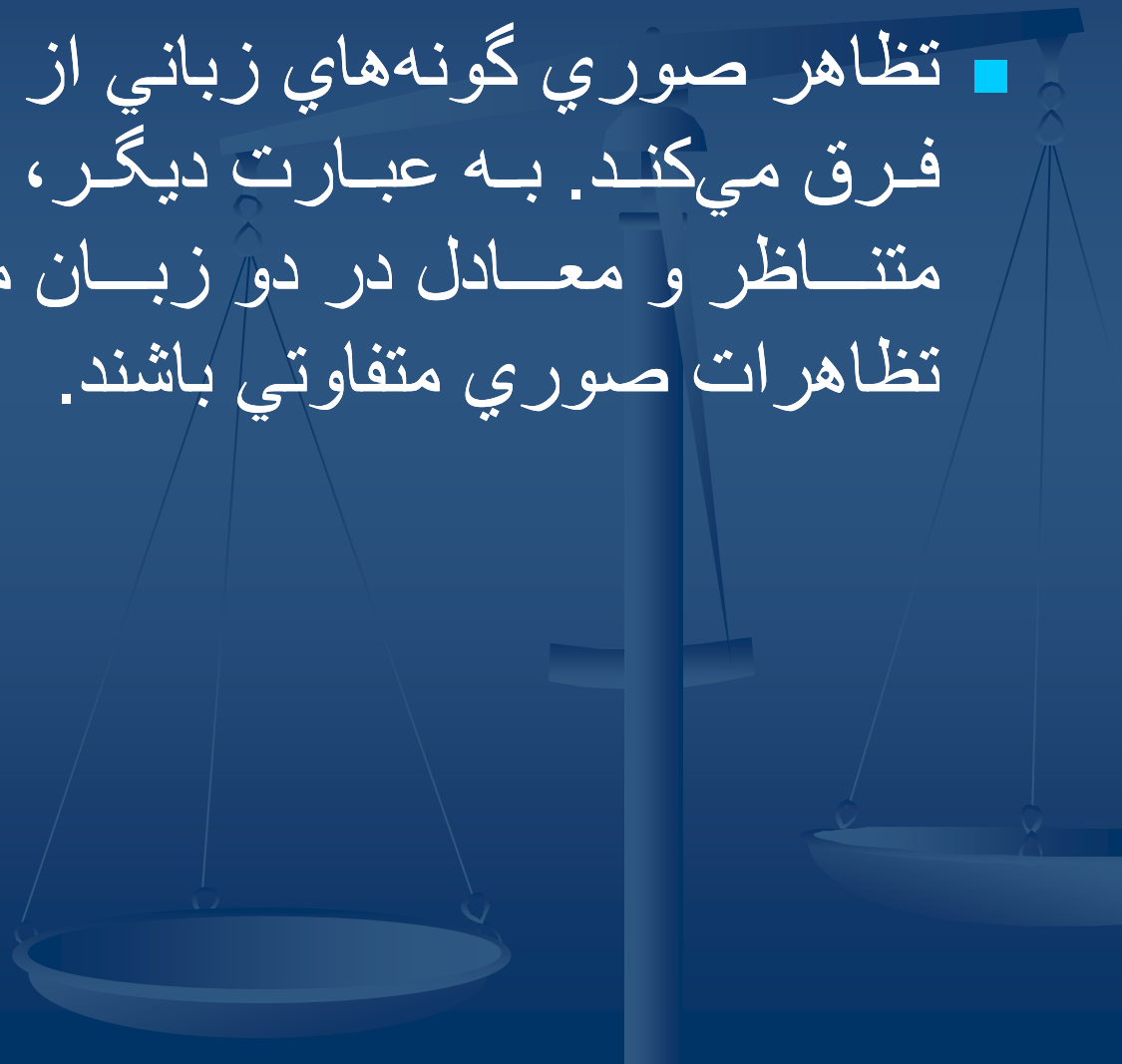
■ گونه اجتماعی «زبان متن مبدأ» که بیانگر طبقه و علایق اجتماعی متکلم است و «گونه سبکی» که نشان دهنده میزان آشنایی و صمیمیت متکلم با مخاطب خود است به خصوص در انواع ویژه‌ای از متون مانند نمایشنامه و داستان حتماً باید در متن مقصد منعکس شوند.

# سياق

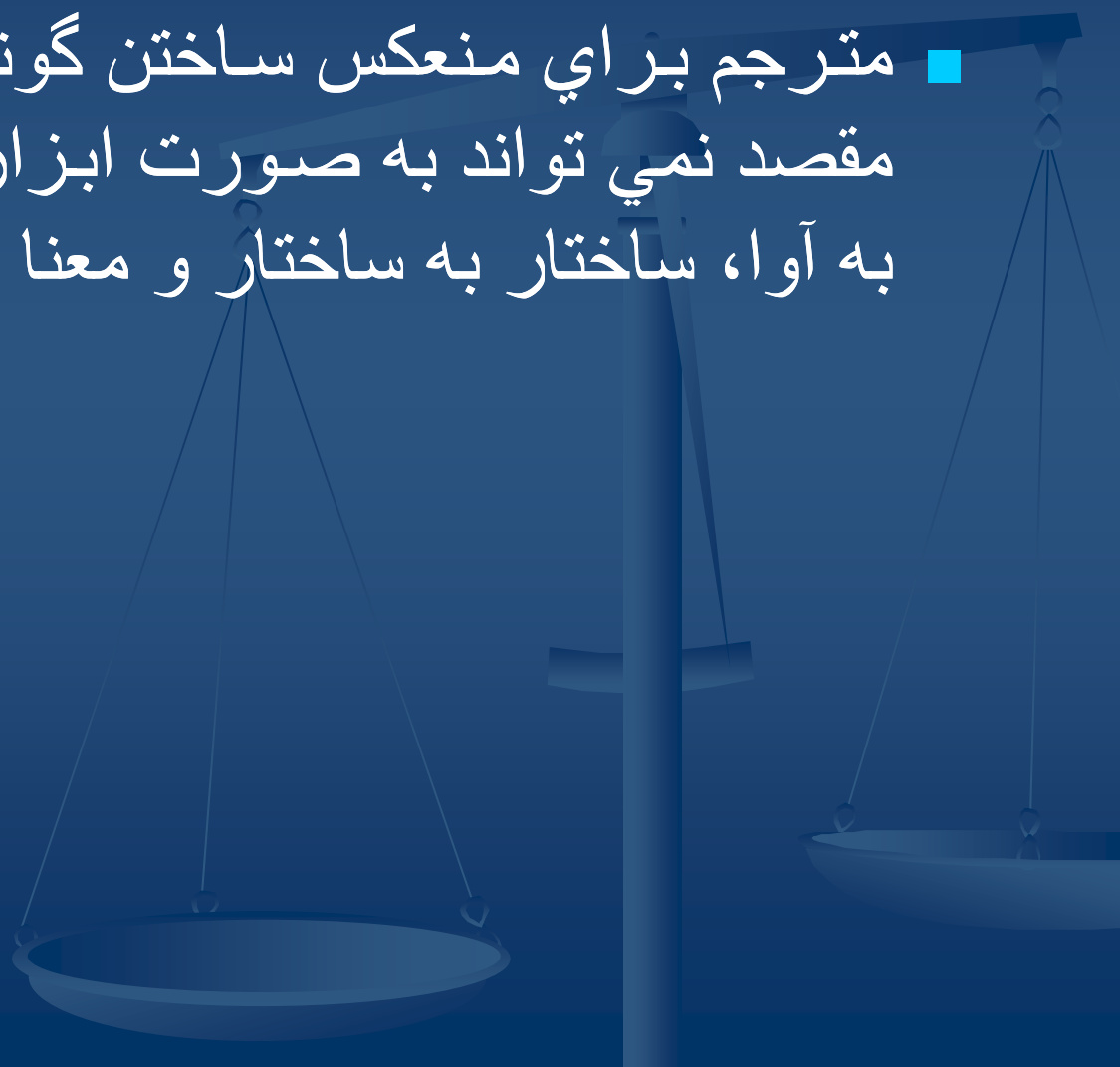
■ گونه زباني «سياق» در انواع مختلف متون نيز در ترجمه بايد رعايت شود . اين گونه به طور عمده در ساختار و واژگان زبان منعكس است . مترجم بايد با آشنائي كامل به سياق مورد نظر در هر دو زبان اين گونه زباني متن مبدأ را دقيقاً در متن مقصد منعكس كند .



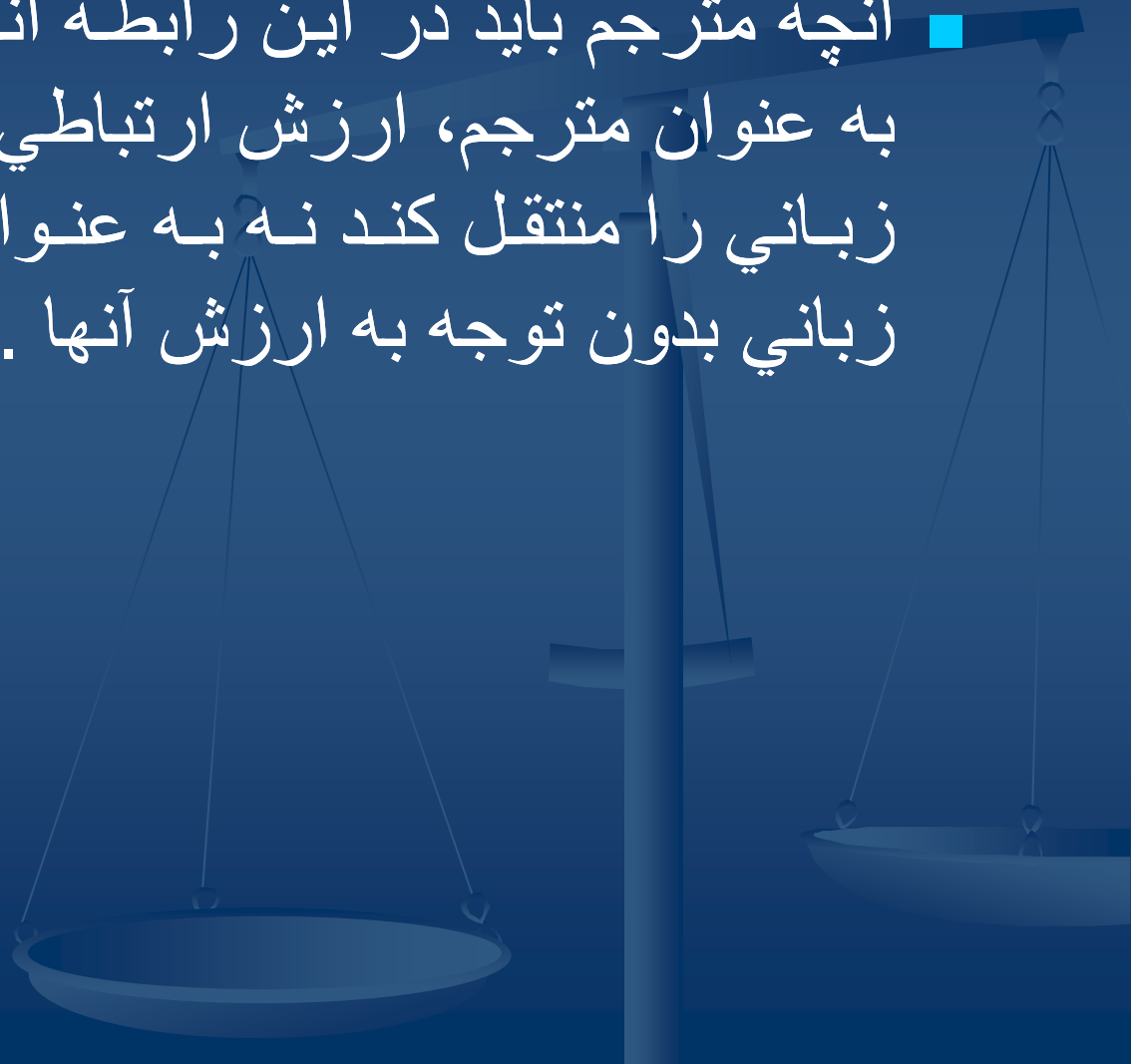
■ تظاهر صوري گونه‌هاي زباني از زباني به زبان ديگر  
فرق مي‌کند. به عبارت ديگر، حتي دوگونه کاملاً  
متناظر و معادل در دو زبان ممکن است داراي  
تظاهرات صوري متفاوتي باشند.



■ مترجم براي منعكس ساختن گونه زبان مبدأ در زبان مقصد نمي تواند به صورت ابزار به ابزار (يعني، آوا به آوا، ساختار به ساختار و معنا به معنا) ترجمه كند .



■ آنچه مترجم باید در این رابطه انجام دهد این است که به عنوان مترجم، ارزش ارتباطی و نقش پیامی عناصر زبانی را منتقل کند نه به عنوان برگرداننده عناصر زبانی بدون توجه به ارزش آنها .



## درس 12

# اشاره ای گذرا به پاره ای از مسائل دیگر ترجمه

■ عمده‌ترین شرایطی که باید یک مترجم دارا باشد عبارتند از :

الف) تسلط بر دو زبان مبدأ و مقصد

ب) آشنایی با ماهیت عملکرد نظام زبانی در ارتباطات بین اشخاص

ج) تسلط بر موضوع مورد ترجمه

# کتاب مورد مراجعه براي مترجم

■ به محض ذکر نام «کتاب مورد مراجعه» براي مترجم قبل از همه، انواع فرهنگنامه‌ها به ذهن خطور مي‌کند. ولي بايد گفت هر نوع کتابي که مترجم را در حصول به شرايط سه گانه مترجمي ياري کند مي‌تواند جزو کتاب مورد مراجعه براي مترجم شمرده شود.

# کتاب زبانی

■ منظور از کتاب زبانی کتابهایی هستند که برای رفع مشکلات زبانی (لغوی یا دستوری) بدانها مراجعه می‌شود. عمده‌ترین این نوع کتابها انواع لغتنامه‌هاست.

# انواع لغتنامه‌هایی که می‌تواند مورد استفاده مترجم قرار بگیرد عبارتند از:

1. لغتنامه يك زبانه (انگلیسی به انگلیسی)
2. لغتنامه دو زبانه (انگلیسی به فارسی)
3. لغتنامه دو زبانه (فارسی به انگلیسی)
4. لغتنامه‌های تخصصی

# کتاب موضوعی

## لغتنامه‌های موضوعی

■ در این نوع لغتنامه‌ها انواع کلمه‌های موجود در زبان بر اساس «حوزه‌های معنایی» (semantic fields) و تشابهات و تفاوت‌های معنایی دسته‌بندی می‌شوند و مجموعه لغات یک زبان در چارچوب یک سلسله خوشه‌های لغوی عرضه می‌شود .



## مترجم و ترجمه انواع متون

■ باید مترجم بداند که همه انواع متون به يك نوع ترجمه نمی‌شوند و يك روش ترجمه در همه انواع متون نمی‌تواند کاربرد داشته باشد. مثلاً، در متون ادبی که صورت کلام خود نقش مهمی در ادای پیام ایفا می‌کند.

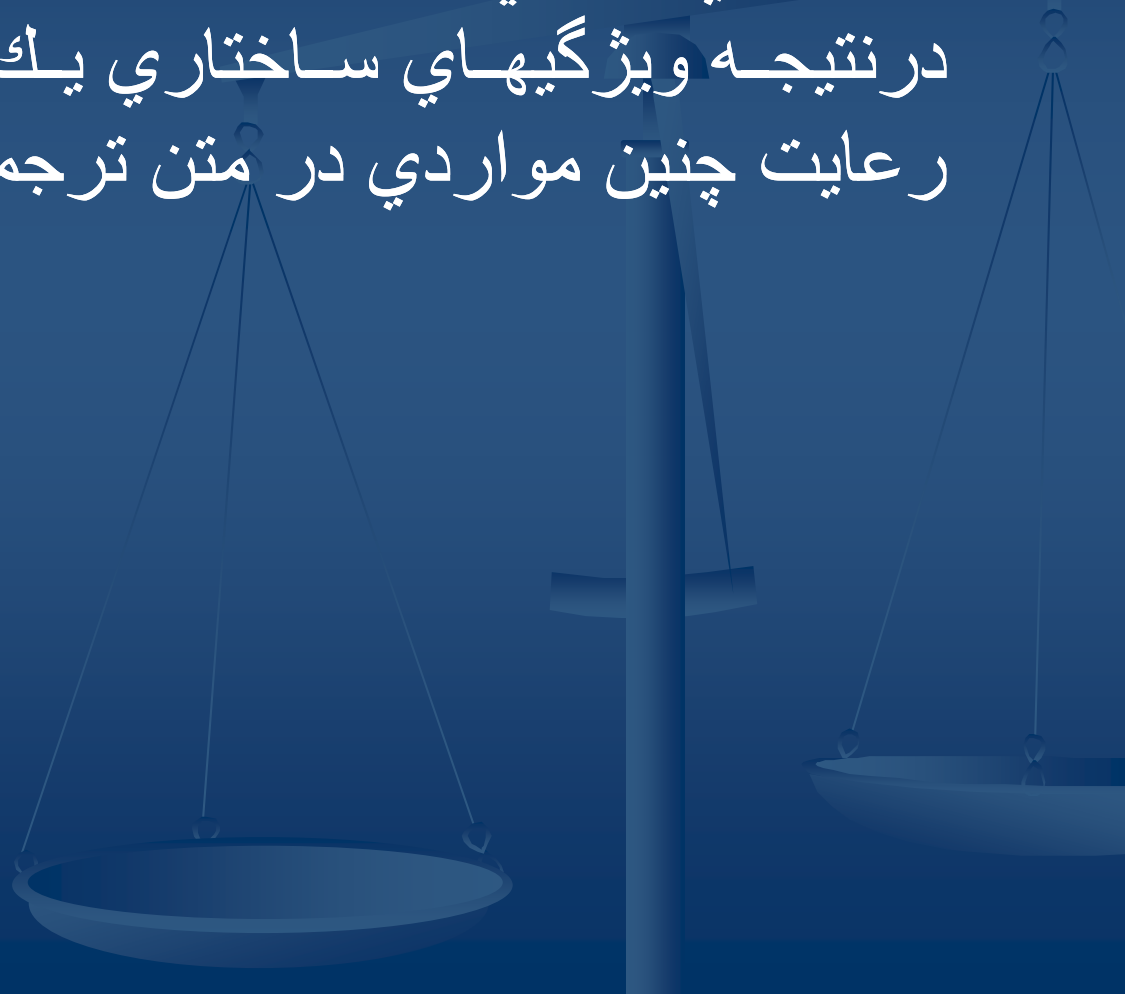
■ مترجم نباید تنها به محتوا و معنا توجه داشته باشد. بلکه باید صورت کلام و نحوه بیان آن محتوا را نیز در متن ترجمه منعکس سازد.



# ابهامهای زبانی و مترجم

■ گاهی در متن زبان مبدأ ابهامهایی (ambiguities) دیده می شود. این ابهامها به دو دسته تقسیم می شوند: «ابهامهای ساختاری» (structural) و «ابهامهای لغوی» (lexical) ابهامهای ساختاری ناشی از آرایش ساختاری جمله یا عبارت مربوطه است.

■ ابهام‌های زبانی اکثراً ممکن است عمدی نباشد و تنها در نتیجه ویژگی‌های ساختاری یک زبان نمود پیدا کنند. رعایت چنین مواردی در متن ترجمه ضروری نیست.



■ چنانچه اشاره شد «اصطلاحات» (idioms) عبارت اند از «مجموعه‌های همایشی» (collocations) که معنای آنها از معنای تک تک کلمات تشکیل دهنده آنها قابل درک و استنباط نیست .

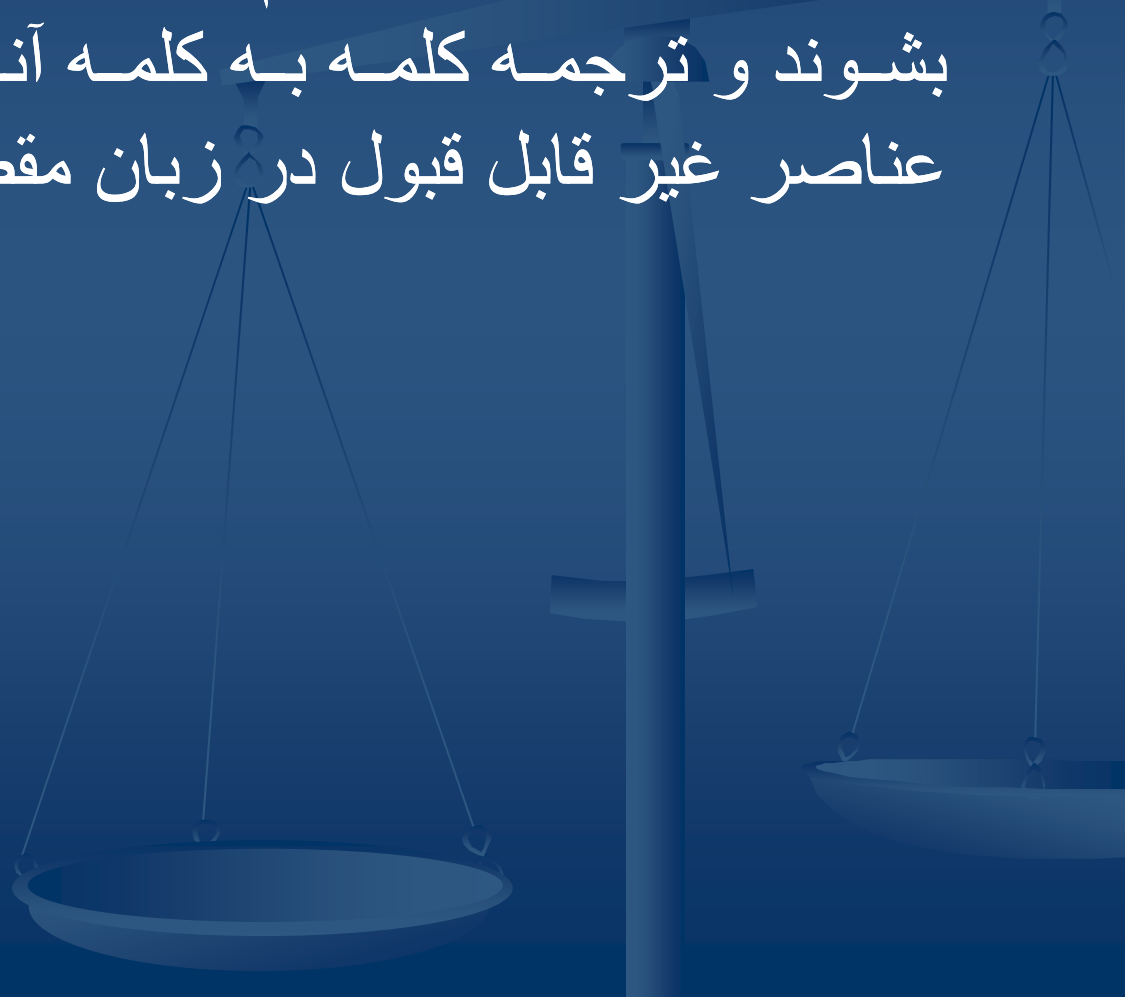


■ در مثال:

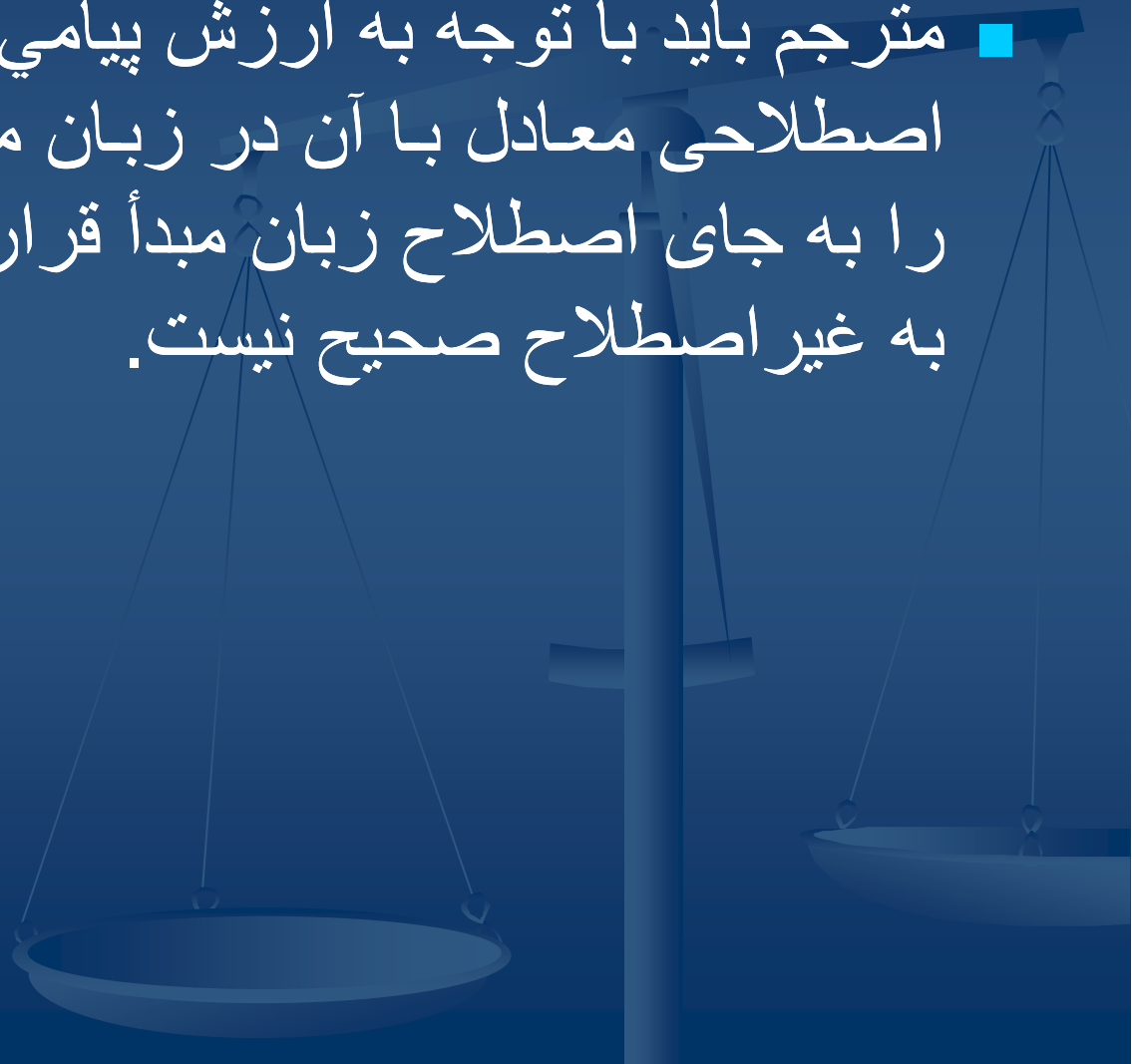
- a. Many children and adults are taken in by the clever ads on television.

■ در مثال فوق عناصری که زیرشان خط کشیده شده اصطلاح هستند.

اصطلاحات باید هر کدام به عنوان يك عنصر لغوي تلفي بشوند و ترجمه کلمه به کلمه آنها ممکن است منجر به عناصر غیر قابل قبول در زبان مقصد بشود .

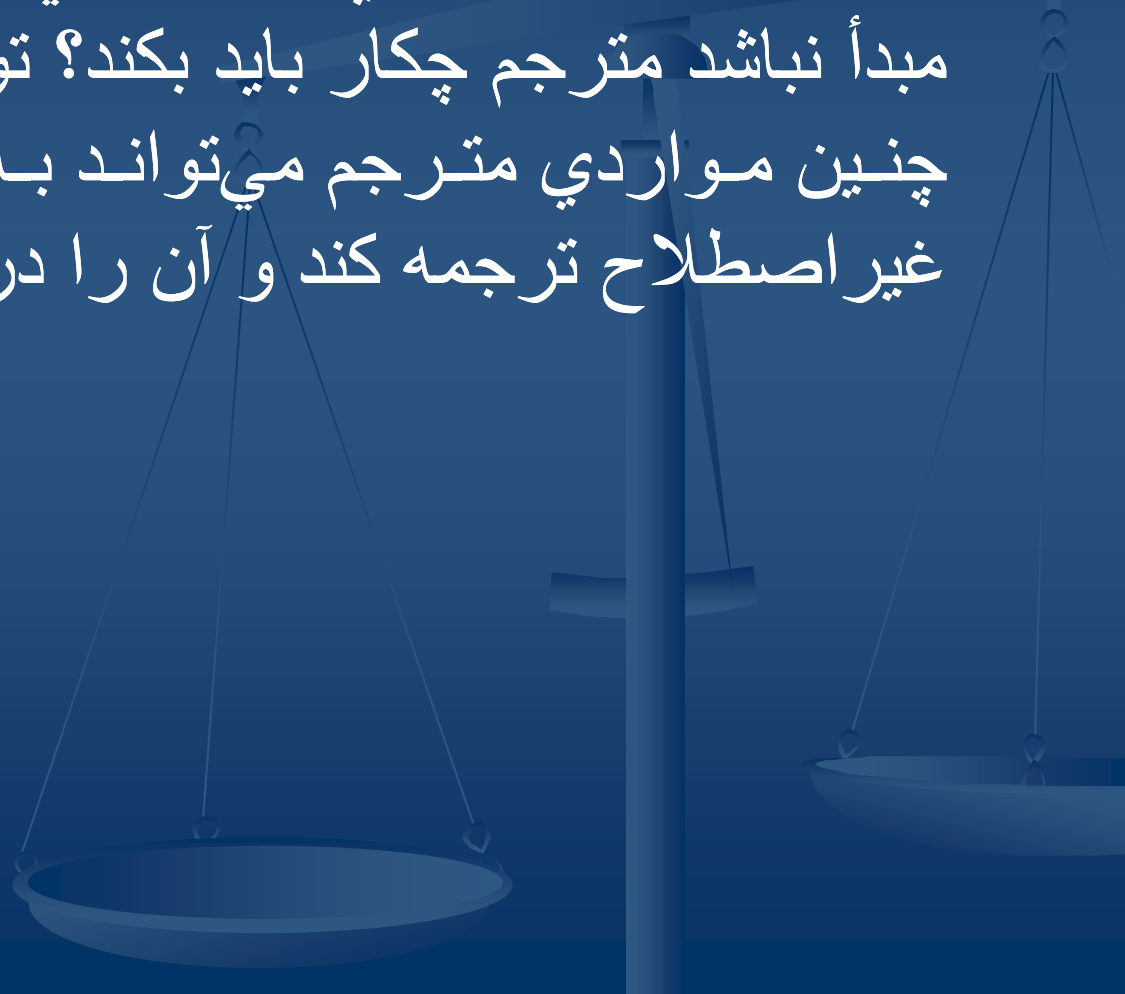


■ مترجم باید با توجه به ارزش پیامی یا معنای هر اصطلاح، اصطلاحی معادل با آن در زبان مقصد شناسایی کند و آن را به جای اصطلاح زبان مبدأ قرار بدهد. ترجمه اصطلاح به غیر اصطلاح صحیح نیست.



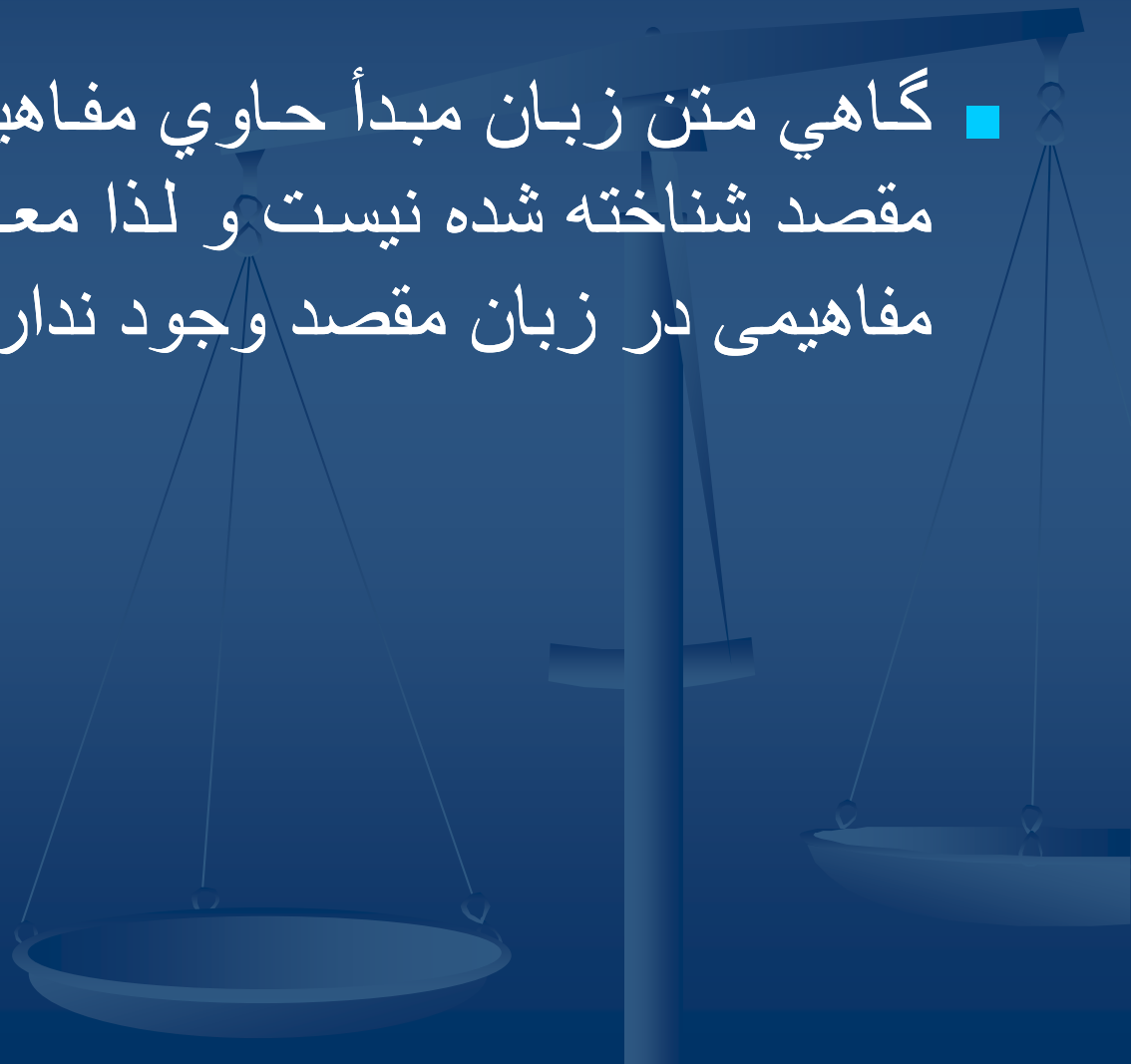


■ اگر زبان مقصد داراي اصطلاحی به ارزش اصطلاح زبان مبدأ نباشد مترجم چکار باید بکند؟ توصیه ما این است که در چنین مواردی مترجم می‌تواند به ناچار اصطلاح را به غیراصطلاح ترجمه کند و آن را در پانویست توضیح بدهد.



## مفاهیم جدید و مترجم

■ گاهی متن زبان مبدأ حاوی مفاهیمی است که برای زبان مقصد شناخته شده نیست و لذا معادل واژگانی برای چنین مفاهیمی در زبان مقصد وجود ندارد.



■ در مواردی که معادلی در زبان مبدا برای واژه زبان مقصد وجود ندارد می توان به یکی از روشهای زیر عمل کرد:

- الف) انتقال واژه زبان مبدا به زبان مقصد.
- ب) استفاده از ترکیبات جدید کلمات موجود در زبان مقصد برای اشاره به مفاهیم جدید زبان مبدا.
- ج) ساختن کلمات جدید برای مفاهیم جدید (coining)

# در همه موارد فوق مترجم باید چند اصل را رعایت کند:

1. رعایت اصل مقبولیت سیاقی
2. رعایت اصل یکنواختی در انتخاب معادل
3. رعایت اصل واژه سازی
4. ارائه معادل متن مبدأ برای معادل‌های جدید

■ برای اختصار سخن و جهت صرفه‌جویی در زمان و فضا  
به جای عبارات بلند، حروف اول کلمات تشکیل دهنده آن  
عبارات را به کار می‌برند.

این عناصر معمولاً به اختصارات  
(acronyms/abbreviations) معروف هستند.

■ در جریان ترجمه شایسته این است که «**اختصارات**» به صورت «**اختصار**» ترجمه شود. بدین ترتیب که ابتدا معنا و مفهوم علامت اختصاری به کار رفته در زبان مبدأ شناسایی و سپس علامت اختصاری‌ای که در زبان مقصد معمولاً برای معنا و مفهوم معادل به کار می‌رود و جایگزین آن شود.

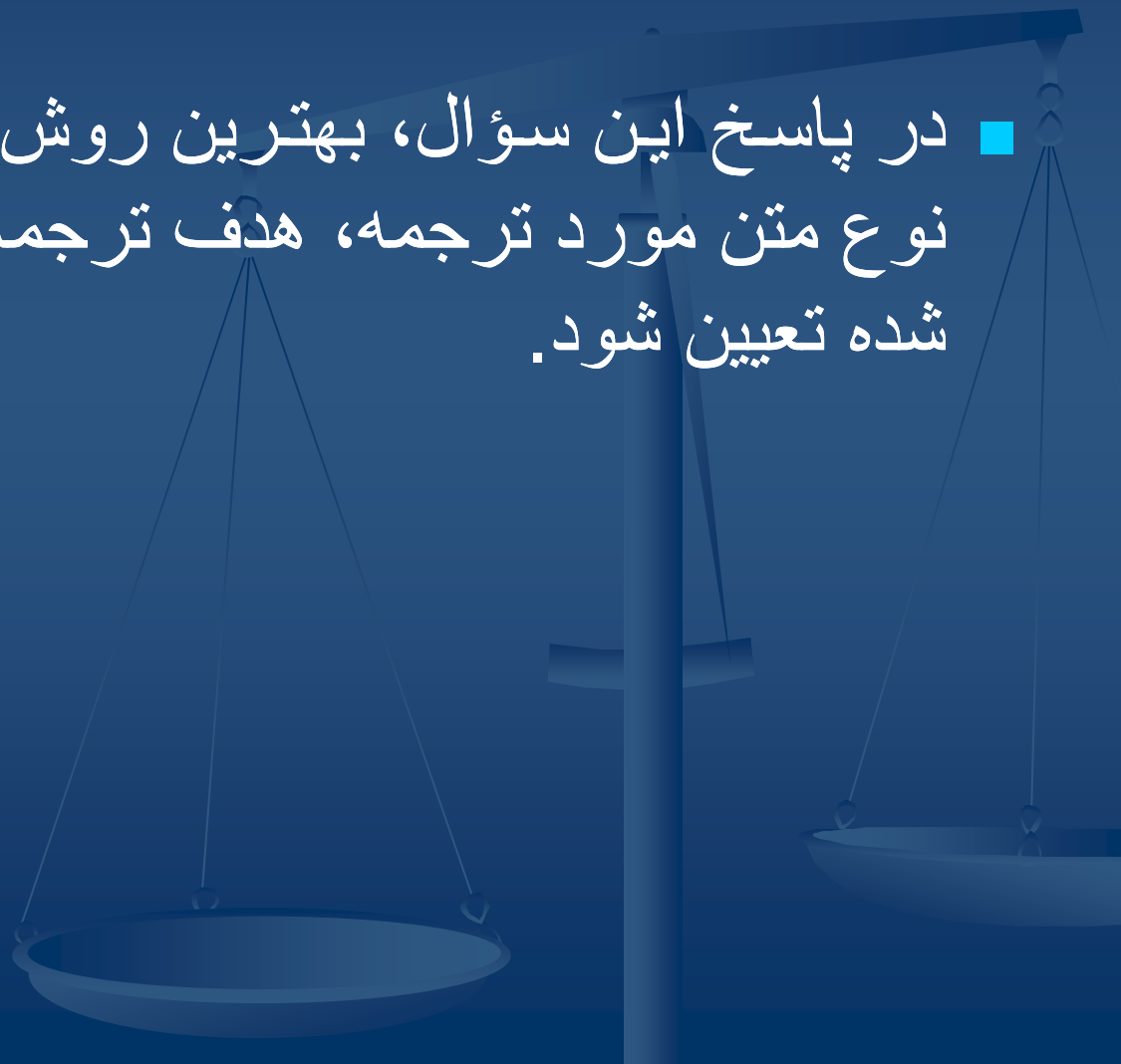
# برای ترجمه صحیح عناوین، مترجم باید به سه اصل زیر توجه کند.

1. درک معنا و مفهوم عناوین
2. رعایت اصل اختصار
3. رعایت جاذبه متنی



# بهترین روش ترجمه کدام است؟

■ در پاسخ این سؤال، بهترین روش ترجمه باید با توجه به نوع متن مورد ترجمه، هدف ترجمه و مخاطب متن ترجمه شده تعیین شود.



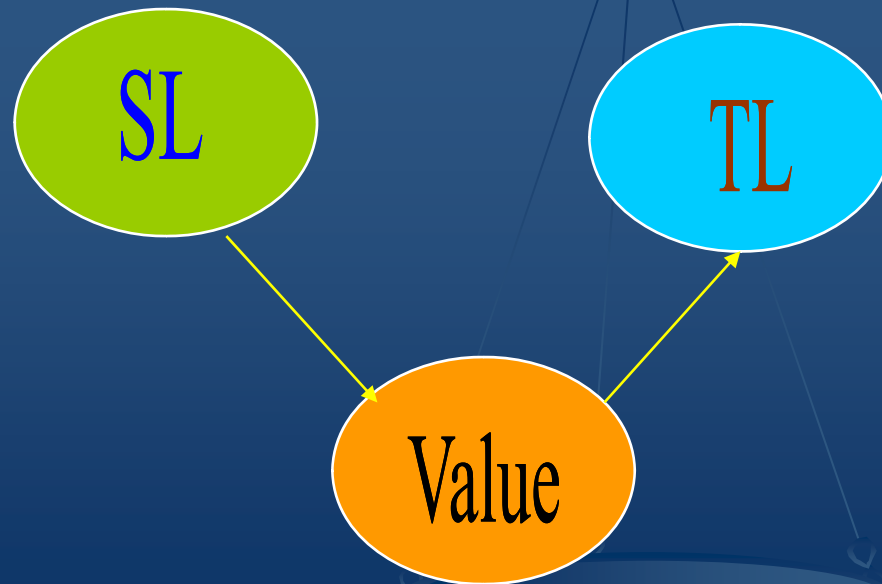


## درس 13

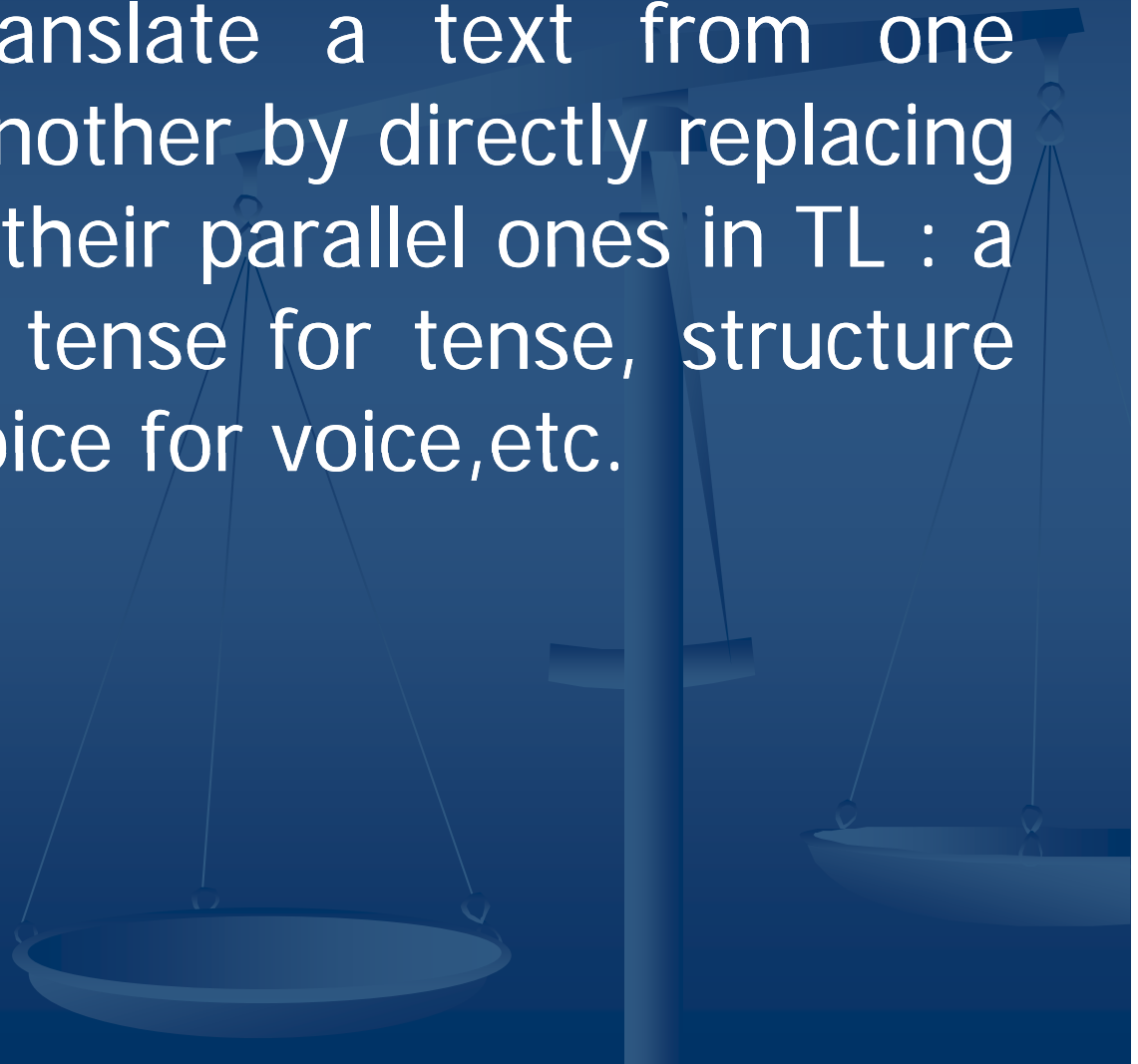
# Supplementary unit (1)

## The act of translating.

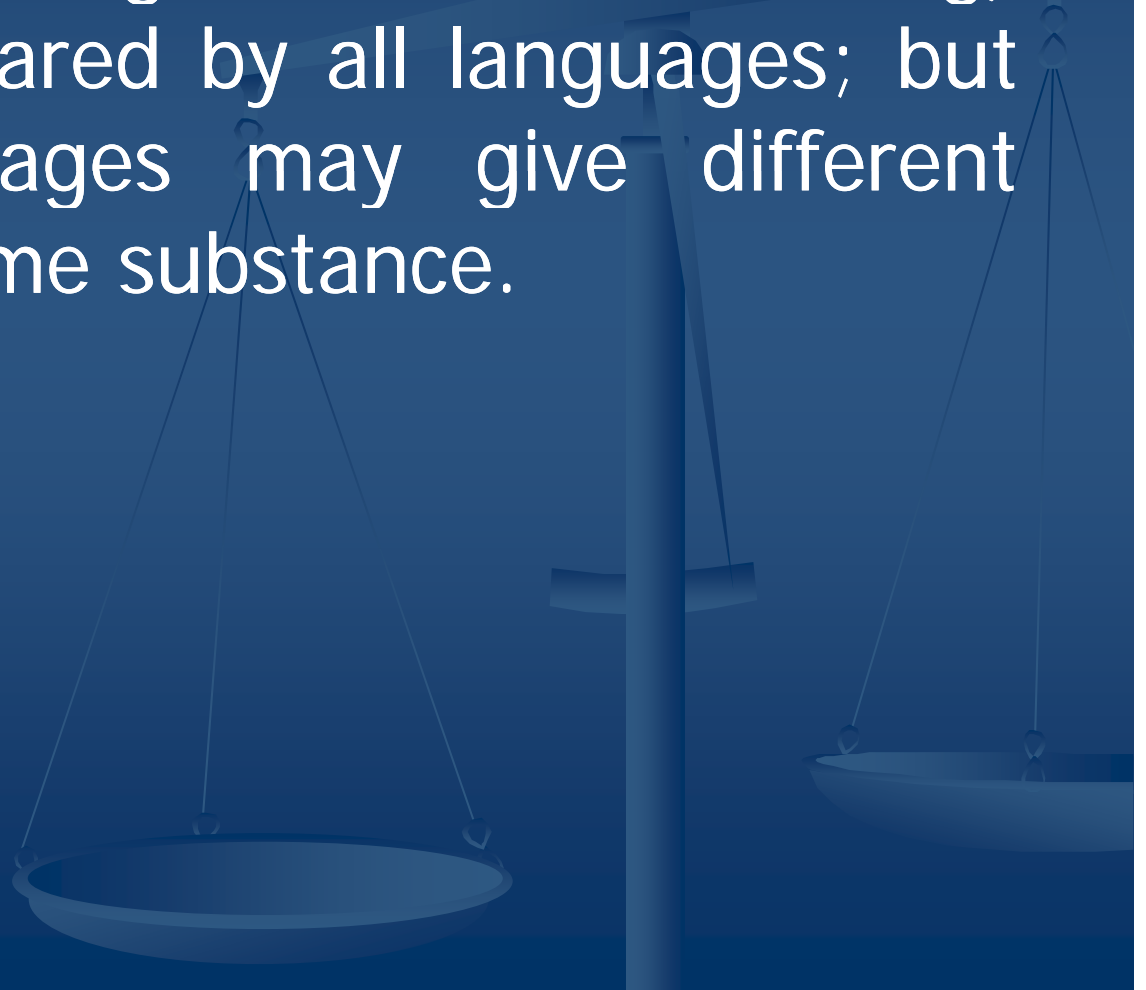
The act of translating can be depicted in the following triangular picture:



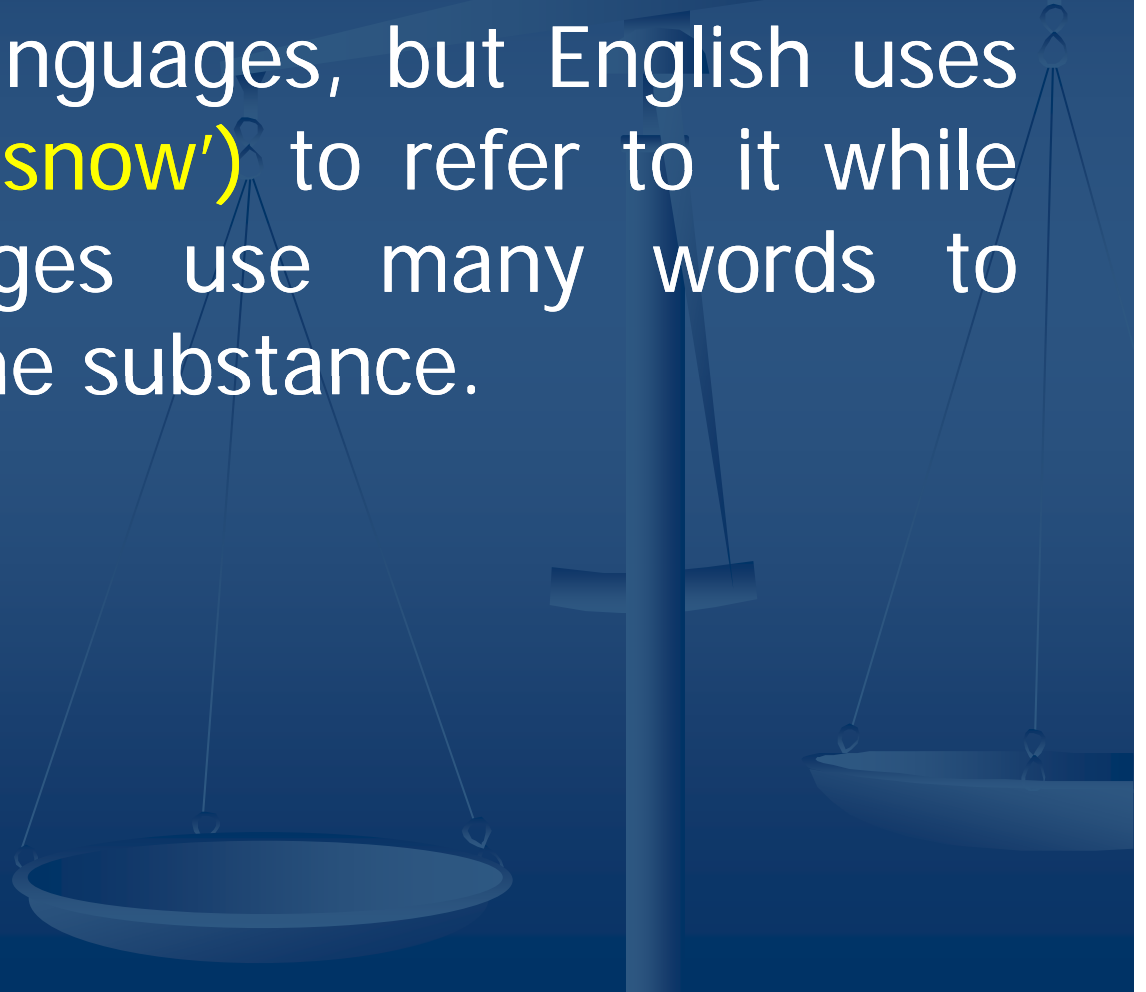
- One cannot translate a text from one language into another by directly replacing its elements by their parallel ones in TL : a word for word, tense for tense, structure for structure, voice for voice, etc.



- The same (sound, grammar and meaning) substance is shared by all languages; but different languages may give different forms to the same substance.

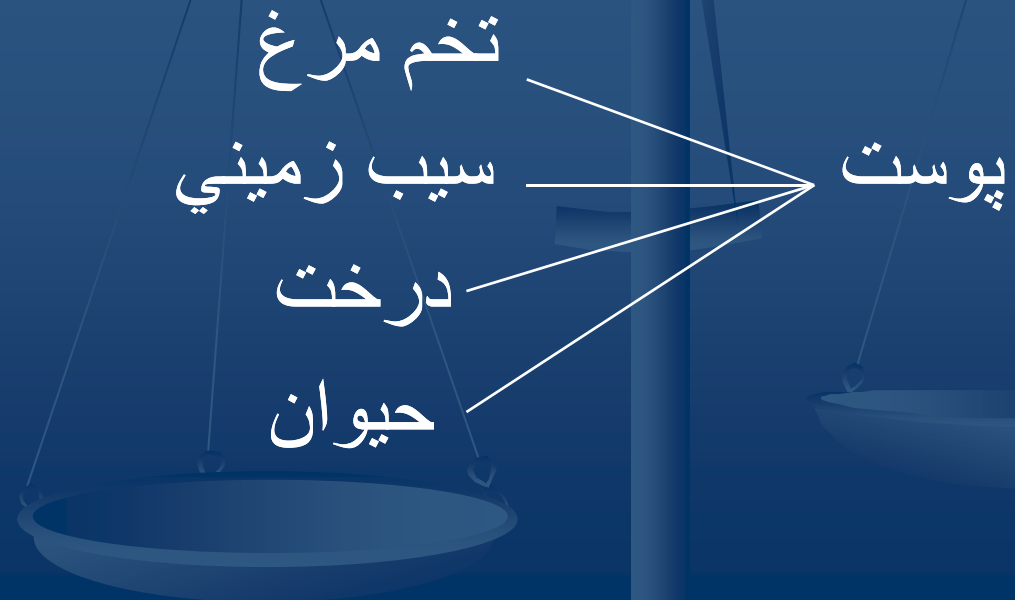


- For example, the substance of 'snow' as shared by all languages, but English uses one form (i.e. 'snow') to refer to it while Eskimo languages use many words to refer to the same substance.



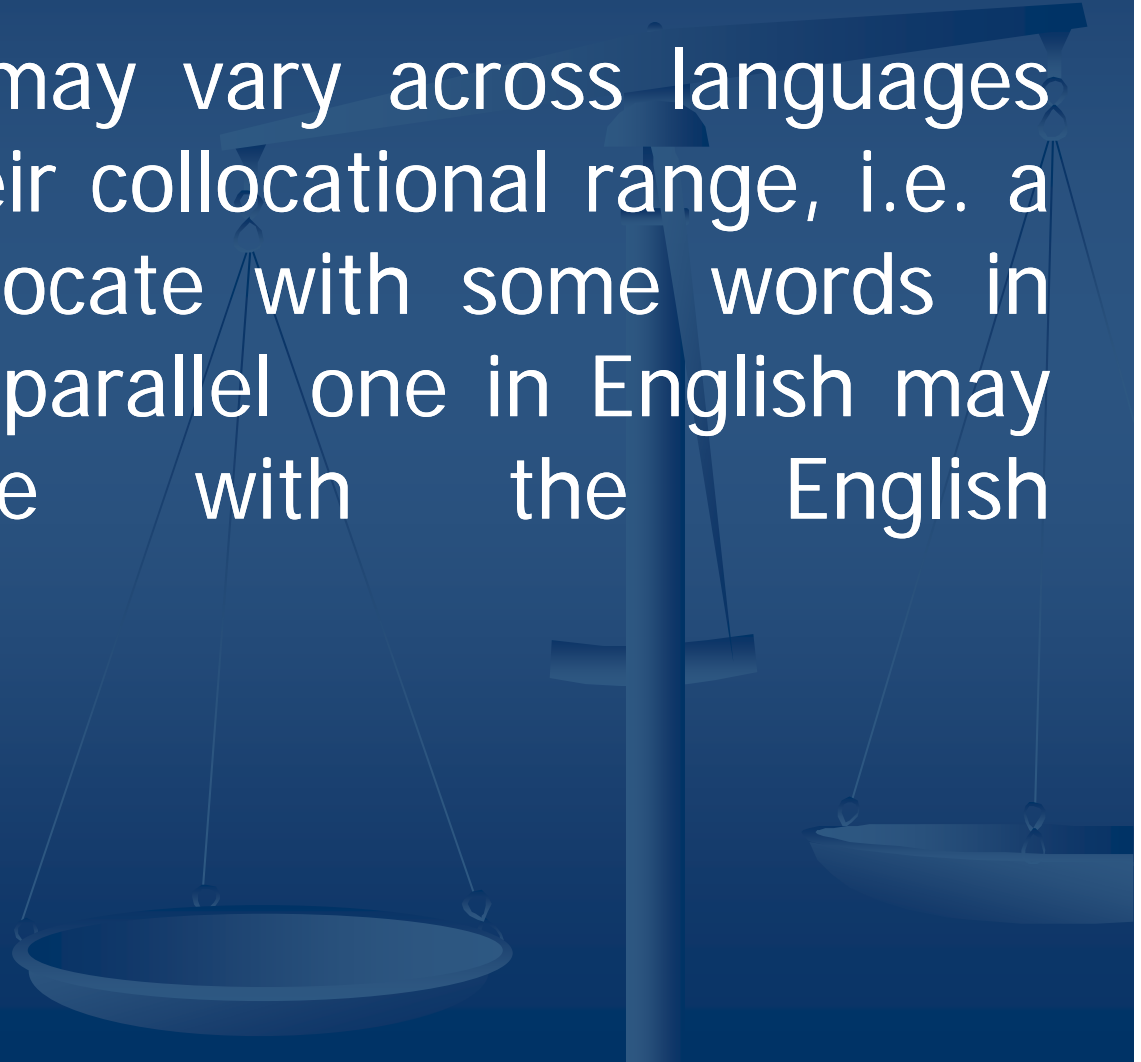
# Denotational Range

- Lexical items in one language and their parallel ones in another languages may not be of an identical denotational range: one being wider/narrower than the other:
- Egg shell
- Peel (potato)
- Bark (tree)
- Hide (animal)



# Collocational Range

- Lexical items may vary across languages in terms of their collocational range, i.e. a word may collocate with some words in Farsi while its parallel one in English may not collocate with the English counterparts.

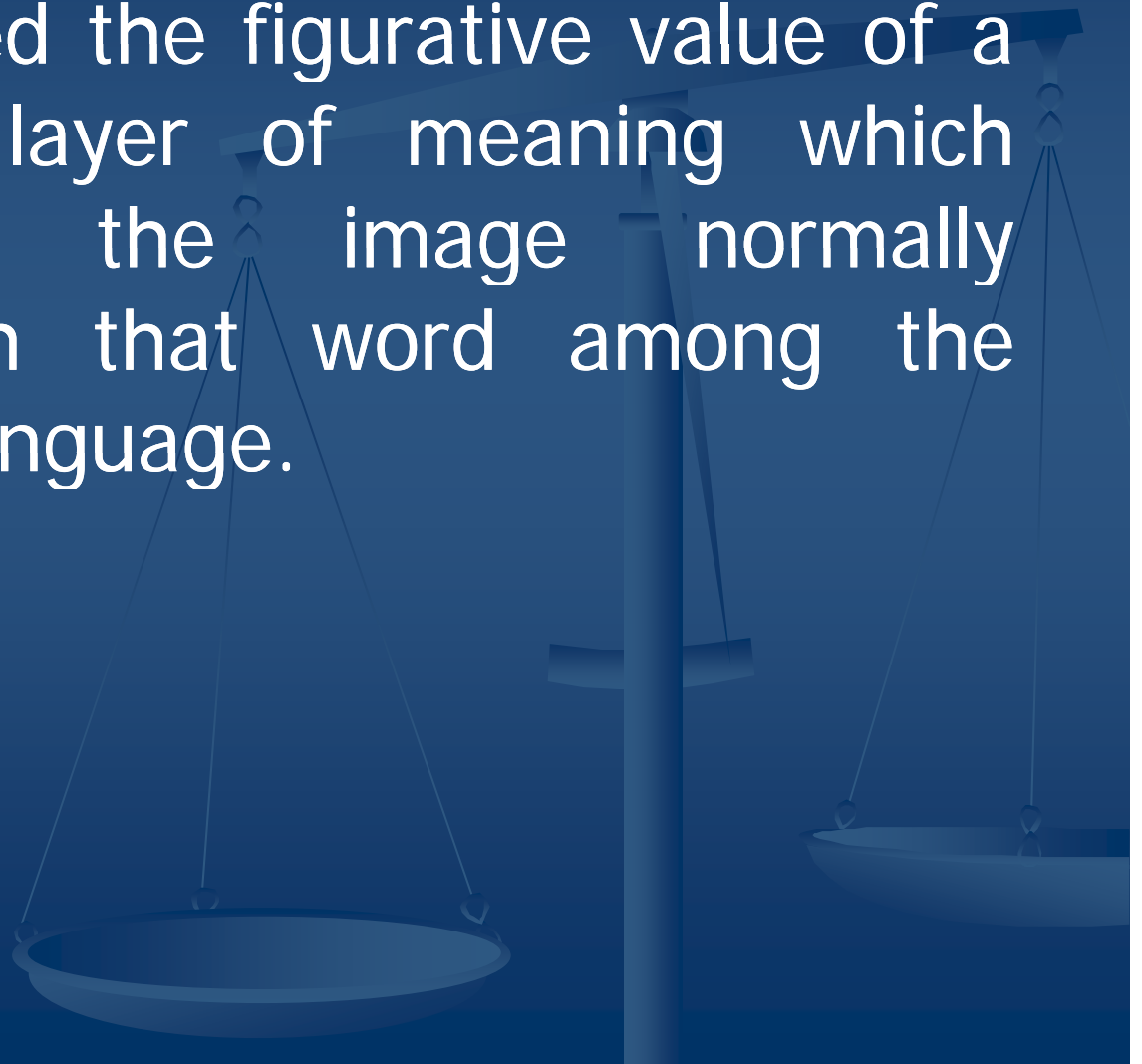


- Rancid butter
- Corrupt person
- Addled egg
- Decayed tooth



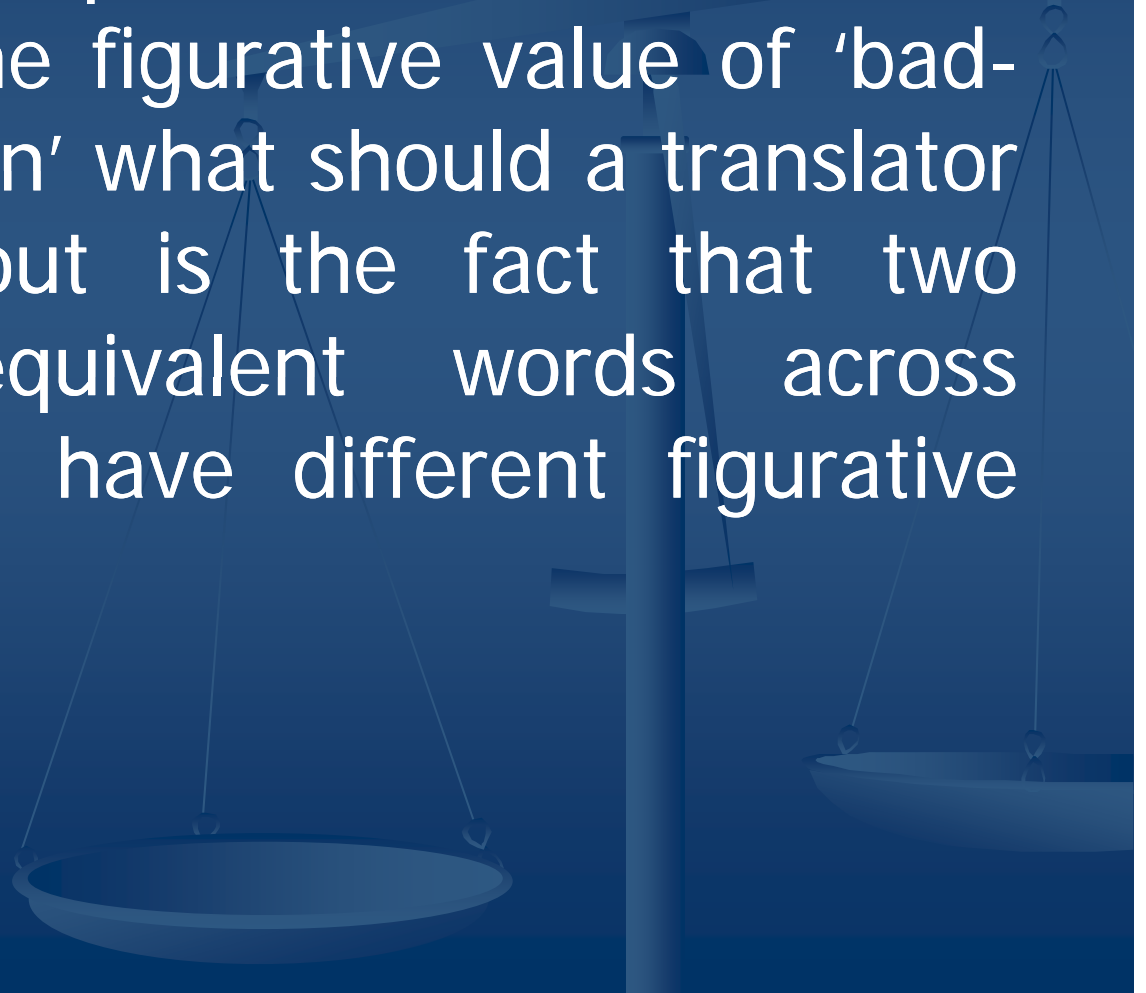
- As it can be seen, the word "فاسد" has a wide collocational range in Farsi (i.e. it can be used with many different words) while its counterparts in English are of narrower collocational range.

- We have defined the figurative value of a word as the layer of meaning which derives from the image normally associated with that word among the speakers of a language.

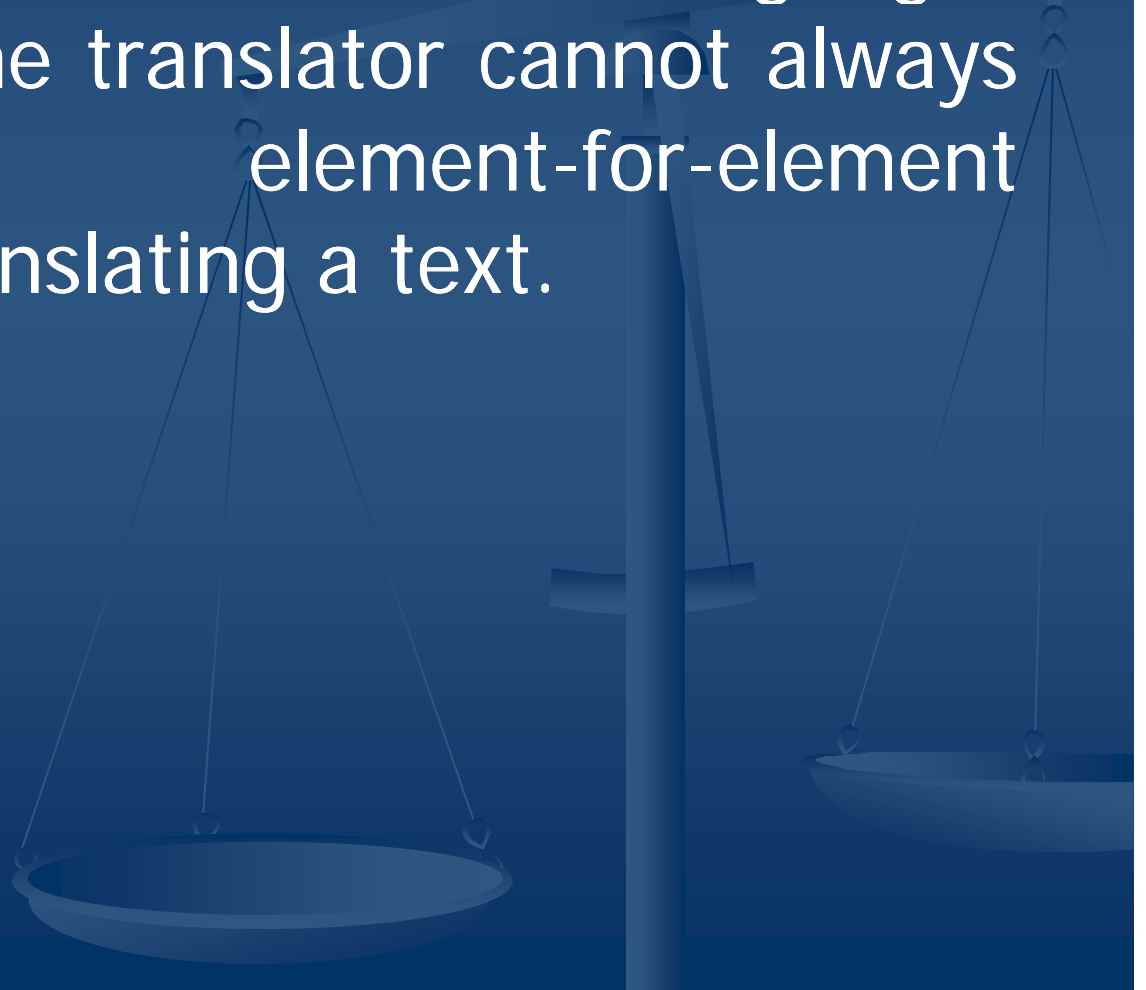




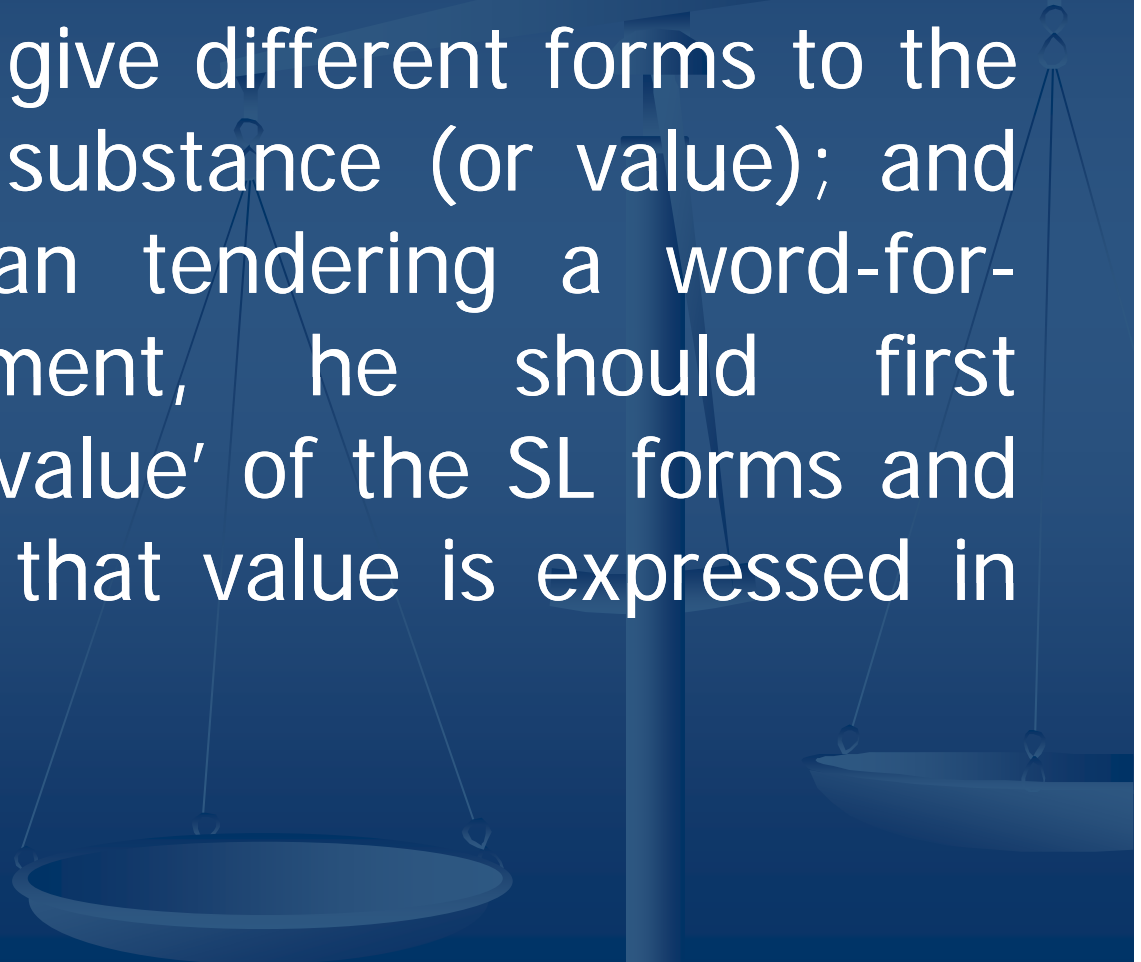
- The word 'dog' apart from its denotative meaning has the figurative value of 'bad-tempered person' what should a translator be careful about is the fact that two denotatively equivalent words across languages may have different figurative values.



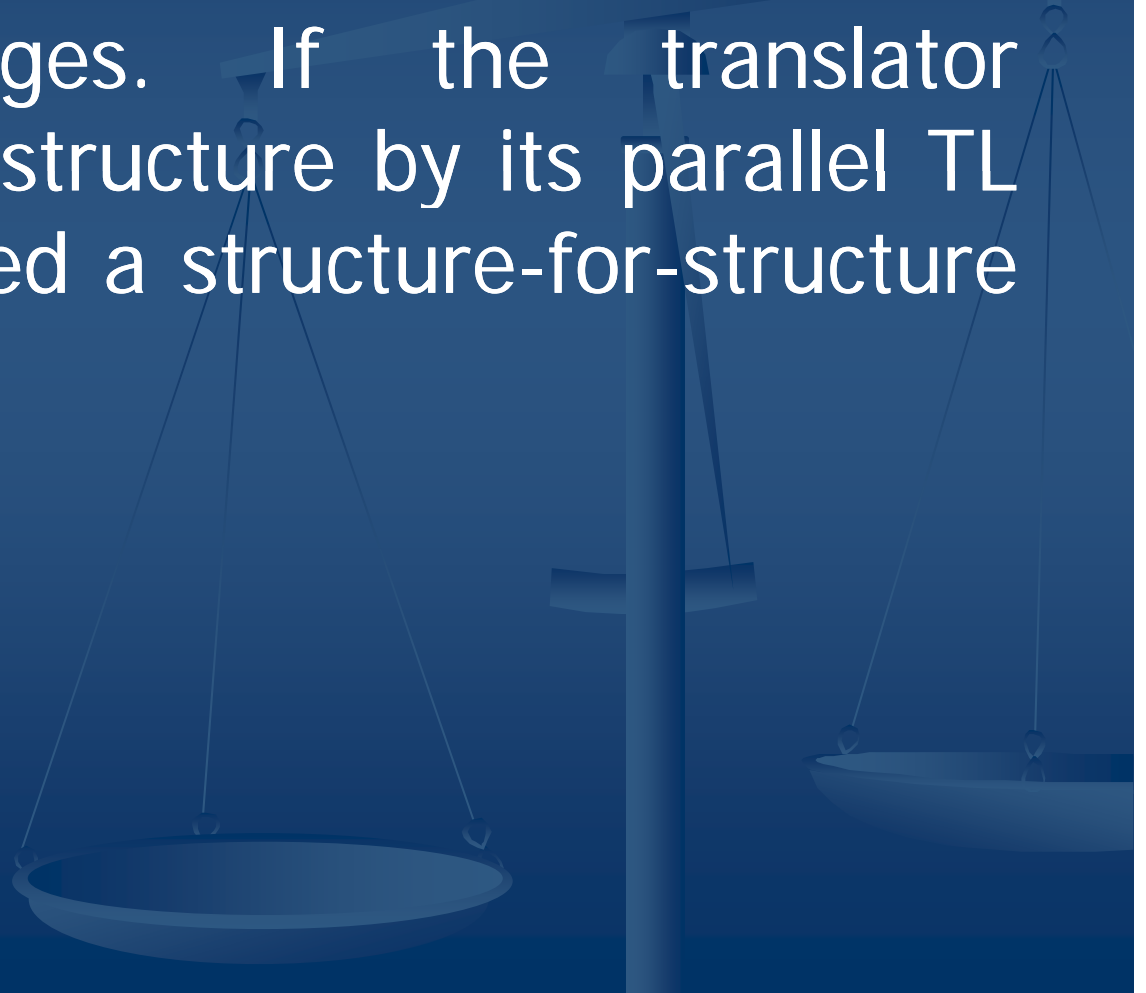
- As we noted above, because languages are different, the translator cannot always render an element-for-element replacement translating a text.



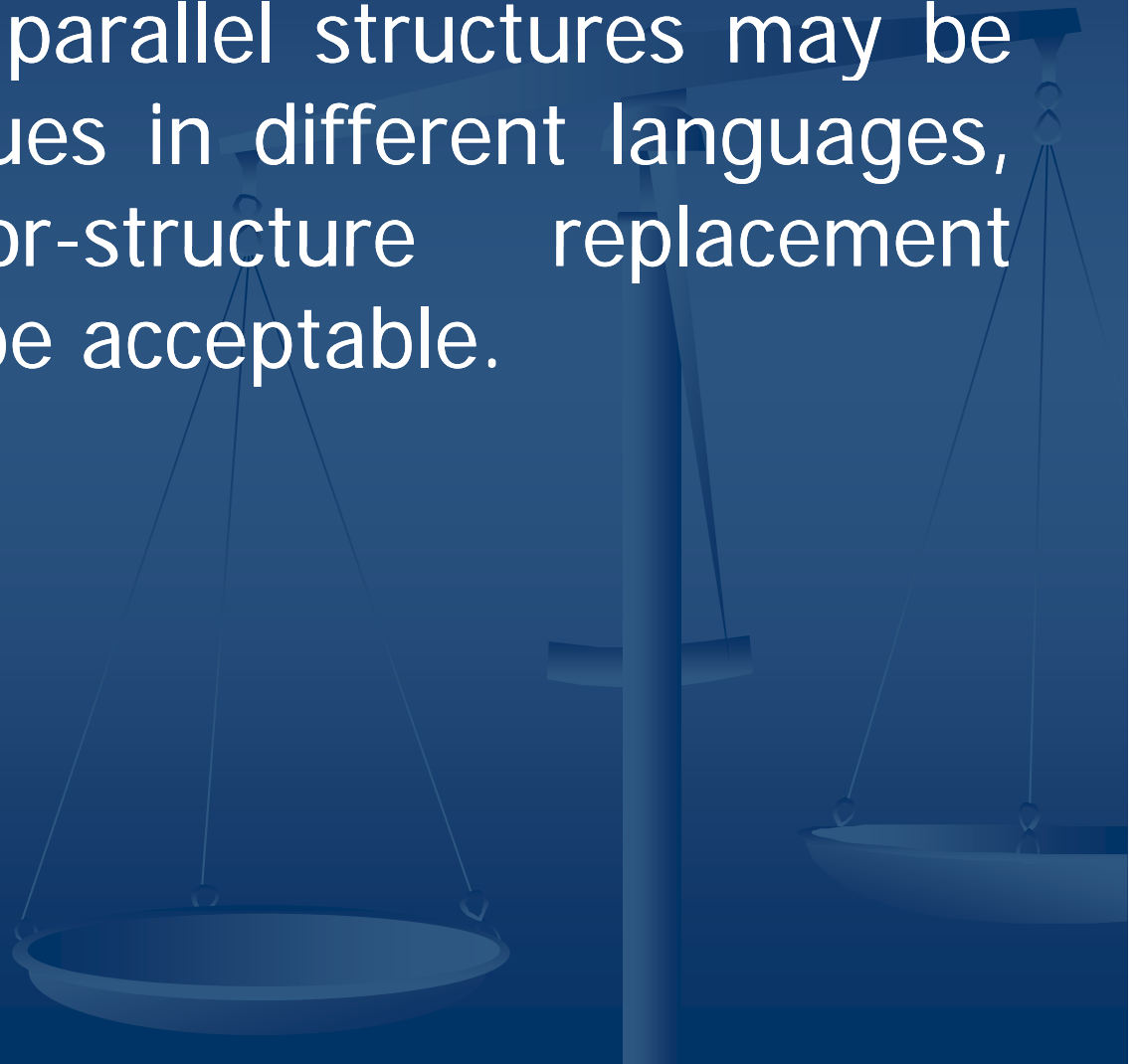
- The translator should know that different languages may give different forms to the same meaning substance (or value); and thus rather than tendering a word-for-word replacement, he should first determine the 'value' of the SL forms and try to see how that value is expressed in TL.



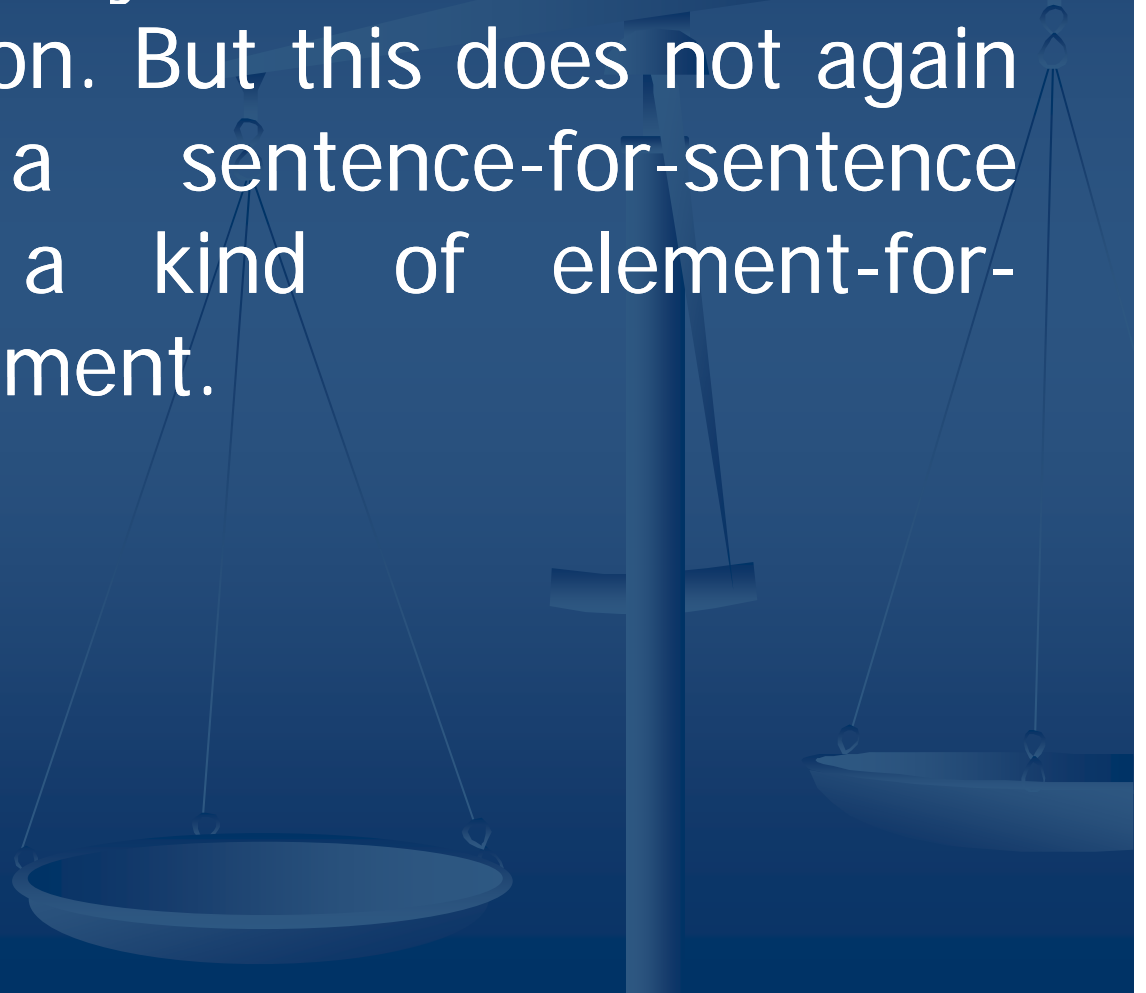
- There are parallel structural elements across languages. If the translator replaces an SL structure by its parallel TL one, this is called a structure-for-structure replacement.



- But since such parallel structures may be of different values in different languages, a structure-for-structure replacement cannot always be acceptable.

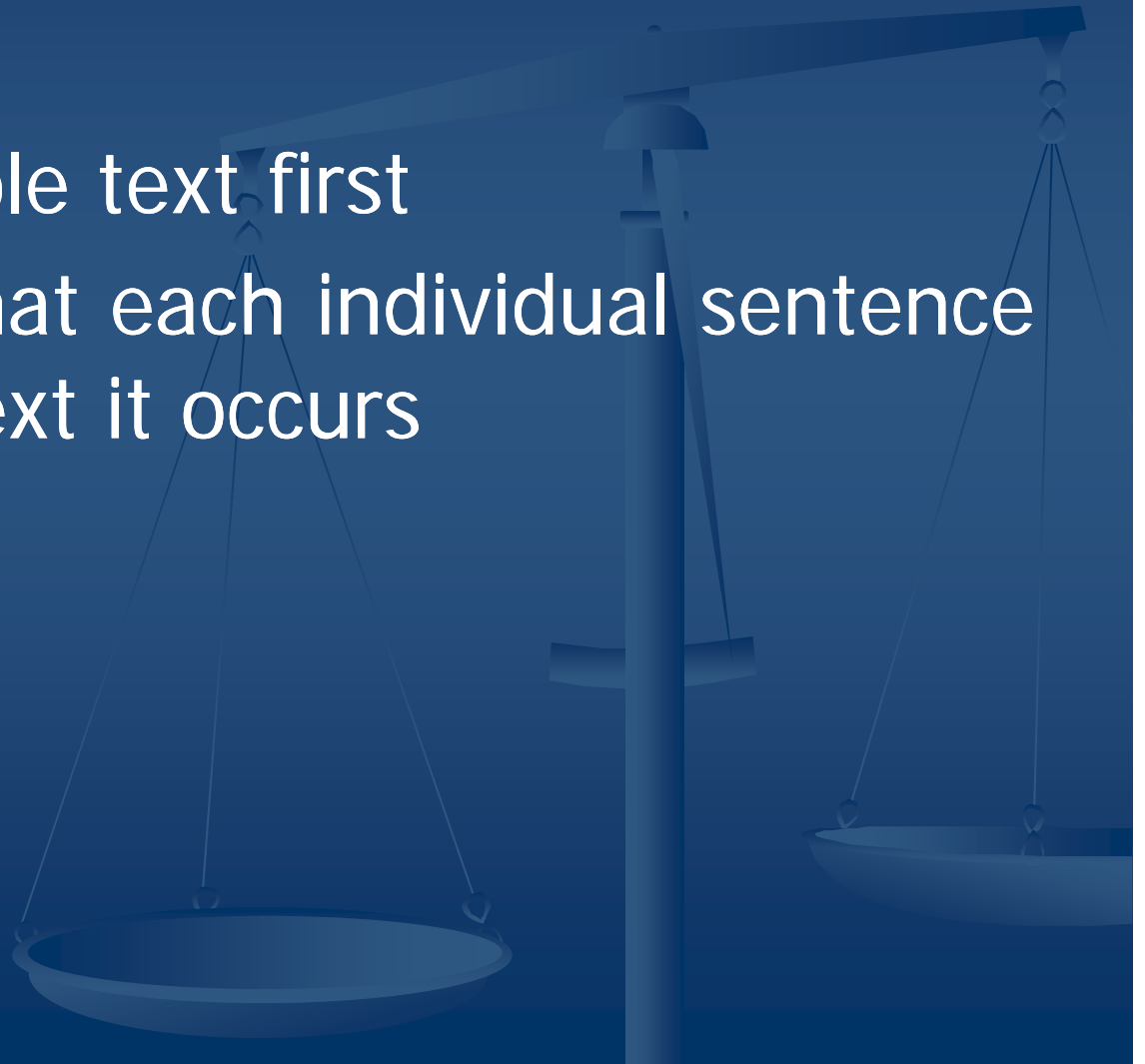


- Sentence is usually considered to be the unit of translation. But this does not again mean that a sentence-for-sentence translation is a kind of element-for-element replacement.



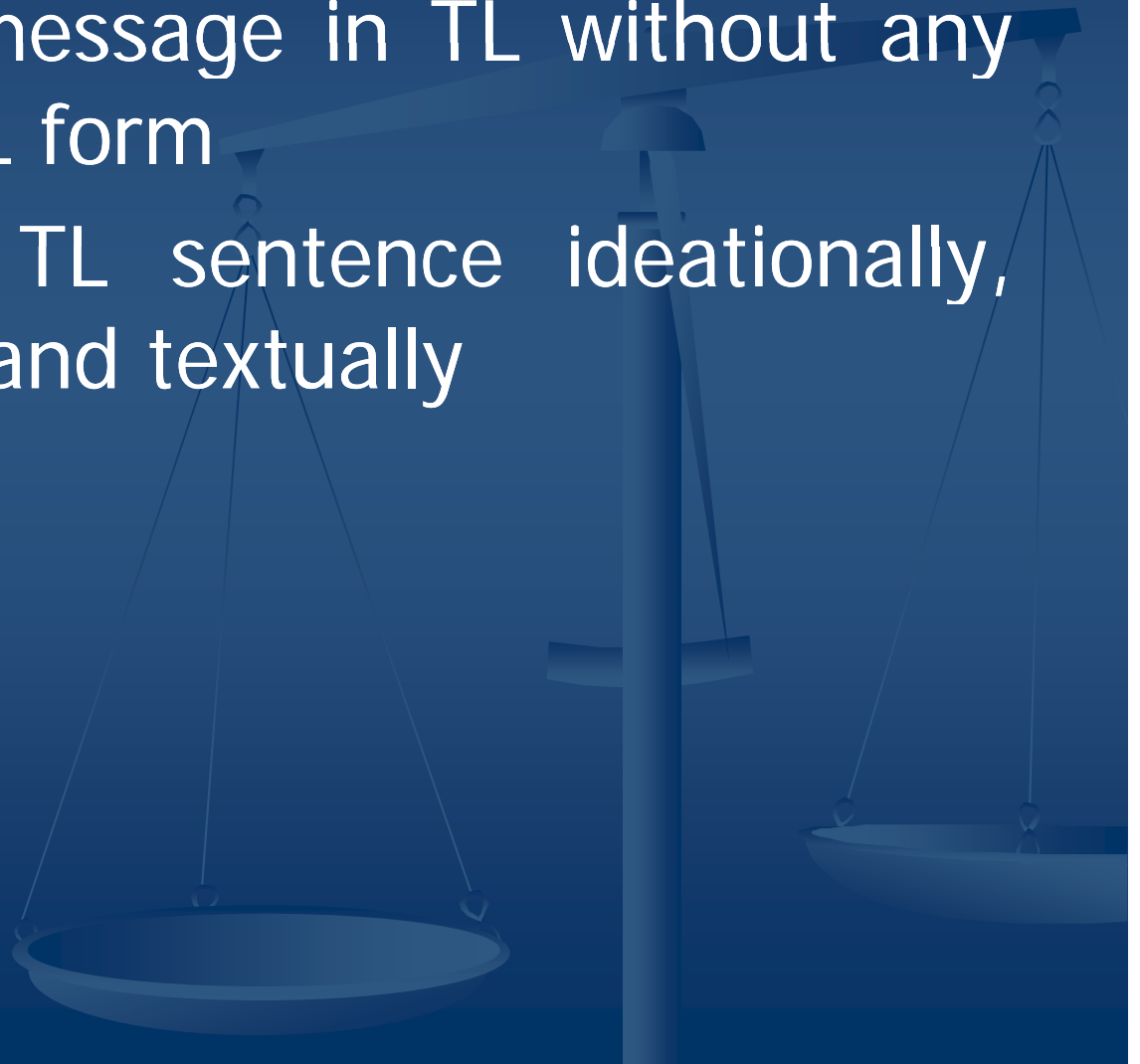
# Steps to be followed in translating a sentence:

- (a) Read the whole text first
- (b) Try to see what each individual sentence means in the text it occurs



# Steps to be followed

- (c) Express the message in TL without any regard to the SL form
- (d) Check your TL sentence ideationally, interpersonally and textually

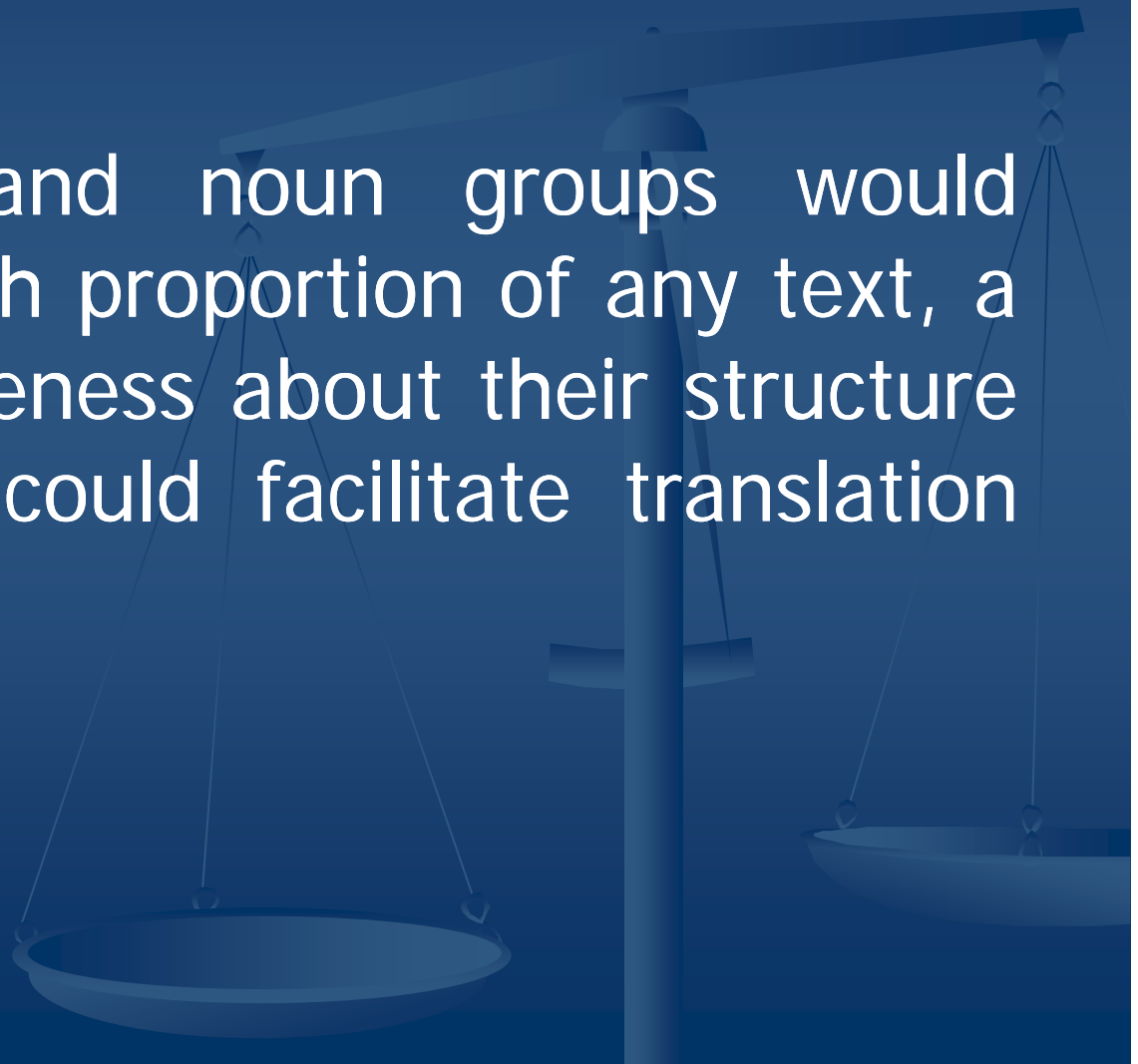




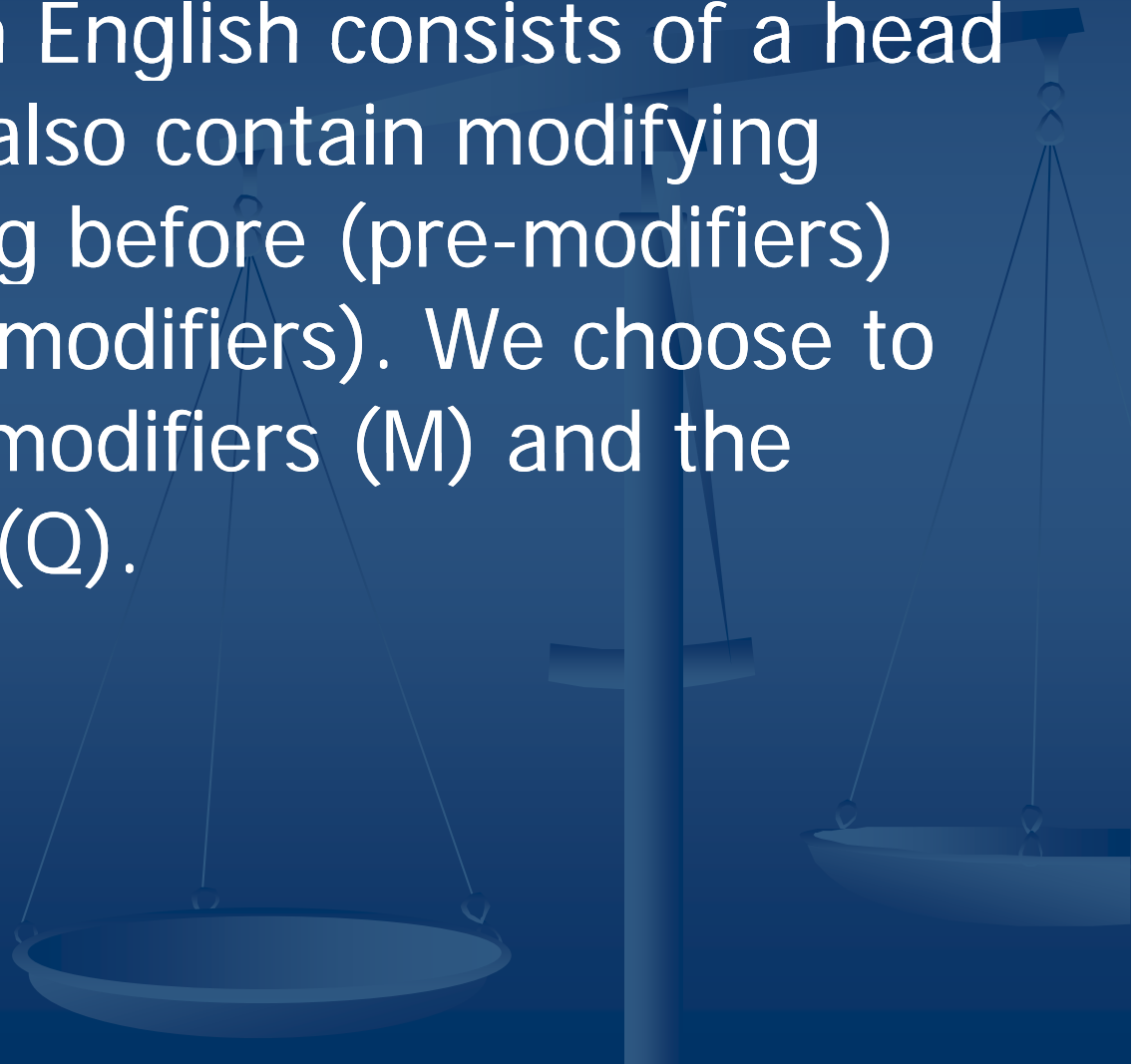
## درس 14

# Supplementary unit (1)

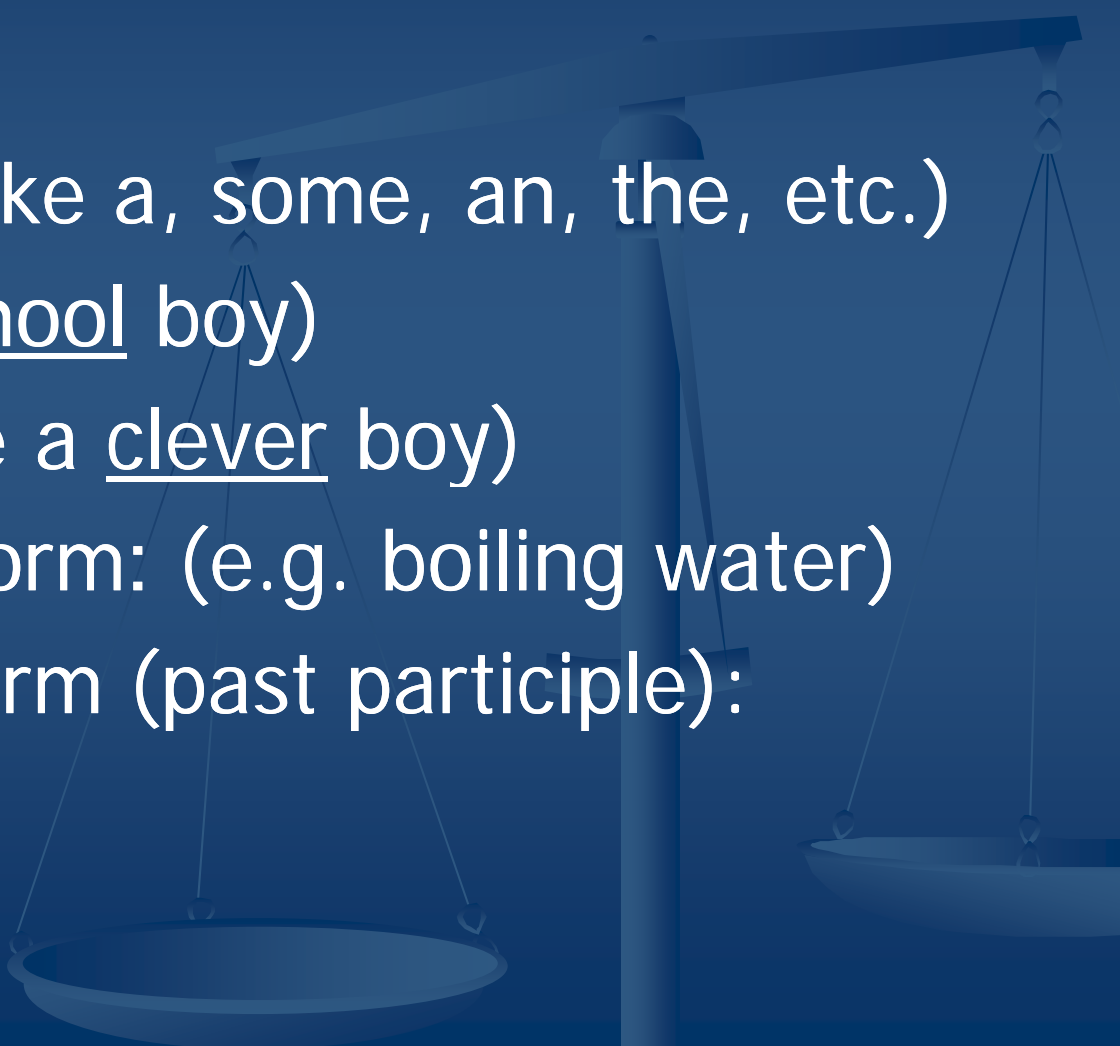
- Since nouns and noun groups would constitute a high proportion of any text, a conscious awareness about their structure in SL and TL could facilitate translation process.



- A noun group in English consists of a head noun (H), may also contain modifying elements coming before (pre-modifiers) and after (post-modifiers). We choose to call the former modifiers (M) and the latter qualifiers (Q).



# Modifiers fall into five different types:

1. Determiners (like a, some, an, the, etc.)
  2. Nouns (like school boy)
  3. Adjectives (like a clever boy)
  4. Verbs in -ing-form: (e.g. boiling water)
  5. Verbs in -ed-form (past participle):
- 

# Qualifiers are of two types:

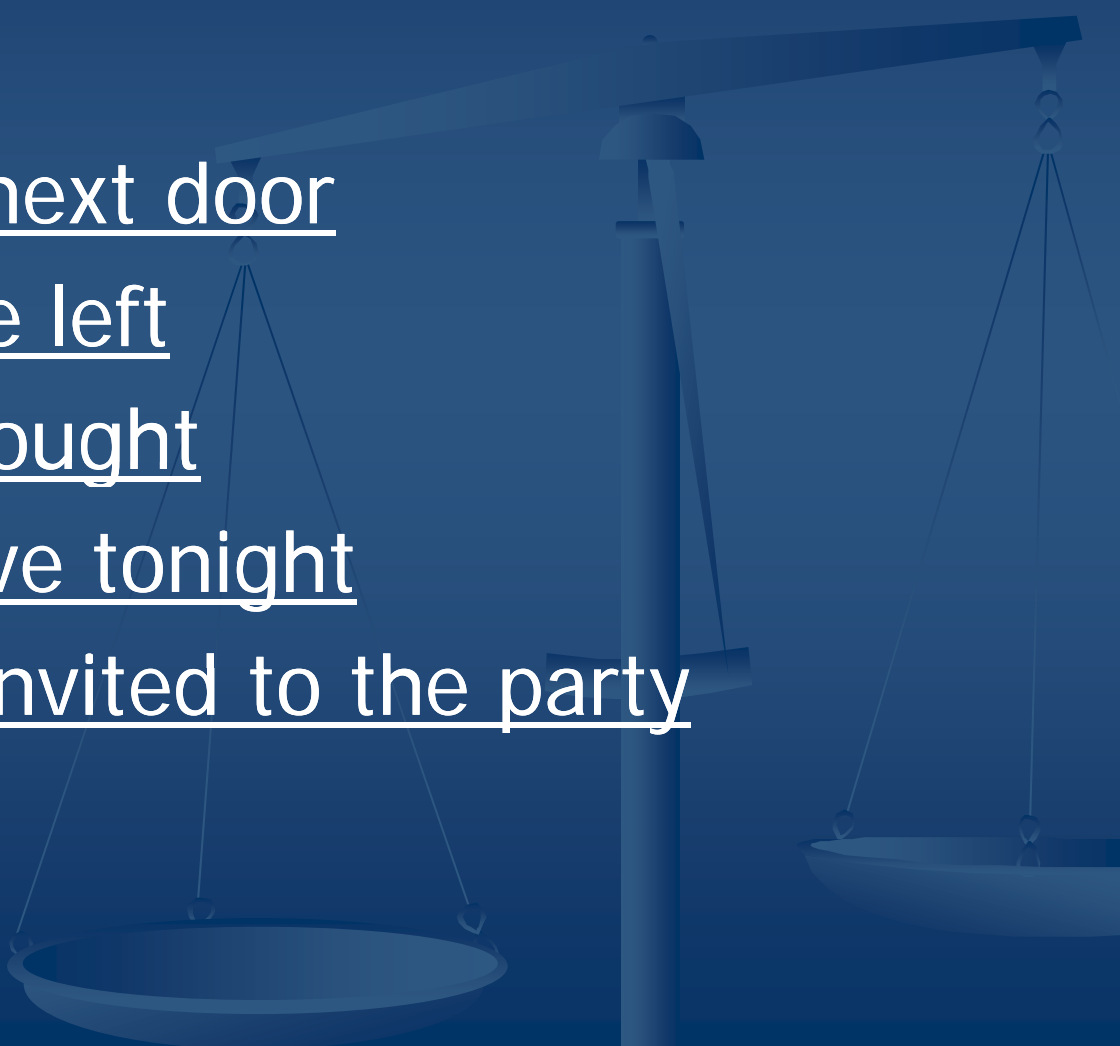
(1) preposition (which is mainly 'of') +  
Noun Group, e.g.

University of Tabriz

(2) Relative pronoun + Relative Clause,  
e.g.

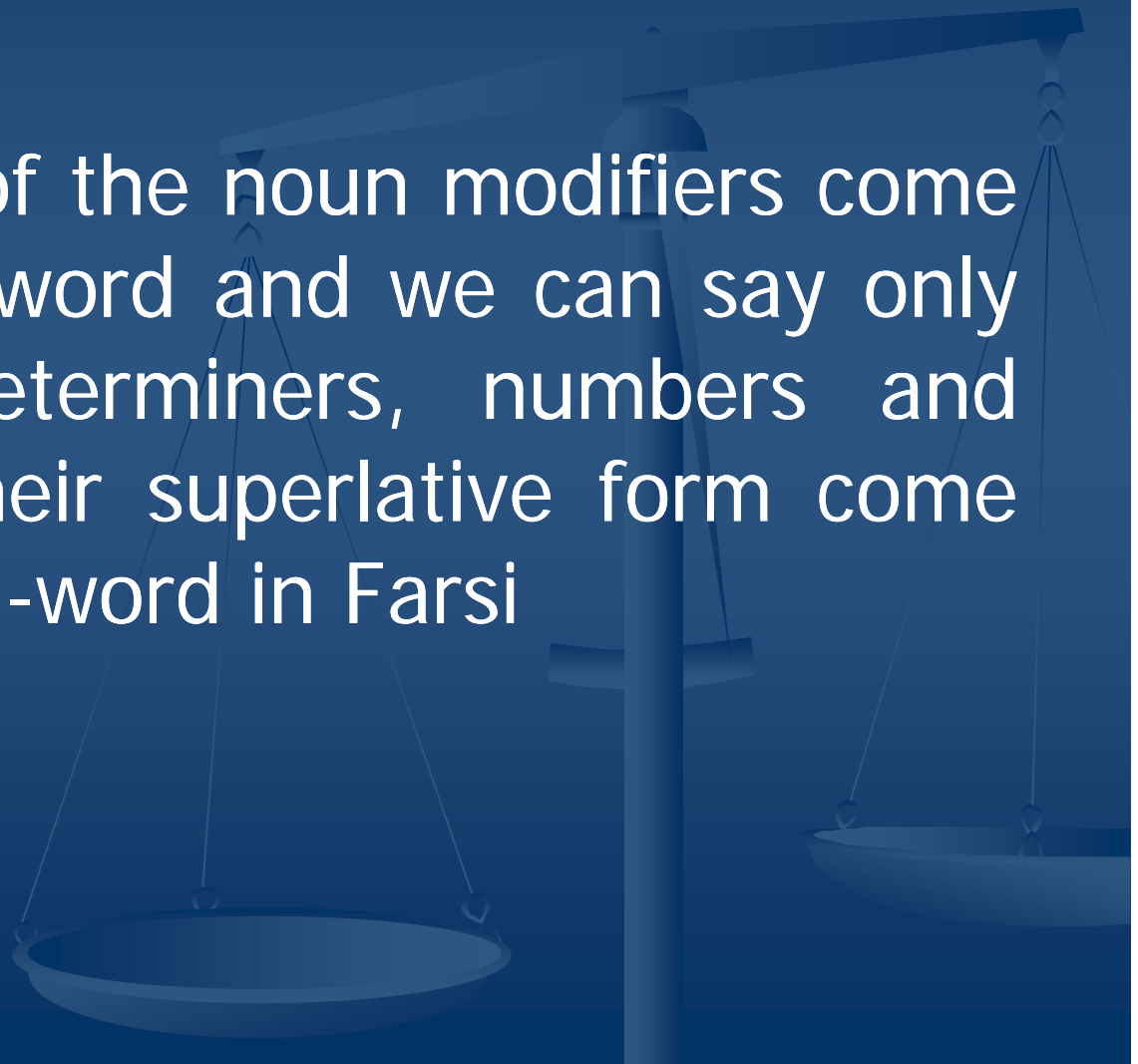
The **man** who lives next door.

## Relative clauses are sometimes used in their short form:

- The **man** living next door
  - The **table** on the left
  - The **book** you bought
  - The **man** to arrive tonight
  - The **man** to be invited to the party
- 

# Noun Groups in farsi

- In Farsi, most of the noun modifiers come after the head-word and we can say only the English determiners, numbers and adjectives in their superlative form come before the head-word in Farsi



# Notice to heads, Modifiers, and qualifiers in the following examples:

- 
1. تولید انبوه موشک  
Q Q H
  2. سازمان مرکزی تحقیقاتی  
Q Q H
  3. نقش منحصر به فرد بخش دفاعی  
Q Q H
  4. پیشتازترین قشر  
H M
  5. اکثر وسایل تبلیغی و منابع قدرت  
Q H Q H M
  6. یکی از مقامات کشوری  
Q H M
  7. پلی برای موفقیت این فیلم  
Q H

# Consider the following examples:

(1) A war of aggression

M H Q

(2) The most important element of the new

M H Q

strategy

(3) Russia's military command

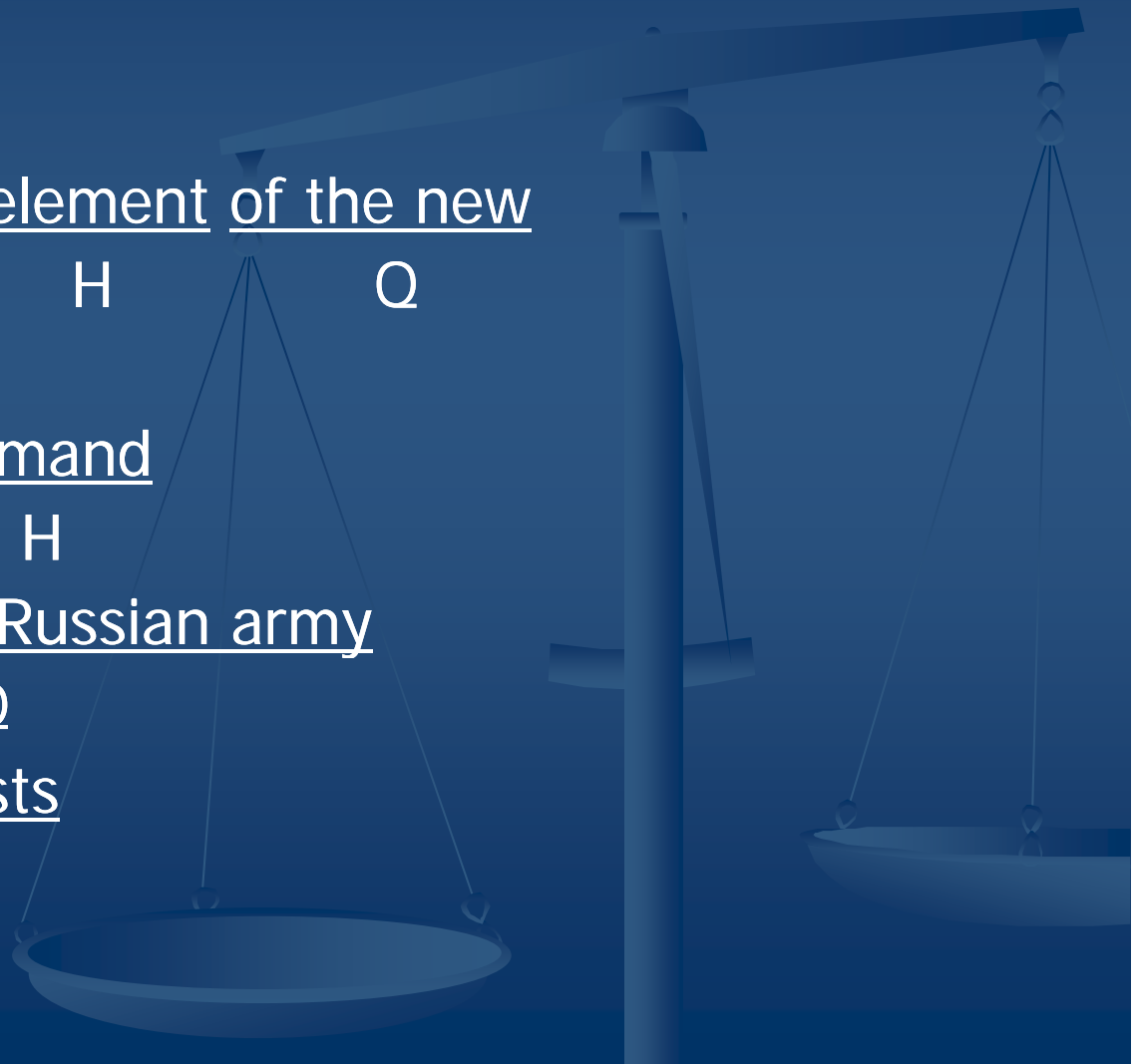
M M H

(4) Sources close to the Russian army

H Q

(5) Many other economists

H M H





پایان



[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)

## سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

[www.salampnu.com](http://www.salampnu.com)